

گزارشی از فاحه منادر

«طریق یا حاج»

دکتر محمد حسن شجاعی فرد

استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

مقدمه	۷
فصل اول: مسلمانان و اعمال حج	۱۱
فلسفه حج	۱۲
اعمال حج	۱۲
فصل دوم: سوء مدیریت آل سعود در موسم حج و عمره	۱۷
اجتماع‌های بزرگ از نگاه بین‌المللی	۱۹
جمعیت حجاج در موسم حج	۲۱
مدینه	۲۱
مکه	۲۲
ویژگی جمعیت حجاج	۲۴
قدرت بدنی	۲۵
وضعیت رفاهی	۲۵
مدیریت خدمات عربستان در اداره حج	۲۶
خدمات فرودگاهی مسافرتی	۲۶
خدمات شهری	۲۷
خدمات ارتباطاتی	۲۹

۳۱خدمات حمل و نقل
۳۴خدمات امنیتی
۳۴خدمات بهداشتی
۳۵خدمات فرهنگی
۳۷تبعیض نژادی در امور فرهنگی
۳۹	فصل سوم: حوادث خونین حج سال ۱۴۳۶ هـ.ق/۱۳۹۴ ش
۳۹سقوط جرثقیل درحرم
۴۰اعمال حج شروع می شود
۴۱فاجعه خونین منا
۵۱	فصل چهارم: گزارش شاهدان عینی از فاجعه منا
۵۱۱. حجاج ایرانی
۹۲۲. نظر بعضی از حجاج غیر ایرانی در مورد فاجعه منا
۱۵۵جمع بندی گزارش شاهدان
۱۶۳	فصل پنجم: واکاوی برخی از امور و راهکارها
۱۸۸نتیجه
۱۸۹	فصل ششم: فاجعه منا از نگاه حقوقی
۱۹۴قضا و قدر و فاجعه منا
۲۰۱تصاویر

مقدمه

در حج سال ۱۴۳۶ هجری قمری مطابق ۲۰۱۵ میلادی، در روز عید قربان که برای مسلمانان، به ویژه حجاجی که در عربستان هستند، بسیار روز مبارک و میمونی است، فاجعه‌ای اتفاق افتاد که دل مسلمانان جهان و حتی جامعه بشری را داغدار کرد. کشته شدن بیش از ۷۰۰۰ انسان آن هم، به فجع‌ترین وضعیت غیر قابل تصور. عده‌ای که می‌رفتند تا پس از عملیات کمی که از حج مانده بود جشن عید قربان خود را آغاز کنند، به خاک و خون کشیده شدند. گرمی هوا، تراکم جمعیت، نبود آب، آفتاب تند و با آن همه امکانات اطلاعاتی که در عربستان وجود دارد، دریغ از فریادرسی که به فریاد آنان برسد.

زن در مقابل شوهر، شوهر در مقابل زن، فرزند در مقابل پدر و مادر، پدر و مادر در مقابل فرزند، برادر در مقابل برادر، دوست در مقابل دوست و بالاتر از همه، خواهر و برادر مسلمان در مقابل خواهر و برادر مسلمان به خاک و خون کشیده می‌شد، بدون اینکه کاری از دست آنها برآید. چراکه همه امکانات حجاج در خیابان فاجعه، دو عدد حوله برای مردان به عنوان لباس احرام و زنان لباس مقدسی که برای احرام خود آماده کرده بودند. گویی همه کمبودها، اعم از آب و هوا، و زیادی‌ها، اعم از آفتاب، حرارت، فشار جمعیت، بی نظمی، بر خاک افتادن عزیزان و هم‌نوعان،

فقدان هر نوع مساعدت و تلاش برای این مشکلات، دست به دست هم داده بودند، تا یک فاجعه تاریخی بزرگ در عالم، به ویژه جهان اسلام و علی الخصوص در موسم اتفاق بیفتد و یاد و خاطره بد آن در اذهان خانواده چند میلیاردی مسلمانان، خانواده سه میلیونی حجاج این سال و خانواده ۷۰۰۰ نفری جان باختگان این فاجعه برای همیشه بماند.

اینجانب به عنوان کسی که در قلب فاجعه بوده و هم وجوه آن را از نزدیک لمس کرده‌ام، دو بار بی‌هوش شده و به صورت معجزه‌آسا زنده مانده‌ام، بر خود واجب دانستم تا با به قلم کشیدن این فاجعه، نقشی در زنده نگه داشتن مظلومیت مردان و زنانی که مظلومانه و بدون هیچ گناه و تقصیری به خاک و خون کشیده شدند، داشته باشم. از طرف دیگر با نوشتن این کتاب، عده‌ای به فکر بیفتند و جلوی سوء مدیریت‌ها و ندانم کاری‌های سعودی‌ها را در ایام حج و عمره بگیرند.

از طرف دیگر جهانیان، مردم مسلمان و کشورهای اسلامی، به ویژه کشور عربستان بدانند، که عمق این فاجعه چقدر بوده و به راحتی آن را به بوته فراموشی نسپارند.

اینجانب به عنوان یک استاد دانشگاه در رشته مهندسی و رئیس دانشکده و پژوهشکده مهندسی خودروی دانشگاه علم و صنعت ایران. با بیش از ۴۰ سال سابقه تدریس و تحقیق، تلاش کردم تا همه مطالب کتاب به دور از حب و بغض‌ها و نگاه‌های غیرمحققانه باشد. لذا اطمینان می‌دهم که همه آنچه در این کتاب آمده است، در مواردی فقط به نوشته‌ها اکتفا نکرده و به شخص راوی خاطرات آن روز مراجعه کرده و حرف‌های او را محققانه بررسی کرده و بعد به رشته تحریر در آورده‌ام.

موارد زیادی از خاطرات را که جنبه شخصی داشت، از متن‌ها حذف کرده‌ام. بعضی از خاطرات را از مصاحبه افراد با رسانه‌های رسمی و دقیق انتخاب کرده‌ام. نقطه نظرهای حجاج سایر کشورها، توسط عده‌ای شبیه خبرنگاران بدون مرز در

روزهای اول فاجعه تهیه شده است. به دلیل درخواست افراد از ذکر اسامی آنها خودداری شده است ولی نوار صوتی و در مواردی نوار تصویری آنان موجود است. با اکثر افراد ایرانی که خاطراتشان در کتاب آمده، ملاقات حضوری داشته‌ام. چراکه اکثر آنان از دوستان من بوده‌اند. بخشی از خاطرات که از نشریات مختلف گرفته‌ام با توجه به انتشار عمومی آنها، با ذکر نام آمده است. بدیهی است، آن قسمت از خاطرات و مصاحبه‌ها را آوردم که بیانگر عمق فاجعه منا بوده و گرنه مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شد.

از همه مقالات، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، مطالب مندرج در نشریات که کمکی به هدف کتاب می‌کرد، استفاده کرده‌ام. در طول شش ماه بعد از فاجعه، که این کتاب نوشته شد، صدها نوشته و نظریه‌های مختلف دیدم که بعضی را به خاطر سپرده و بعضی را به صورت خلاصه تهیه کردم. در همین جا از همه آنان به خاطر عدم ذکر نام آنها پوزش خواسته و صمیمانه از همه آنهایی که از اظهار نظر و نوشته آنان استفاده کرده‌ام سپاسگزاری می‌نمایم.

عکس‌های بسیار زیادی در مورد فاجعه منا وجود دارد که به دلیل عدم تحریک احساسات خوانندگان محترم از درج آنها خودداری کرده‌ام و فقط تعداد محدودی از عکس‌هایی که گوشه‌ای از فاجعه را می‌توانست نشان دهد آورده‌ام.

این کتاب بیشتر برای عرضه در جامعه جهانی و با نگاه بین‌المللی نوشته شده است. لذا بعضی از قسمت‌ها نظیر توضیح اجمالی اعمال حج، توجه کلان به مسائل عقیدتی اسلام و نه یک مذهب از مذاهب اسلامی، یکپارچه دیدن اسلام به عنوان یک امت واحده و به دور از مناقشات قومی و طایفه‌ای، برای ندادن بهانه به دست دشمنان و اتحاد بیشتر برادران و خواهران مسلمان، به ویژه برای همراهی در زنده نگه داشتن این فاجعه عظیم بوده است.

در پایان امیدوارم، این نوشته توسط مسئولان حج عربستان مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد، تا بدانند بازخور فعالیت‌های آنان از نگاه حجاج، به ویژه وقتی که ترسی بر افراد حاکم نباشد چیست. مهم‌تر از همه اینکه به جای دفاع از عملکرد خود، به فکر اصلاح عملیات حج باشند.

آینه چون نقش تو بنمود راست خود شکن آینه شکستن خطاست

امید است دولت جمهوری اسلامی ایران با کمک مسئولان بین‌المللی نظیر سازمان ملل، یونسکو، سازمان کنفرانس اسلامی و همچنین مسئولان محترم حج کشورهای اسلامی در احقاق حق حجاج از کشور عربستان تلاش نموده به گونه‌ای که اداره حرمین شریفین را با دیگر مسلمانان به اشتراک گذارند. خداوند روح همه در گذشتگان فاجعه منا را شاد و به همه بازماندگان آنها صبر عنایت فرماید.

ممدمسسن شماعی فرد

فروردین ۱۳۹۵

فصل اول: مسلمانان و اعمال حج

مسلمانان نظیر همه دین‌داران، دارای مراسم مخصوص هستند. در دین اسلام دارای مراسم مذهبی مختلف است. بعضی جنبه شخصی و بعضی جنبه شخصی و اجتماعی دارد. مثلاً یک عبادت داریم که هر شخص روزانه باید انجام دهد، که به آن نماز روزانه می‌گویند. هر مسلمان باید پنج بار در شبانه روز نماز بخواند. صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشا.

یک عبادت دیگر هست که هفته‌ای یک بار انجام می‌شود و آن نماز جمعه است، که در ظهر روز جمعه انجام می‌شود. این عبادت در حقیقت یک مراسم عبادی سیاسی است، که در آن قبل از نماز امام جمعه در دو بخش سخنرانی می‌کند. در این خطبه‌ها معمولاً مسائل اجتماعی و اخلاقی و مسائل روز جهان به‌ویژه امت اسلام مطرح می‌شود.

یک عبادت هست که سالی یک بار است و آن روزه‌داری است. این عبادت، در یک ماه قمری به نام ماه رمضان، که همه مسلمانان (به غیر از مسافرین و کسانی که عذری دارند) باید از اذان صبح تا مغرب از خوردن و آشامیدن و بعضی از اعمال دیگر خودداری کنند.

یک عبادت دیگر هست که هر مسلمان موظف است در صورت توانایی، یک بار در طول عمر خود آن را انجام دهد. توانایی یعنی داشتن امکان مالی و سلامتی جسمی

برای انجام این عمل.

این عمل، حج نامیده می‌شود و به کسی که این عمل را انجام دهد حاجی می‌گویند. عمل حج باید در سرزمین حجاز یعنی عربستان، آن هم در شهر مکه و در فاصله چند روز انجام شود. لذا هر سال بر اساس ظرفیت اعلان شده توسط عربستان، حدود ۴ میلیون مسلمان به عربستان می‌روند تا عمل حج را انجام دهند. چون قرار است در این کتاب در مورد فاجعه منا در سال ۲۰۱۵ صحبت شود، به اختصار در مورد فلسفه این عبادت و چگونگی اعمال حج توضیح می‌دهم، تا عمق فاجعه منا برای خوانندگان بیشتر روشن شود. البته فقط بخش واجبات حج آمده است.

فلسفه حج

با تأمل در عباداتی که در اسلام به عهده مسلمانان گذاشته شده است، می‌توان گفت هر کدام فلسفه خاصی دارند. شاید یکی از فلسفه‌های حج، این باشد که یک مسلمان از هر نژاد و هر زبان و هر ملیت، با لباس خاصی که فقط دو قطعه پارچه سفید (که معمولاً دو حوله بزرگ سفید) است، به مدت سه تا چهار روز کنار هم باشند. تا هم تکبر و غرور انسانی و قومی و نژادی را فراموش کنند، هم به یاد قیامت و آخرت بیفتند و در مسائل دنیایی غرق نشوند. در آن لباس فرقی بین شاه و گدا، غنی و فقیر، رئیس و زیردست نیست. کسی نمی‌تواند در آن لباس حتی رفیق خود را به راحتی بشناسد. خصوصاً کسانی که لباس علمای دین بر تن دارند، در این لباس دو حوله‌ای کمتر شناخته می‌شوند.

اعمال حج

یک بخش از اعمال حج، انجام عمره است. عمره برای هر کسی که بیشتر از یک ماه در خارج مکه باشد لازم است، تا برای ورود به مکه آن را انجام دهد. لذا بدیهی

است، مسلمانان خارج عربستان باید در ورود به مکه این عمل را انجام دهند. چون اعمال عمره برای ورود به مکه در غیر از فصل حج هم انجام می‌شود و شبیه بخش پایانی اعمال حج است، لذا در آنجا توضیح خواهم داد. اما اعمال حج به ترتیب زیر انجام می‌شود:

مُحَرَّم شدن:

پوشیدن دو قطعه پارچه سفید که دوخته شده نباشد. مثلاً دو قطعه حوله بزرگ (بافتنی بلامانع است، اما نباید شکل لباس داشته باشد، بلکه مثل دو قطعه پارچه باشد). همراه با نیت و گفتن کلماتی که به آن تلبیه می‌گویند، محقق می‌شود. بعد از آن چند عمل بر شخص محرم حرام می‌شود که اگر انجام دهد باید جریمه بدهد. این لباس تا زمانی که بیشتر اعمال تمام نشود، قابل تعویض نیست. برای زنان این شرط لباس، وجود ندارد. یعنی خانم‌ها می‌توانند در هر لباسی، مُحَرَّم شوند و حج را انجام دهند. (عکس شماره ۱)

عمره:

با ورود به مکه و اعمال مربوط به آن انجام می‌شود.

وقوف در عرفات:

باید به ۱۴ کیلومتری مکه یعنی محلی به نام عرفات برود و از ظهر روز نهم ذی‌الحجه تا غروب در عرفات اقامت کند. به این عمل وقوف در عرفات می‌گویند. عرفات به معنای محل شناخت است. (عکس شماره ۵)

وقوف در مشعر:

بعد از عرفات به ۵ کیلومتری عرفات، یعنی مَشْعَر الحرام رفته و تا طلوع آفتاب باید در آنجا حضور داشته باشد. به این عمل وقوف در مشعر می‌گویند. مشعر یعنی محل استفاده از شعور. (عکس شماره ۶ مربوط به مشعر)

اعمال منا:

باطلوع آفتاب حاجی‌ها از مشعر تا منا که ۵ کیلومتر فاصله دارد می‌روند و در آنجا چند کار انجام می‌دهند. (عکس شماره ۷ مربوط به منا)

رمی جمرات:

حاجی باید به ستونی که سمبل شیطان است و ابراهیم پیامبر در آنجا به شیطان سنگ زده است، هفت عدد سنگ‌ریزه بزند. البته سه ستون به عنوان سمبل شیطان است. شیطان بزرگ، شیطان متوسط و شیطان کوچک. روز اول ورود به منا، که برای مسلمانان روز عید قربان هم هست، فقط به شیطان بزرگ سنگ می‌زنند و روزهای دیگر به هر سه شیطان. به این عمل «رمی جمرات»، یعنی «زدن سنگ‌ریزه‌ها» به شیطان می‌گویند. (عکس شماره ۱۰ مربوط به جمره عقبه)

قربانی:

پس از سنگ زدن به شیطان بزرگ، حاجی باید یک گوسفند قربانی کند. اما چون برای حاجی‌ها این کار مقدور نیست، همه حاجی‌ها قبلاً به عده‌ای که کارشان قصابی است نیابت می‌دهند تا برایشان این کار را انجام دهند.

ملق یا تقصیر:

بعد از قربانی، حاجی باید موی سر خود را از ته بترشد، که به آن حلق می‌گویند. البته کوتاه کردن مو را به عربی تقصیر می‌گویند. (عکس شماره ۹ مربوط به حلق). بعد از قربانی، حاجی دو پارچه سفید احرام را عوض می‌کند و لباس معمولی خود را می‌پوشد.

پایان ممره بودن:

بعد از اعمال بالا، حاجی به مکه برمی‌گردد و اعمال زیر را که مشابه اعمال عمره ورود به مکه است، انجام می‌دهد.

اعمال عمره:

اعمال مکه باید در مسجدالحرام یعنی جایی که کعبه در آن قرار دارد انجام شود. این اعمال عبارت‌اند از: (عکس شماره ۲ مربوط به مسجدالحرام)

طواف:

هفت دور گردیدن (طواف) دور کعبه.

نماز طواف:

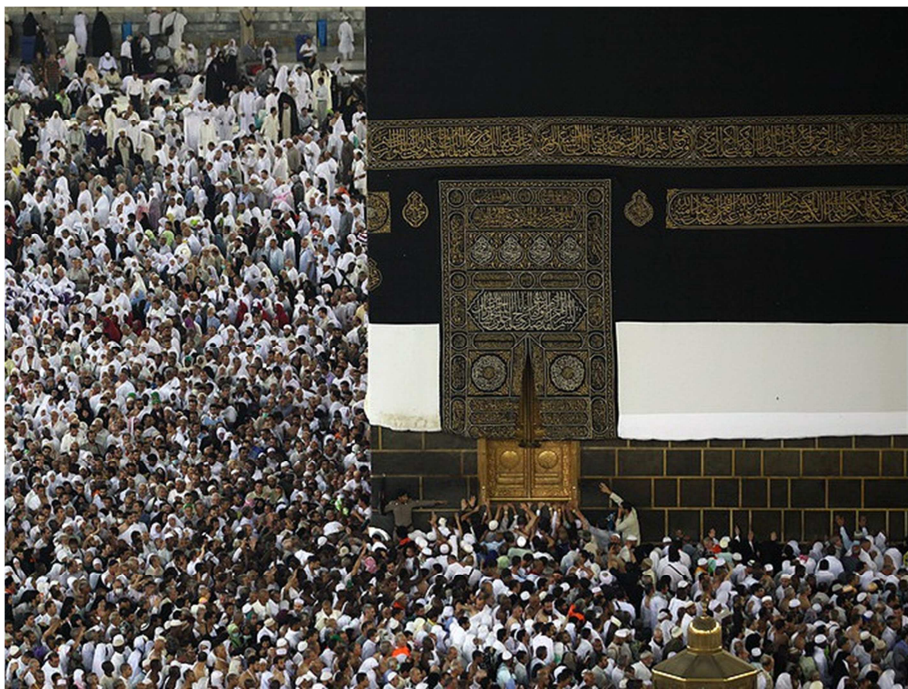
نماز طواف پشت مقام ابراهیم (عکس شماره ۳ مربوط به مقام ابراهیم)

سعی:

سعی بین صفا و مروءه: صفا و مروءه، دو کوه به فاصله ۳۵۰ متر از هم هستند، که حاجی باید ۷ مرتبه این مسیر را برود. (هاجر همسر ابراهیم و مادر اسماعیل عليه السلام) زمانی که مکه بیابان بود ۷ بار این مسیر را طی کرد تا بتواند آب پیدا کند. این عمل سمبلی از تلاش است که به عربی همان سعی گفته می‌شود. (عکس شماره ۴ مربوط به سعی صفا و مروءه)

طواف نساء:

بعد از این اعمال دوباره باید ۷ بار دور کعبه بگردد و نماز طواف هم بخواند. بعضی این طواف آخر را طواف نساء، و بعضی طواف وداع (خداحافظی) می‌گویند. نقشه شماتیک طواف دور کعبه، صفا و مروءه، عرفات، مشعر، منا و محل جمرات (سنگ زدن به شیطان) در پیوست کتاب آمده است.



فصل دوم: سوء مدیریت آل سعود در موسم حج و عمره

مجمعیت مهاج

آمار حاجی های کشورهای بر اساس ظرفیت اعلان شده از طرف عربستان خواهد بود. در سال ۲۰۱۵ آمار حجاج خارجی بر اساس نامه ولیعهد عربستان به پادشاه که در تاریخ زیر در سایت الرياض عربستان به شرح زیر آمده است.

الأربعاء ۹ ذی الحجة ۱۴۳۶هـ (حسب الرؤية) - ۲۳ سبتمبر ۲۰۱۵م - العدد ۱۷۲۵۷
وقد نقص عدد الحجاج القادمين لهذا العام عن العام الماضي (۵/۴۳۹) حاجاً
بنسبة قدرها (۴٪)

وكان دخول حجاج هذا العام على النحو التالي: عن طريق الجو: (۱/۳۳۴/۲۴۷) حاجاً.

عن طريق البر: (۳۷/۷۷۱) حاجاً.

عن طريق البحر: (۱۲/۹۲۳) حاجاً.

و يمثل حجاج هذا العام (۱۶۴) جنسية من مختلف أقطار العالم.

عدد الذكور منهم (۷۵۰/۵۶۴) يمثلون نسبة (۵۴٪)، وعدد الإناث (۶۳۴/۳۷۷)

يمثلن نسبة (۴۶٪)

أدعو الله العلي القدير أن يحفظكم لهذه الأمة قائداً وبنانياً لنهضتها وأن يديم على

هذه البلاد نعمة الأمن والإيمان.

حفظکم الله وأدام عزکم.

محمد بن نایف بن عبدالعزیز

ولی العهد

نائب رئیس مجلس الوزراء وزیر الداخلية

رئیس لجنة الحج العليا

چهارشنبه ۹ ذی الحجه ۱۴۳۶ - ۲۳ سبتمبر ۲۰۱۵م - شماره خبر ۱۷۲۵۷

تعداد حجاج در امسال نسبت به سال گذشته (۵۴۳۹) حاجی یعنی (۰.۴٪) کمتر

از سال قبل (۲۰۱۴)

ورود حجاج به شرح زیر بوده است:

از طریق هوایی: ۱.۳۳۴.۲۴۷ نفر

از طریق زمین: ۳۷.۷۷۱ نفر

از طریق دریایی: ۱۲.۹۲۳ نفر

حجاج امسال نمایندگی (۱۶۴) ملیت مختلف از اطراف عالم بوده‌اند.

تعداد مردان (۷۵۰. ۵۶۴) نفر (۵۴٪)، تعداد زنان (۶۳۴. ۳۷۷) (۴۶٪) می‌شود.

محمد بن نایف بن عبدالعزیز ولیعهد، نائب رئیس هیئت دولت، وزیر کشور و

رئیس شورای عالی حج.

بر این اساس تعداد کل حجاج که در سال ۲۰۱۵ از خارج از عربستان به این

کشور رفته‌اند ۱.۳۸۴.۹۴۱ نفر می‌شود.

علاوه بر این تعداد، هر سال تعدادی از کشور عربستان نیز در مراسم حج شرکت

می‌کنند. در مورد سال ۲۰۱۵ ارقام مختلفی است. اما تعداد حجاج داخلی عربستان

در سال ۲۰۱۳ بر اساس آمار سایت خبرالجوف در تاریخ ۱۴۳۴/۹/۲۲ که نوشته

است ۱۰۴۰۰۰ نفر است:

خبر الجوف: قال وکیل وزارة الحج المساعد لشؤون الحجاج عبدالرحمن النفیعی

إن الوزارة ملتزمة بتخفيض عدد حجاج الداخل من المواطنين والمقيمين هذا العام بحيث لن يتجاوز ۱۰۴ آلاف حاج.

خبرالجوف: معاون وزارت حج در قسمت امور حجاج عبدالرحمان النفيعی گفت: که وزارت موظف به کاهش تعداد حجاج داخل از هم وطنان و مقیمین در سال جاری شده است به گونه ای که تعداد آنها از ۱۰۴ هزار نفر تجاوز نکند.

در مورد سال ۲۰۱۵ این عدد را تا دو برابر هم گفته اند. اگر به این اعداد تعداد حجاج غیرقانونی خود عربستان هم که تا ۱۰۰ هزار نفر گفته شده اضافه کنیم، کل حجاج با محاسبه بالا ۱.۳۸۴.۹۴۱ حجاج خارجی و ۳۰۰ هزار نفر حجاج داخلی جمعا ۱۶۸۴۹۴۱ و یا حداکثر همان ۱.۷۰۰.۰۰۰ نفر. هر چند معلوم نیست چرا مطبوعات مختلف سعودی به ویژه سایت اخبار ۲۴ از قول خالد الفیصل، وزیر حج، تعداد حجاج ۲۰۱۵ را ۱.۹ میلیون اعلان کردند. البته بعضی مطبوعات عربستان ۳.۱ میلیون هم گفته اند که منبع آنها مشخص نیست..

این عدد در بعضی سال ها به ۴ میلیون هم رسیده است. که نوعا در سال های شلوغ در حوادث مختلف تعداد قابل توجهی از حجاج جان خود را از دست داده اند.

اجتماع های بزرگ از نگاه بین المللی

آنچه که در اکثریت کشورهای دنیا مرسوم است، شلوغ بودن یک جمعیت را در اکثر موارد از ۱۰۰۰۰ نفر به بالا می گیرند. لذا در مواردی نظیر تظاهرات خیابانی، مسابقات فوتبال، سخنرانی های مهم، استقبال از شخصیت های مهم، تشییع جنازه افراد محبوب مردم و مراسم مذهبی در ادیان مختلف، اجتماع شلوغ گفته می شود. در دانشنامه ویکی پدیا (انگلستان)، بزرگ ترین اجتماعات مسالمت آمیز را آورده است. متن دانشنامه ویکی پدیا:

«این نوشتار فهرست اجتماعات مسالمت‌آمیز جهان بیش از یک میلیون نفر را که به‌طور همزمان در یک مکان روی داده است بررسی می‌کند.

در بین اجتماعات خاص که تنها یک بار روی داده است، تشییع (جنازه) سید روح‌الله (امام) خمینی با بیش از ده میلیون و دویست هزار نفر و طول جمعیت ۳۲ کیلومتر در ۱۱ ژوئن ۱۹۸۹ رکورددار است و در سال ۲۰۱۲ وارد کتاب گینس شده است.

در بین اجتماعات سالانه، مراسم اربعین در کربلا (عراق) که هر ساله برگزار می‌گردد، رکورددار است. در این مراسم چند روزه بین ۱۷ تا ۲۰ میلیون نفر (در سال‌های مختلف) شرکت داشته‌اند. مراسم اربعین به جز اجتماع در کربلا، شامل راهپیمایی طولانی چندین کیلومتری نیز هست. مراسم اربعین عموماً توسط رسانه‌های غربی نشان داده نمی‌شود.

هر ۱۲ سال، نزدیک به ۳۰ میلیون نفر و در ۱۰ فوریه ۲۰۱۳ برای مراسم مذهبی کومبه میل‌احمین در الله‌آباد، هند جمع شدند.^۱

در تشییع جنازه جمال عبدالناصر رییس جمهور مصر، که در ۱ اکتبر ۱۹۷۰ میلادی بود، در قاهره مصر، حدود ۵ میلیون نفر شرکت کردند.»

بر اساس اطلاعات اینجانب (نویسنده)، به چند نمونه دیگر از اجتماع بسیار بیشتر از ۱۰۰۰۰ نفر، که قابل توجه نظرمدیران اجتماعات شلوغ است، اشاره می‌کنم. در مراسم مذهبی مسلمانان که همان مراسم حج در مکه است، در شرایط عادی ۴ میلیون نفر و در شرایط تعمیرات و بازسازی حرم‌ها حدود ۲ میلیون نفر حضور دارند.

در مراسم استقبال از امام خمینی در بهمن سال ۱۳۵۷ (فوریه ۱۳۷۹) بیش از ۵

۱. این مراسم در طول ۱۰ روز انجام می‌شود.

میلیون نفر از سراسر کشور شرکت کردند، که عمده آنها در دو طرف یک مسیر ۳۰ کیلومتری به طور فشرده حضور داشتند و عده زیادی هم در محل سخنرانی ایشان تجمع کرده بودند.

هر سال در ۲۲ بهمن (۱۱ فوریه) سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در سراسر ایران، به طور همزمان در ۶۰۰ شهر، بیش از ۴۰ میلیون زن و مرد و پیر و جوان و کودک و حتی نوزادان به همراه مادرانشان در راهپیمایی این سالگرد شرکت می‌کنند. فقط در شهر تهران بیش از ۳ میلیون نفر در این راهپیمایی شرکت می‌کنند.

جمعیت حجاج در موسم حج

مدینه

مسجد النبی ﷺ

در این مسجد به دلیل وجود قبر پیامبر اسلام ﷺ همه حجاج با دو هدف می‌آیند، یکی عبادت و نماز در مسجد و دیگری زیارت قبر پیامبر ﷺ. لذا حدود ۴ میلیون نفر در فاصله حج روزانه ۵ نوبت به این مسجد می‌آیند. یعنی در هر روز حدود ۲۷۰ هزار نفر به این مسجد رفت و آمد می‌کنند، که در پنج نوبت، حدود ۱۳۳۰۰۰۰ نفر می‌شود. این جمعیت در فاصله دو ساعت قبل از طلوع آفتاب تا دو ساعت بعد از غروب آفتاب به مسجد می‌آیند.

مساجد و محل‌های تاریخی زمان پیامبر ﷺ که ۶۰٪ حجاج به این مراکز مراجعه می‌کنند. یعنی ۲۴۰۰۰۰۰ در طول ۱۵ روز به محل‌هایی می‌روند که ظرفیت هر یک از آنها بیشتر از ۵۰۰ - ۱۰۰۰ نفر نیست. یعنی به‌طور متوسط در هر ساعت از روز حدود ۲۰۰۰۰ نفر به فضاهایی می‌روند که ظرفیت حدود ۷۰۰ نفر دارند.

مکه

مسجدالمراة

مهم ترین بخش در مکه، مسجدالحرام است، که محور اصلی انجام عمل حج است. تمام ۴ میلیون حاجی در فاصله حدود ۱۰ روز در مکه با هم هستند و همه اعمال از نمازهای روزانه گرفته تا همان اعمالی که در عمره توضیح داده شد، یعنی ۷ دور گشتن دور کعبه، نماز طواف، سعی صفا و مروه و ۷ دور طواف دوم و نماز. یعنی همه ۴ میلیون این اعمال را در فاصله کوتاهی باید انجام دهند. به این اعمال واجب اضافه کنید، ۷ دور طواف مستحبی، که همه حجاج برای پاداش معنوی بیشتر انجام می دهند و تلاش برای بوسیدن حجرالاسود (سنگ سیاه)، که در یک گوشه کعبه نصب است.

حرکت به سوی عرفات: همه این ۴ میلیون نفر در فاصله بعد از ظهر روز هشتم ذی الحجه باید از یک اتوبان به طرف عرفات بروند. اگر برای کل سفر که حدود ۱۵ کیلومتر است، هر اتوبوس ۴۰ نفر را منتقل کند، ۱۰۰۰۰۰ اتوبوس باید در عرض ۸ ساعت افراد را، به عرفات منتقل کنند. در هر کیلومتر این بزرگ راه، اگر در سه باند، سه ردیف اتوبوس هم قرار بگیرند، باید حداقل ۳۴۰ اتوبوس در هر باند باشد، در حالی که ۶۰٪ مسیر توسط سواری ها اشغال می شود. این مطلب بیشتر به یک واقعه بی نظیر تاریخی در اجتماع بشری می ماند.

عرفات: ۴ میلیون نفر جمعیت باید در بیابانی به مساحت حدود ۱۸ کیلومتر مربع، از ظهر روز نهم ذی الحجه تا غروب آفتاب حضور داشته باشند. سرویس دادن به این ۴ میلیون در روز نهم در عرفات، آن هم در حرارت حدود ۴۰ تا ۵۰ درجه سانتیگراد، چه مدیریتی می خواهد.

حرکت به مشعرالحرام: همه ۴ میلیون نفر در فاصله چند ساعت باید با اتوبوس

به طرف مشعر بروند. مدیریت این کار بسیار سنگین است.

مشعر الحرام: همان ۴ میلیون نفر باید شب دهم ذی الحجه تا طلوع آفتاب در مشعر بمانند. اگر چه اکثر این ۴ میلیون نفر بخش عمده‌ای از شب راروی یک زیرانداز می‌خوابند، اما قابل تصور نیست که این جمعیت بزرگ بدون تسهیلات لازم با چه مشکلاتی در طول شب مواجه می‌شوند.

حرکت به منا: همه این جمعیت ۴ میلیونی در صبح روز دهم ذی الحجه (عید قربان) باید، پیاده از مشعر به منا بیایند. آیا مشکلات پیاده روی ۴ میلیون زن و مرد، پیر و جوان از ملیت‌های مختلف در تصور می‌گنجد؟ آن هم از یک مسیر باریک، که گاه اتوبوس‌ها و یا خودروهایی هرچند مربوط به مأمورین، عرض مسیر را نصف می‌کنند.

سنگ زدن به شیطان بزرگ: همان ۴ میلیون نفر حالا باید در سه طبقه، هر کدام ۷ عدد سنگ‌ریزه به یک دیوار به طول حدود ۴۰ متر و ارتفاع ۱۰ متر بزنند. متاسفانه اکثر حجاج در طبقه هم کف سنگ می‌زنند و به طبقات بالا کمتر مراجعه می‌کنند. به طوری که حدوداً ۶۰٪ حجاج طبقه هم کف و ۳۰٪ طبقه اول و کمتر از ۱۰٪ در طبقه سوم می‌روند.

قربانی برای همه حجاج، توسط قصابان در کشتارگاه‌ها انجام می‌شود.

حلق یا تقصیر (تراشیدن سر): اکثریت قریب به اتفاق این ۴ میلیون (به جز آنها که بیش از یک بار به حج آمده‌اند) باید موهای سر خود را با تیغ از ته بتراشند. تصور کنید برای این عمل حجاج با چه مدیریتی باید باشد، تا این عملیات بزرگ بی‌حادثه و در وضعیت مطلوب به پایان برسد.

عده‌ای بعد از اعمالی که در منا انجام دادند، یعنی سنگ زدن به شیطان و تراشیدن سر، برای اعمال مسجدالحرام به مکه می‌روند، که اعمال آن قبلاً توضیح داده شد.

روز یازدهم و دوازدهم باید سنگ زدن شیطان را برای سه شیطان تکرار کرد، شیطان کوچک، شیطان متوسط و شیطان بزرگ. یعنی سنگ زدن به شیطان در این دو روز سه برابر روز دهم است.

اما عده زیادی، یعنی نزدیک به سه میلیون نفر بعد از اعمال منا و روز دوازدهم که به مکه آمدند، اعمال مکه را انجام می دهند. مشکل اینجاست که، این سه میلیون نفر می خواهند اعمال مسجدالحرام (عمره دوم) را در طول دو تا سه روز انجام دهند. یعنی حضور روزانه یک میلیون نفر در مسجدالحرام، آن هم گردش در فضای محدود طواف، که حدود ۱۰۰۰۰ متر مربع است. البته به شرطی که مانعی نظیر راهروهای موقت و یا نرده نباشند. این عدد یعنی در هر یک متر مربع فضای طواف در طول روز ۱۰۰ نفر باید حرکت کنند.

برای کسی که این جمعیت را ندیده باشد، تصورش هم مشکل است. این گزارش مختصری بود از حضور ۴ میلیونی حجاج در اعمال حج.

ویژگی جمعیت حجاج

برای سفر حج، مسلمانان از حدود ۱۷۰ کشور می آیند. تقریباً ۹۰٪ آنها فقط زبان بومی خود را می دانند.

البته تعداد زبان‌ها به تعداد کشورها نیست. اکثریت حجاج به ترتیب جمعیت، با زبان‌های، عربی، اردو، هوسا، سواحلی، مالایو، بنگالی، فارسی، هندی، ترکی، انگلیسی، فرانسه، اسپانیولی، روسی، چینی،... صحبت می کنند. کمتر از ۱۰٪ حجاج، می توانند با حجاج کشورهای دیگر صحبت کنند، مگر اینکه غیر از زبان بومی، زبان عربی و انگلیسی را هم بدانند. من چون انگلیسی و عربی می دانم، امکان ارتباط با حجاج کشورهای زیادی را داشتم.

بنابراین، این جمعیت انبوه ۴ میلیون نفری، از مردم یک کشور نیستند، که در

شرایط حادثه، قدرت ارتباط باهم، برای کمک به هم داشته باشند.

اگر چه همه حجاج مسلمان هستند، اما به تعداد کشورها، فرهنگ اجتماعی متفاوت دارند، هر چند در یک کشور هم، افراد مناطق مختلف آن با هم اختلاف دارند. مثلاً ما در ایران قومیت‌های متعدد داریم. فارس، ترک، عرب، کرد، لر، بلوچ، مازندرانی، گیلانی، که هر کدام فرهنگ خاص اجتماعی قومیت خود را دارند. هر چند زبان رسمی همه آنها زبان فارسی است، اما همه آنها در گفت‌وگوهای خود به زبان قومیت خود صحبت می‌کنند. بنابراین اختلاف فرهنگ، یک مشکل جدی در مراسم حج است.

قدرت بدنی

به دلیل ساختمان جسمانی افراد هر کشور و ملیت، توان‌های جسمی افراد متفاوت است. مثلاً آفریقایی‌ها، از بالاترین توان جسمی برخوردارند، در حالی که حجاج شرق آسیا، جثه‌ای کوچک و قدرت جسمی کمتری دارند. ولی هر دو نژاد باید، اعمال مساوی انجام دهند. این موضوع وقتی دو نژاد در کنار هم باشند، بسیار محسوس است. اما هر دو قومیت در همه حرکت‌های خود، به صورت اتصال زنجیری، یعنی دودست هر نفر به صورت حلقه یا متصل به کمر جلویی حرکت می‌کنند، که در مواردی کاملاً مشکل‌ساز می‌شود. پیر بودن اکثر حجاج، مشکل قدرت بدنی را جدی‌تر می‌کند.

وضعیت رفاهی

اگرچه حج برای مسلمانانی واجب است، که توان مالی لازم را داشته باشند. اما متأسفانه به دلیل سوء استفاده بسیاری از مدیران توره‌های مسافرتی و مسئولان مربوطه، حجاج از وضعیت رفاهی کاملاً متفاوتی برخوردارند. در مواردی شرایط پرداخت هزینه‌ها مساوی نیست و به همان نسبت رفاه آنان فرق می‌کند. البته بیشتر بحث سوء استفاده مسئولان است تا مبلغ پرداخت شده. لذا می‌بینیم حجاج بعضی کشورها به

صورت جدی از تغذیه مطلوبی در طول سفر یک ماهه حج برخوردار نیستند، در نتیجه بدن‌ها ضعیف‌تر از وضع معمولی آنهاست. یا حجاج بعضی کشورها حق دارند در ۲۴ ساعت، ۸ ساعت در اطاق هتل باشند و بقیه روز و شب را رها هستند.

مدیریت خدمات عربستان در اداره حج

با توجه به تجربه اینجانب در امر حج، که از سال ۶۰ و ۶۱ شروع و تا سال ۱۳۹۴ به‌طور غیر متناوب ادامه داشته است، می‌توانم به عنوان یک متخصص امر حج، درباره خدمات عربستان اظهار نظر کنم. به ویژه اینکه چون به عنوان یک استاد دانشگاه، به بیش از ۷۰ کشور دنیا سفر کرده‌ام، می‌توانم یک مقایسه نسبی از مدیریت خدماتی عربستان نسبت به ضعیف‌ترین کشورها داشته باشم. مدیریت حج توسط عربستان به چند بخش تقسیم می‌شود.

خدمات فرودگاهی مسافرتی

معمولاً هر هواپیما که وارد فرودگاه جدّه یا مدینه می‌شود، مسافری، بین یک تا سه ساعت و در مواردی بیشتر باید منتظر پیاده شدن در هواپیما بمانند. پس از پیاده شدن، برای مثلاً سه هواپیمای ۵۰۰ نفره که از سه کشور آمده‌اند، ۵ تا ۱۰ کانتینر کنترل پاسپورت می‌گذارند. آن هم در شرایطی که به ویژه در سال‌های اخیر، از همه افراد انگشت نگاری و تصویر برداری چهره و چشم‌ها را می‌کنند. یعنی به‌طور متوسط هر نفر حدود ۱۰ دقیقه باید در کانتینر معطل شود. در نتیجه مسافر در بدو ورود باید ساعت‌ها فقط در فرودگاه معطل شود.

پس از گرفتن چمدان‌ها، تعداد زیادی از آنها راباز می‌کنند و در صورتی که کتابی همراه مسافر باشد که آنها نپسندند، کتاب‌ها را می‌گیرند و در سطل آشغال می‌اندازند. اگر کسی لپ‌تاپ و یا تبلت همراه داشته باشد، آن را ضبط می‌کنند و

پس از یک هفته، تمام برنامه‌های آن را پاک کرده و بعد به دفتر خدمات هر کشور تحویل می‌دهند. این عمل به ویژه، برای مسافرین بعضی از کشورها انجام می‌شود. پاسپورت‌ها را در فرودگاه می‌گیرند و مسافر حق همراه داشتن پاسپورت را ندارد. شناسایی حجاج در طول سفر از طریق کارت معرفی یا بر چسب پلاستیکی، که هر کشور برای حجاج خود تهیه کرده انجام می‌شود. هیچ مسافری حق رفتن به شهرهای دیگر عربستان را ندارد. فقط مکه و مدینه، آن هم به صورت گروهی و نه فردی. برای رفتن بین مکه یا مدینه حتماً باید پاسپورت همراه رییس گروه مسافرتی باشد.

خدمات شهری

در شهرهای مکه و مدینه، در طول دوران حج، خدمات شهری در حداقل است. تمام حاشیه کوچه و خیابان‌ها پر از زباله است. زباله‌ها جمع‌آوری می‌شود، ولی مثلاً روزی یکبار، لذا تقریباً کنار همه هتل‌ها، محل اقامت‌ها، کنار رستوران‌ها، غذافروشی‌ها و حتی سوپرمارکت‌ها و فروشگاه‌های کوچک و بزرگ، زباله موج می‌زند. بدتر از آن اینکه مسئولان عربستانی احساس بدی نسبت به این موضوع ندارند. اگر گفته شود بوی زباله زیاد است، جواب این سؤال و همه سؤال‌های مشابه یک جمله است، زحمه (ازدحام). البته احتمال دارد، دستور شهرداری در عدم جمع‌آوری زباله، این نباشد، اما چون نظارت نیست، کارگرهای خدماتی هم که بدون استثنا خارجی هستند و حقوق آنها به خوبی مراعات نمی‌شود، هیچ‌گونه دلسوزی ندارند. بارها در خیابان‌ها و کوچه‌های عربستان دیده‌ام که هروقت سرکارگر، که او هم خارجی است، بیاید فوراً کارگران شروع به کار می‌کنند. نکته دیگر اینکه، روی زباله سموم می‌ریزند، چون آسان‌تر است، اما جمع نمی‌کنند. لذا علی‌رغم سم‌پاشی، در همه اطراف زباله‌ها موش‌ها و حیوانات آلوده فراوان دیده

می‌شود. سموم هم در هوا پخش می‌شود و حجاج را بیمار می‌کند.

در عرفات، مشعر، منا و مسیرهای عبور مردم در این مناطق، وضع زباله‌ها اسفبار است. چون اقامت حجاج در این مناطق، یک روز، یا یک شب است، لذا بعد از رفتن حجاج زباله‌ها را جمع می‌کنند. در نتیجه در طول روز یا شب، حتی در نزدیکی محل استراحت حجاج، زباله‌های زیادی هست، که مانع استراحت آنان می‌شود. در جاده‌های عبوری حجاج، به ویژه در مسیر منا به جمرات، غیر از افرادی که برای استراحت، در راه نشسته و راه را تنگ می‌کنند، زباله‌ها، مسیر عبور را به نصف عرض خیابان کاهش می‌دهد. بسیار اتفاق می‌افتد که به خاطر ازدحام جمعیت، آنها که در حال رفتن هستند روی نشسته‌ها می‌افتند و به هر دو گروه آسیب‌های جسمی فراوانی می‌رسد. آب‌هایی که به دلیل ناصافی جاده در کف خیابان مسیر جمع می‌شود، مزید بر علت می‌شود و به همراه زباله‌ها، مشکل جدی برای عبور و مرور ایجاد می‌کند.

در مسجدالحرام و مسجدالنبی، وضع کمی بهتر است، چون محیط بسته و نظارت آسان‌تر است. اما در همان جا هم سیستمی وجود ندارد. مثلاً، برای حدود یک میلیون نفر که هر روز برای نماز پنج‌گانه، به این مساجد مراجعه می‌کنند، فقط برای ۱۰۰۰ نفر جای کفش وجود دارد. لذا خیلی‌ها کفش خود را، به در و دیوار و نرده... آویزان می‌کنند. اما بیش از ۹۰٪ کفش و یا دمپایی را با خود به داخل مسجد می‌برند. بعضی‌ها کفش خود را در گوشه‌ای می‌گذارند، تا مسجد آلوده نگردد. اما هر یک ساعت، کارگران نظافت حرم همه کفش‌ها را جمع می‌کنند و در بیرون مسجد روی زباله‌ها می‌ریزند. بعد حاجی می‌آید و از کفش خود اثری نمی‌بیند. بیشتر از آنکه به عمل غلط نظافت‌چی‌ها شک کنند، چون محیط قرینه و قسمت‌ها خیلی مشابه هستند، به خود شک می‌کند که آیا به محل کفش خود درست مراجعه کرده‌اند یا نه.

در مسجدالنبی (مدینه) وضع از این هم بدتر است. چون فرد کفش را در جاکفشی رسمی می‌گذارد، بدون اینکه اعلان شده باشد که این کفشداری سیار است. وقتی هر روز، اطراف حرم پیامبر برای زیارت خانم‌ها بسته می‌شود، ضعف مدیریت مصیبتی برای آنان فراهم می‌کند. یکی اینکه، همین کفشداری سیار را بیرون می‌برند و درهای مربوطه را هم می‌بندند، حالا حاجی باید یک دور، مسجد را دور بزند، تا اگر جا کفشی را پیدا کرد، کفش خود را پیدا کند. درحالی که ۹۰٪ آنها کفش خود را پیدا نمی‌کنند. لذا باید بدون کفش بروند، کفش بخرند، که می‌شود حدس زد چه مشکلاتی به وجود می‌آید. حتی خروج از مسجد در موقع زنانه شدن اطراف حرم پیامبر مشکلاتی ایجاد می‌کند. بد نیست اضافه کنم، در عصر تکنولوژی و قرن ۲۱، نظافت‌چی‌های مسجدالحرام و مسجدالنبی، هر کدام یک کارتن مقوایی را از قطر به دو قسمت کرده و یک دسته پلاستیکی با چسب به آن وصل می‌کنند، تا آشغال‌های مسجدالنبی و مسجدالحرام را با جارو به داخل این کارتون هدایت کرده و جمع کنند. البته باور کردن این موضوع برای کسانی که در عربستان ندیده باشند مشکل است، اما واقعیت دارد، که روش نظافت برای مقدس‌ترین مکان، برای ۴ میلیون نفر جمعیت، توسط مدیران اولین کشور صادرکننده نفت جهان، با کارتن مقوایی که از سوپر مارکت‌ها می‌گیرند باشد.

خدمات ارتباطاتی

خدمات عمومی حجاج، از قبیل اطلاعات توریستی، اطلاع رسانی به حجاج، تقریباً صفر است.. یک روزنامه غیر عربی، در کیوسک روزنامه فروشی‌ها نیست. نقشه خیابان‌های مکه و مدینه و معرفی هتل و محل اقامت حجاج، به تعداد بسیار کم، آن هم فقط در اختیار ستادهای مرکزی هر کشور است. در نمازهای جمعه که در مکه و مدینه، پخش می‌شود، خطبه‌ها که به زبان عربی است و ترجمه‌ای ندارد.

در مدینه ترجمه خطبه‌ها، روی موج افام رادیو، به سه زبان پخش می‌شود، اما در مکه از آن هم خبری نیست. لذا تقریباً، ۶۰٪ حجاج از خطبه‌های نماز جمعه چیزی نمی‌فهمند. البته در عربستان فکر می‌کنند، همه عربی بلد هستند.

بدیهی است هر مسافری که برای یک ماه تا چهل روز و یا بیشتر باید در عربستان باشد، یک خط تلفن همراه به قیمت حدود ۲۰ دلار خریداری می‌نماید. اطلاعات داده شده در مورد هزینه مکالمه صحیح نبوده و نوعاً بعد از زمان کوتاهی مکالمه، شارژ تمام می‌شود. این امکان مکالمه برای وقتی است که هنوز همه حجاج به عربستان نیامده‌اند. وقتی تعداد حجاج رو به تکمیل رفت، به ویژه در عرفات و مشعر و منا، خط تلفن همراه عربستانی دیگر از کار می‌افتد و تا آخر سفر حج بی‌فایده می‌شود. حجاج در این شرایط بیشتر به تلفن همراه احتیاج دارند، چراکه همه بستگان افراد، از کشورهای مختلف می‌خواهند از حال حاجی خود، در بیرون از شهر مکه باخبر شوند. درست در همین مواقع تلفن‌های همراه کار نمی‌کنند. مهم‌ترین پیام، آن هم به عربی و انگلیسی این است که در حال حاضر همه خطوط مشغول است.

اینترنت در ۹۰٪ هتل و محل اقامت حجاج نیست. در جایی که اینترنت باشد، آن قدر کند است که امکان استفاده نیست.

اگر سیم کارت اینترنت هم برای رفع مشکل خریداری کنید، آن هم به سرنوشت خط تلفن دچار می‌شود. در حج سال ۹۴ یک خط اینترنت، با ۱۷ دلار خریدم، اما حتی یک دقیقه نتوانستم از آن استفاده کنم. هرکدام از این شرکت‌ها برای ۴ میلیون مشترک موقت، در مدینه دو دفتر خدمات مشتری دارند و در مکه هم دو دفتر.

به جرأت می‌توان گفت تا وقتی سیستم‌های اجتماعی ارتباطی موبایل، نظیر تلگرام، واتس‌آپ،.....، نبود، حجاج تقریباً در طول یک ماه سفر، از همه جا بی‌خبر

بودند و هیچ اخباری نمی توانستند دریافت کنند. البته آنها هم چون اینترنت می خواهند برای ۹۰٪ از حجاج بی فایده است.

خدمات حمل و نقل

در عربستان حمل و نقل عمومی نیست و هرگونه سفر درون شهری و بین شهری، به عهده کشور میهمان یعنی مسافر و حجاج است. لذا هر کشور هزینه حمل و نقل را قبلاً پرداخت می کند و در زمان آمدن حجاج، تعدادی اتوبوس مورد نظر، برای حمل و نقل مسافران خود می دهند که به حمل و نقل حجاج هرکشور بپردازد. در شب های نزدیک به اعمال، همین اتوبوس ها را هم بر می دارند، چون همان ها باید، حجاج را به عرفات و مشعر و منا ببرند. البته خیلی از کشورها از جمله آفریقایی ها اتوبوسی اجاره نمی کنند و مسیرهای داخل شهر را نوعاً پیاده می روند.

در فصل حج، نرخ تاکسی در عربستان آزاد است، لذا رانندگان تاکسی، به ویژه در ایام سه روز اصلی اعمال، تا صد برابر نرخ معمول افزایش می دهند، پلیس هم ناظر این گرانی است اما هیچ اعمال نظارتی نمی شود.

همچنین در عربستان، مدیریتی برای اعمال مدیریت در حمل و نقل و جابجایی مردم وجود ندارد. در همه خیابان ها، مسجدها، گذرگاه ها، محل اجتماعات، شرطه (پلیس) هست، اما گویا وظیفه راهنمایی، یا باز کردن راه ندارد، بلکه بیشتر ناظر است. چه در مسجدها، چه در خیابان ها، چه در عرفات، چه در مشعر، چه در مسیرهای بین این مکان ها، چه در منا، چه در مسیر جمرات، چه در محل جمرات، که صدها پلیس ایستاده، فقط یک جمله ساده را تکرار می کند و از کل روش های مدیریتی مورد نیاز در هر محل ازدحام و جمعیت زیاد، همین را می داند و آن جمله اینکه ای حاجی اینجا راه است. اما همین را هم خلاصه می کنند و می گویند:

«طریق یا حاج»، «ای حاجی راه».

در مسجدالنبی و مسجدالحرام وضع از همه جا بدتر است. در این مساجد تعدادی نرده پلاستیکی و مقداری نوار پلاستیکی دست پلیس و مسؤلان اداره حرم است. به هر بهانه‌ای مثلاً یکی دو ساعت قبل از نماز، راه‌های ورود به حرم، به ویژه مسجدالحرام را در موقع نماز صبح می‌بندند. نماز گزاران باید روی زمین‌های اطراف مسجد نماز بخوانند، که کاملاً آلوده است، به ویژه مواد ضد عفونی کننده‌ای که روی سنگ‌های اطراف مساجد می‌زنند، چون اغلب مردم سجاده هم ندارند، روی زمین‌هایی که مردم باکفش راه می‌روند، باید پیشانی خود را بگذارند. درحالی‌که داخل مسجد هنوز ظرفیت پذیرش وجود دارد. یا مردم معمولاً تا نزدیکی هر نماز، طواف می‌کنند، اما مأمورین، یک ساعت مانده به نماز مردم را تشویق می‌کنند، که صف نماز تشکیل دهند و مردم در مسیر طواف کنندگان می‌نشینند، و مشکل بزرگی برای طواف کنندگان ایجاد می‌کنند. یا درمواقع غیر از نماز عده زیادی می‌خواهند، حجرالاسود (سنگ سیاه) که به کعبه چسبیده است را ببوسند، ازدحام اطراف این سنگ که در یک گوشه مهم کعبه، یعنی گوشه شروع طواف است، مشکل زیادی برای طواف کنندگان ایجاد می‌کند. چراکه طواف کننده، محیط دایره طواف، حرکت می‌کند و کسی که حجرالاسود را می‌بوسد، در امتداد شعاع و عمود بر محیط حرکت می‌کند. این تداخل که از چند نقطه به طرف محیط خارجی طواف صورت می‌گیرد، حتی در موارد خلوت هم مشکل‌ساز است. جای تعجب این‌که، فقط یک پلیس برای کنترل این جمعیت هست، که اوهم بالای سنگ است و فقط نظاره گر ازدحام و شلوغی و بی‌نظمی این نقطه از طواف است، درحالی‌که به راحتی می‌توانند، در زمان شلوغی این عمل غیرواجب را متوقف کنند، تا طواف در نظم و بدون فشار در حد مردن انجام شود.

در محلی که حجاج سعی بین صفا و مروه انجام می‌دهند، عمود بر مسیر حجاج، چند در ورودی به مسجدالحرام است. این تداخل ضربداری، به صورت جدی برای

ورودی‌ها و برای راه روندگان بین صفا و مروه، مشکل ساز است. به عبارت دیگر، انتظامات حرمین به ویژه مسجدالحرام، هیچ فکری برای تقاطع‌های ضربدردی نداشته و ندارد.

علائم راهنمایی بسیار کمی برای هدایت مردم داخل مسجد وجود دارد. کوچکترین اشتباه، برای حجاجی که زبان عربی نمی‌دانند، (یعنی ۸۰٪)، افزایش زمان و طولانی شدن مسیر حرکت فرد را تا یک ساعت و بیشتر به دنبال دارد. ولی یک کلام که قبلاً گفتم بر زبان همه انتظامات حرم جاری است و آن «طریق یا حاج» است. یک حاجی خارجی باید ده‌ها نوع پیام از این سه کلمه بگیرد. اینکه این راه است، توقف نکنید، نایستید، ننشینید، حرکت کنید، این مسیری که شخصیت است، یک گاری در حال حمل فلاکس‌های آب یا وسائل حرم است، یک ویلچر در حال حرکت بین جمعیت است، شلوغ نکنید، تجمع نکنید و ...

من نام کتاب را که «طریق یا حاج» است، از همین کلام انتخاب کردم، که حکایت از نبود مدیریت در سیستم حج توسط عربستان است.

ای کاش به جای تکرار این کلمات، تعداد مأمورین را بیشتر می‌کردند و با موانع مصنوعی مسیر صحیح را به مردم نشان می‌دادند.

اگر هر سال در کل عملیات حج تعداد کشته‌های حوادث، بسیار نیست، ولی در بعضی سال‌ها، تعداد کشته‌ها بسیار زیاد می‌شود، علت این است که، عملیات حج یک عمل عبادی است، لذا مردم بسیار رعایت یکدیگر را می‌کنند و تلاش می‌کنند، برخوردی ایجاد نشود. وگرنه عدم تلفات سالیانه، به دلیل نظم اعمالی عربستان نیست. به همین دلیل، زمانی که یک حادثه کوچک اتفاق می‌افتد تلفات وحشتناک است. نظیر حوادثی که سال‌های متفاوت در منا اتفاق افتاده است، مثلاً آتش گرفتن یک چادر، خراب شدن یک پل و یا مخالف جهت حرکت کردن دو گروه حجاج، مانند فاجعه منا در سال ۱۴۳۶ هجری قمری و ۲۰۱۵ میلادی که بیش از ۷۴۰۰ نفر کشته شدند.

خدمات امنیتی

علی‌رغم انتظار از کشوری مثل عربستان، که پادشاهی است و تاکنون روی دموکراسی و انتخابات به خود ندیده است، برای یک دزدی معمولی دست دزد را قطع می‌کنند، باید امنیتی مثال زدنی باشد، اما متأسفانه، دزدی درهمه جا رایج و شایع است، به‌گونه‌ای که، بسیاری از حجاج از دزدیده شدن دلارها، ارز، پول‌ها و جواهرات و..... گلایه دارند. در خیابان‌های خلوت، به ویژه در شب‌ها، رانندگان عربستانی، به حجاج می‌زنند و آنها را زخمی و حتی می‌کشند، اما کسی، نه راننده خاطی را دیده و نه محاکمه‌ای در کار است. من بارها شاهد، چنین جنایاتی بوده‌ام.

خدمات بهداشتی

عربستان، در قراردادهای حج با مسؤلان کشورها، اعلان می‌کنند، همه خدمات بهداشتی و سلامتی اولیه به عهده کشورهای مختلف میهمان است و در صورت نیاز به اعمال جراحی و امثال آن می‌توانند از بیمارستان‌های عربستان استفاده کنند. لذا هر گروه (کاروان) از حجاج کشورها که حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر هستند، حتماً یک پزشک و داروخانه باید همراه داشته و در محل اقامت آنها باشد. علاوه بر این هر کشور، باید یک بیمارستان مرکزی هم داشته باشد، تا خدماتی نظیر چشم پزشکی، دندانپزشکی، رادیولوژی، گوش و حلق و بینی و آزمایشگاه پزشکی و بخش‌های دیگر، بیماران کشور خود را، اگر توسط پزشک گروه معالجه نشود، به بیمارستان مربوط به کشور خود اعزام کنند. در عرفات و منا هم وضع به همین ترتیب است. یعنی پزشک گروه در هر کاروان معالجه می‌کند. یک بار در منا به درمانگاه عربستان مراجعه کردم، گفتند بروید درمانگاه خودتان. اما در منا و عرفات، بعضی وقت‌ها اگر سرشان خلوت باشد، می‌پذیرند.

در مورد بیمارستان‌های عربستان هم باید گفت، که از امکانات بالایی برخوردار نیستند، حجاج ترجیح می‌دهند، اگر عمل جراحی فوری نباشد، به کشور خود مراجعه کنند.

خدمات فرهنگی

با توجه به اینکه، حجاج با عقائد مذهبی متفاوت هستند، از اطلاعات دینی بالایی برخوردار نیستند، اکثریت قریب به اتفاق آنها در طول عمر، فقط یک بار توفیق سفر حج را دارند. آنها به مسجد النبی و مسجدالحرام به عنوان دو مکان مقدس، که انتظار دارند، حالت معنوی آنها را افزایش دهد نگاه می‌کنند. برخورد خشن و همراه با مشرک (نوعی کافر) خواندن حجاج، شوک سنگینی به آنها وارد می‌کند. چراکه اینها آمده‌اند تا به خدا بیشتر نزدیک شوند، حالا در مسجدالنبی و در کنار قبر پیامبر ﷺ و یا در مسجدالحرام در کنار کعبه به او مشرک می‌گویند. هرچند به دلیل برخورد خشن مسؤولین امر به معروف و نهی منکر که به عنوان مشرک می‌زنند، کمتر کسی پاسخ آنان را می‌دهد، اما درحقیقت اینها، عده‌ای از مردم را مأیوس می‌کنند. این قضیه اختصاص به گروه خاصی مثلاً شیعیان که مذهبشان کاملاً با وهابی‌های عربستان متفاوت است ندارد، آنها هرکس که مانند وهابی‌ها عمل نکند را مشرک می‌خوانند. یک خانم مسلمان سنی اهل کانادا را دیدم که با صدای بلند گریه می‌کرد، رفتم که اگر مشکلی دارد حل کنم. وقتی دید انگلیسی می‌دانم گفت، مشکلی ندارم، اما ازروزی که وارد عربستان شدم، نه تنها مرا مسلمان خطاب نمی‌کنند، بلکه به من مشرک و کافر می‌گویند. من از کانادا آمدم اینجا مسلمان تر شوم، اما به من کافر می‌گویند. یا در جایی دیگر یک پزشک مصری مقیم انگلیس را دیدم، می‌گفت مذهب ما شافعی است. در مصر همه به زیارتگاه می‌رویم، به احترام صاحب زیارتگاه اطراف قبر را می‌بوسیم، کسی این را کفر نمی‌داند، اما اینجا من خواستم دست به پنجره حجره پیامبر بزنم، مأمور عربستانی گفت، شرک شرک، کفر کفر. من نمی‌دانم اینها چه

اسلامی دارند، اینها می‌خواهند نه فقط در دوران حج، بلکه همه را به مذهب غیراسلامی خود در آورند. کجا اسلام چنین دستوراتی داده است. آنها آیاتی از قرآن که مربوط به کفار هست، برای مسلمانان می‌خوانند. این پزشک که از وهابی‌های مسجدالنبی به شدت عصبانی بود، ادامه داد، باید مکه و مدینه را الازهر مصر و یا کنفرانس اسلامی اداره کنند. اینها غیر از وهابی‌ها کسی را مسلمان نمی‌دانند... چرا اینها باید حرمین را اداره کنند، آن هم با این وضع اسفبار. البته من این دو نمونه را ذکر کردم و وگرنه، در طول سال‌هایی که به حج رفته‌ام، از این قبیل معترضین زیاد دیده‌ام. چراکه، به دلیل آشنایی به زبان عربی و انگلیسی و صحبت کردن با حجاج، در هر سال بیش از ۵۰ نفر از نخبگان کشورهای مختلف را دیده‌ام که به اداره حج اعتراض داشتند.

به عنوان کارهای تبلیغی فرهنگی، در کنار مسجدالحرام و مسجدالنبی و مراکز زیارتی سیاحتی، کتاب‌های زیادی توزیع می‌کنند. عده‌ای هم از محتوای کتاب‌ها تبلیغ می‌کنند. کتاب‌ها همه در مورد همان مسائلی است که حجاج از آن متنفر هستند، یعنی کافر و مشرک خواندن تقریباً همه مسلمانان و تفرقه‌افکنی میان مسلمانان. بسیار مشاهده کرده‌ام که عده‌ای از حجاج کتاب‌ها را می‌گیرند، چند قدم جلوتر و یا حداکثر در هتل در سطل زباله می‌اندازند.

در گوشه گوشه مسجدالحرام و مسجدالنبی، عده‌ای از علمای وهابی می‌نشینند و به زبان عربی، همان بحث مشرک بودن اکثر اعمال مسلمانان را تبلیغ می‌کنند. تعداد کرسی این افراد بیش از ده کرسی در هر کدام از مساجد فوق است. بلندگوهای هست که منطقه هر کرسی را پوشش می‌دهد. این از فعالیت فرهنگی آنان. اما اگر دو نفر مسلمان در مسجدالحرام یا در مسجدالنبی با هم صحبت کردند، آنها را به عنوان مبلغ یک مذهب دستگیر می‌کنند و جریمه آنان از اخراج از عربستان هست تا زندان و بازداشت. حالا تصور کنید، یک نفر یک بار در عمرش آمده عربستان برای حج، به بهانه حرف زدن با یک حاجی دیگر او را اخراج و از حج محروم کنند.

شخصاً افرادی را دیده‌ام که به دلیل صحبت کردن با یک حاجی غیر از کشور خود، او را گرفتند، با یک زنجیر دست و پا و گردن او را بستند و به هتلش آوردند، تا مدارک شناسایی او را بگیرند و بعد زندان کنند. این گونه برخورد بیشتر شامل علما، روحانیون، تحصیل کرده‌ها می‌شود. با افراد عامی کمتر کار دارند.

تبعیض نژادی در امور فرهنگی

در مسجدالحرام و مسجدالنبی بین مسلمان‌ها فرق می‌گذارند. در صف‌های جلوی جماعت، در نزدیک کعبه، در نزدیکی حجره پیامبر و به ویژه در روزه پیامبر، عده‌ای را دو دقیقه، عده‌ای را پنج دقیقه و عده‌ای را بیست دقیقه و عده‌ای را یک ساعت قبل از اذان تا بعد از نماز اجازه نشستن در روزه نبوی می‌دهند.

برای خانم‌ها این موضوع حادتر است. چون زمان آنها برای رفتن نزدیک روزه دو ساعت است. در این مدت خانم‌های راهنمای روزه نبوی، زمان‌بندی می‌کنند. خانم‌های چند کشور را با هم می‌فرستند در روزه. اما خانم‌های بعضی کشورها را، در هر نوبت زیارت خانم‌ها، در آخر می‌گذارند، به گونه‌ای که کمتر از دو دقیقه وقت داشته باشند. این موارد را از قول خانم که بارها در سفر حج همراه من بوده و همچنین خیلی از خانم‌های دیگری که در سفرهای مختلف حج حضور داشته‌اند، می‌گویم که همیشه از این تبعیض گلایه داشتند. البته هر گروه از حجاج که بخواهند وارد روزه نبوی شوند، یک سخنرانی مفصل در محکومیت اعتقادات سایر مذاهب اسلامی ارائه می‌کنند، هم در بخش خانم‌ها هم در بخش آقایان.

البته موارد و نقاط ضعف زیادی در سیستم مدیریتی حج هست، که فعلاً صرف‌نظر

می‌کنم.

فصل سوم: حوادث خونین حج سال ۱۴۳۶ هـ.ق/۱۳۹۴ ش

سال ۱۴۳۶ هجری قمری و ۲۰۱۵ میلادی، من در سفر حج بودم. بعد از دو هفته اقامت در مدینه، برای حرکت به مکه آماده شدیم. روز جمعه ۲۰ شهریور در مسجد شجره محرم شدیم. از مسجد شجره به طرف مکه حرکت کردیم.

سقوط جرتقیل در حرم

زمانی که بین راه مدینه و مکه برای استراحت پیاده شده بودیم، یک پیامک برای ما آمد که در مسجدالحرام، یک جرتقیل افتاده و عده‌ای کشته شده‌اند. پرسیدیم که از ایران کسی بوده یا نه، که معلوم نبود. بعداً مشخص شد از ایران تعدادی بوده‌اند. آمارها متغیر بود.

در مکه فهمیدیم که در حادثه مسجدالحرام و سقوط جرتقیل، جمعا ۱۴ نفر از ایران کشته شده بودند. البته، در مسجدالحرام دیدیم که قلاب و سر جرتقیلی که افتاده بود، قدیمی بوده و پیچ و مهره‌هایش را باز کرده بودند و اگر توفان نمی‌شد جرتقیل نمی‌افتاد. آقای مهندس میر سلیم استاد دانشگاه امیرکبیر ایران، که از دوستان قدیمی من است، در صحنه حاضر بوده و واقعه را دیده بود می‌گفت: «من نشسته بودم دیدم توفان شروع شد و گرد و خاک روی قرآنی که مشغول خواندن بودم

نشست، به خانواده‌ام گفتم برویم زیر سقف، تا ما رسیدیم زیر سقف صدای مهبیی شنیدم و بعد دیدم که قسمت بالای یک جرثقیل افتاده وسط مسجدالحرام و آنقدر شلوغ شد که نفهمیدیم چه عواقبی داشت. البته هلال احمر ایران زود رسید اما اجازه ورود به عمل و دخالت به آنها ندادند.

افتادن این جرثقیل به چه دلیلی بوده است؟ آیا در محلی که بیش از یک میلیون نفر در شبانه روز رفت آمد می‌کنند، باید تجهیزات ساختمانی آن هم در حد جرثقیل باشد. اگر به عکس‌های اطراف حرم در سال ۲۰۱۵ نگاه کنید، بیش از ۲۰ جرثقیل در اطراف مسجدالحرام است. سروصدای بریدن سنگ و کندن بتون در طول دوران حج واقعاً آزار دهنده است. آیا قابل تصور است، که در مدت یک ماه فصل حج، تعمیرات و توسعه حرم مکه تعطیل نمی‌شود و ادامه دارد. در طول این تعمیرات، که تاکنون بیشتر از ده سال است ادامه دارد، مسیرهای حجاج در مسجدالحرام به صورت جدی منحرف می‌شود و عده زیادی واقعاً گم می‌شوند. این وضع حداقل تا ده سال دیگر ادامه دارد.

اعمال حج شروع می‌شود

روز هشتم ذی‌الحجه شد، باید لباس احرام بپوشیم و محرم شویم و به عرفات برویم. من با دوستان ساعت ۱۱ به طرف عرفات رفتیم، شب را تا فردا غروب در عرفات بودیم. گرما بیداد می‌کرد. نه صبحانه درستی در عرفات هست، نه نهار درست و نه شام، که یک بسته نان و پنیر است. نماز مغرب و عشا را خواندیم و با اتوبوس به طرف مشعر رفتیم. شب را در مشعر، کنار همان دوستان بودیم. اذان صبح که شد، نماز صبح را هم در مشعر به جماعت خواندیم. ساعت ۶:۱۵ به طرف منا راه افتادیم تا رسیدیم به منا. من با چند نفر از دوستان قرار گذاشته بودیم، صبح زود برویم جمرات، قربانی کنیم، تقصیر کنیم، برویم هتل. اما وقتی به چادرهای منا

آمدیم آنها نبودند. من زنگ زدم به یکی از دوستان، گفت شما دیر آمدید ما رفتیم و الآن جمرات هستیم. لذا قرار شد که ما هم برویم. یادم هست که صبحانه هم نخوردیم و راه افتادیم پشت سر ما هم دوستان دیگر آمدند.

فاجعه خونین منا

زیر گذری هست که همه از طبقه بالای محل اقامت در منا به طبقه هم کف می‌روند و از آن مسیر به طرف جمرات می‌روند ما از همان زیرگذر رفتیم، پلیس ما را به مسیر خیابان ۲۰۴ که خلوت هم بود، راهنمایی کرد. حجاج نوعاً از همین خیابان یا خیابان‌های موازی به جمرات می‌روند. تا ۲۰ دقیقه به راحتی رفتیم و هیچ مشکلی نبود، از ساعت ۸.۱۰ دقیقه صبح، حرکت کند و کندتر شد. در ساعت ۸.۲۰ دیگر حرکت نبود و ایستاده بودیم. همه به هم چسبیده بودند. اگر کسی جلو می‌رفت، سرش به سر دیگری می‌خورد، جمعیت فشار می‌دادند و به صورت موج به عقب و جلو حرکت می‌کردند. چون حرکت نبود همه به هم چسبیده بودند. از ۸.۴۰ دیگر فشار بسیار زیاد شد و حرارت هم ۵۰ درجه بود، ما هم چند بطری آب کوچک همراهان بود، که اول مسیر مصرف شد و یک بطری هم مانده بود. خلاصه تشنگی زیاد شد و درحرارت بالای ۵۰ درجه با درب بطری کم کم آب می‌خوردیم. البته یک قورت و نه بیشتر. به هر حال آن بطری هم ظرف ۱۰ دقیقه تمام شد. هوادر بین جمعیت از ۵۰ درجه هم بیشتر شده بود. تجمع زیاد، باعث شده بود بدن‌ها به هم فشار می‌آورد و حرارت زیاد بشود. برخی از افریقایی‌ها، علی‌رغم بدن‌های بزرگتر، با این فشارها، بی‌رمق شدند و به تدریج بی‌هوش شده و روی زمین می‌افتادند. ما در حقیقت ردیف‌های اول بحران بودیم. جلوتر از ما هم کاروان جانبازان ایران با ویلچر بودند، از استان‌های مختلف ایران، مانند خراسان رضوی، خراسان شمالی، فارس، گلستان و... هم جلوی ما بودند. کاروان گنبد خانم داشت،

چون اهل تسنن بودند ولی دیگر کاروان‌های ایران خانم نداشتند، خانم‌های ایرانی شیعه و حتی بعضی از سنی‌ها، وقوف در مشعر را کوتاه و به صورت اضطراری انجام می‌دهند. بعد هم شبانه می‌روند جمرات و رمی می‌کنند و می‌روند در چادرهای منا استراحت می‌کنند، تا زمان بقیه اعمال برسد. از نظر جمعیتی، جو غالب با آفریقایی‌ها به ویژه سیاه پوستان بود. مثلاً به ازای هر ایرانی حد اقل، ده آفریقایی در آن مسیر بودند. البته کشورهای نظیر اندونزی و مالزی خیلی کم ولی هندی و پاکستانی زیاد بودند. پشت سر ما تا ۵۰۰ متر، شرایط بدتر از ما بود. چون عده زیادی روی هم افتاده بودند. یکی از همراهان ما گفت بیایید برگردیم، خیلی شلوغ است، من گفتم هر چه شما بگویید. یکی از دوستان گفت این همه راه آمدیم حیف است برگردیم. چند دقیقه دیگر صبر کنیم تا راه باز می‌شود. ما هم قبول کردیم. ساعت ۹ شد، جلوی ما یعنی سرکوچه ۲۲۳ و پایین ما، کوچه ۲۲۱ تا ۲۱۷ که اوج بحران بود. فضای مرگ بار حاکم شد و کم کم مردن شروع شده بود. از پلیس و راهنما خبری نبود. یک دفعه عده‌ای شرطه (پلیس)های عربستان با بلند گو و یک ماشین آمدند و به جای آنکه راه را باز کنند، با بلند گو فریاد زدند که: «حاجی ارجع وراء، ارجع وراء، ارجعوا، ارجعوا» (حاجی برگرد عقب، برگرد عقب، برگردید، برگردید)، اما چه شده بود که می‌گفتند برگردید. آنها به جای اینکه ورودی‌های به مسیر ۲۰۴ را ببندند، تا مسیر خلوت شود، مسیر کوچه ۲۲۳ را که ۵۰ متر جلوتر از ما بود باز کرده بودند تا آفریقایی‌ها که از مسیر دیگری می‌خواستند به جمرات بروند، به خیابان ۲۰۴ برای رفتن به جمرات بیایند. با این کار نه تنها این راه جمرات به کلی بسته شد، بلکه پلیس به کسی که می‌رود جمرات می‌گوید برگرد. آفریقایی‌هایی که هیكل بزرگتری دارند و از پلیس‌ها هم حساب می‌برند، شروع کردند به برگشتن. کاروان جانبازان ایران، که جلوی ما روی ویلچر بودند، روی هم ریختند چراکه سر کوچه ۲۲۳ بودند. اینقدر گرما و خستگی فشار می‌آورد که زمانی که

می‌نشستیم نمی‌توانستیم بلند شویم. خود من یادم هست از خستگی نشستم لیکن آنقدر هوای پایین سنگین بود که نمی‌شد نفس کشید، خواستم بلند شوم، موقع بلند شدن یک خانم آفریقایی دستش را به کمر بند احرام من گرفته بود تا او را هم بلند کنم. او واقعاً سنگین بود. من هم نمی‌توانستم او را بلند کنم، لذا به انگلیسی به او گفتم من خودم هم نمی‌توانم بلند شوم، چگونه می‌خواهی تو را هم بلند کنم. دو سه بار این اتفاق افتاد، بالاخره با این «ارجعوا، ارجعوا» (برگردید برگردید) گفتن پلیس، مردم ریختند رو سر و کله هم و شروع کردند روی هم افتادن. بین مسیرهای موازی به سمت جمرات، چادرهای بعضی از حجاج است. برای آنکه داخل چادرها پیدا نشود، روی نرده آهنی این چادرها، تخته کوبیده بودند. این چادرها غالباً مربوط به عرب‌های آفریقایی از جمله مصر، الجزایر، مغرب و حتی لبنانی‌هاست. متأسفانه مصری‌ها و الجزایری‌ها درب چادرهای خود را باز نکردند. حتی با زنجیر بسته بودند. اگر این چادرها درش باز بود، مردم می‌توانستند از این چادرها به مسیر موازی و مجاور که خلوت بود بروند و ادامه مسیر دهند یکی از دوستان من، به یک چادر الجزایری پناه می‌برد، اما درب را باز نمی‌کنند تا اینکه یک نفر از الجزایری‌ها که می‌خواست برود داخل چادر، او و دونفر دیگر به زور داخل چادر می‌روند و نجات پیدا می‌کنند. عده‌ای مخصوصاً آفریقایی‌ها هم شروع کردند، رفتن به پشت بام چادرها. آنها روی هم راه می‌رفتند و نرده‌ها را می‌گرفتند می‌رفتند بالای چادرها. مردم در موقع بالا رفتن روی بام چادرها تقریباً لخت مادر زاد می‌شدند.

ما سه نفر که با هم بودیم کاملاً بی‌جان شده بودیم. دوستان پیشنهاد کردند که به بالای پشت بام چادرها برویم، من گفتم من اصلاً نمی‌توانم و قدرت حرکت ندارم، اما شما جوان هستید بروید. یکی از دوستان گفت من هم پایم درد می‌کند و عبور از نرده‌ها سخت است. بالاخره سه نفری ماندیم زیر دست و پای جمعیت من ساعت ۹.۳۰ بی‌هوش شدم و ساعت ۱۰ چشمم را باز کردم، فکر کردم خواب بودم و حالا

بیدار شدم. دیدم هنوز ازدحام زیاد، گرما وحشتناک و بدن‌ها روی هم بود. عده زیادی از آفریقایی‌ها، نرده‌ها را می‌کندند، یک فاصله ۴۰ سانتی متری ایجاد می‌شد و جمعیت هجوم می‌برد تا از آن فاصله بین دو تیرک نرده به طرف چادرها بروند. متأسفانه خیلی‌ها اینگونه تلف می‌شدند. عده‌ای که سنگین وزن بودند و پا روی قفسه سینه مردم می‌گذاشتند و قفسه سینه‌ها را می‌شکستند. همه افراد به ویژه آفریقایی‌ها که بچه‌هایشان را به کمرشان بسته بودند، وقتی از پشت می‌افتادند، بچه‌ها درجا تلف می‌شدند. افراد روی هم افتاده بودند. کسی ایستاده روی پا نبود. عده زیادی جان داده بودند، عده زیادی درحال جان دادن بودند. تشنگی و گرما، هیچ رمقی برای کسی نگذاشته بود. اثری از پلیس، شرطه، مأمور انتظامات، یا هیچ مسؤل پیگیری نبود. چند هلیکوپتر، از بالای جمعیت عبور می‌کرد. آنهایی که نیمه جانی داشتند، با دست تکان دادن، می‌خواستند پرسنل هلیکوپتر را متوجه خود کنند، تا شاید کاری برایشان بکنند. اما گویی پرسنل هلیکوپتر از دیدن کشته شدن مردم هیچ نگرانی نداشتند. اگر همین هلیکوپترها، به جای دور زدن روی کشته‌ها، آب روی مردم می‌ریختند، یا اطلاع رسانی می‌کردند تا نیروهای امداد به فریاد مردم برسند، یا از آن همه دوربین که قدم به قدم در خیابان ۲۰۴ بود، کنترل کنندگان دوربین‌ها، که می‌دیدند این همه انسان در حال کشته شدن است، نیروهای امدادی را خبر می‌کردند، شاید وضع فرق می‌کرد. هرچند به نظر می‌رسد ضعف شدید مدیریت، عامل اصلی این فاجعه بزرگ انسانی بود، اما، عدم اقدام نیروهای امدادی در ساعت‌های اولیه و مدل امداد رسانی‌های بعدی می‌توانست زمینه عمدی بودن فاجعه را در ذهن ایجاد کند.

در عین مشاهده کشته شدن حجاج در اطراف من، که تقریباً همگی از تشنگی جان دادند، دیدم که یک دوست همراهم نزدیک من روی عده‌ای افتاده بود. خواستم حرکت کنم. سرم را ببرم جلو ببینم زنده است یا نه، دیدم گردنم خشک

شده و نمی‌توانم حرکت دهم. روی پیشانی ایشان عرق نشسته بود و پره بینی او باز و بسته می‌شد. مطمئن شدم دارد نفس می‌کشد. طرف دیگرم دوست دیگری روی عده‌ای افتاده بود. من سر ایشان را نمی‌دیدم، چون یک خانم بین من و سر ایشان تکیه داده بود. در آن لحظه من فکر می‌کردم خودم از خواب بیدار شدم و آنها هم خواب هستند. لذا برایشان بهتر است کمتر انرژی مصرف می‌کنند و درک نکرده بودم که بی‌هوش شده‌اند. ساعت ۱۰.۱۰ یادم هست ولی بعدش دیگر یادم نیست، چون دوباره بی‌هوش شدم. در این لحظه یکی از دوستان بالای سر ما آمده بود، (بعدها گزارش ایشان را می‌آورم). او می‌گفت من دیدم بدن‌های شما افتاده بود و جمعیت تا سینه شما را گرفته بود. سفیدی چشم شما پیدا بود او من را بی‌هوش دیده بود، اما فکر کرده بود من مرده‌ام. دوست دیگر شرایط بهتری داشته است. او گفت می‌خواستم دست دوست شما را بگیرم لیکن نتوانستم. البته دست همدیگر را لمس کردیم، اما نه او قدرت داشت دست من را بگیرد و نه من قدرت داشتم دست او را بکشم. بالاخره او رفته بود و در چادر کاروان به همه گفته بود که دکتر شجاعی فرد جان باخته، اما دوستانش هنوز زنده بودند.

همه دوستان ناراحت شده بودند حتی عده‌ای نذر کرده بودند و از ایران هم در تماس و پیگیری بودند. اسامی یک سری مرده از جمله نام من را به تهران منتقل کردند. بر اساس مدارک موبایل، من ساعت ۱۱ به یکی از دوستان هم کاروانی زنگ زده بودم. اما خودم این مورد زنگ زدن را یادم نمی‌آید... بر اساس زمان این تماس، اتفاق عجیبی چند دقیقه قبل از آن رخ داده است. ده دقیقه به ساعت ۱۱، یک صدابه زبان عربی به گوشم خورد که می‌گفت: «هل الايراني يعرف العربي؟»: «آیا ایرانی‌ای هست که عربی بلد باشد؟»

من یک مرتبه بیدار شدم، دیدم در وسط خیابان ۲۰۴ ایستاده‌ام و هیچ‌کس دور و

برم نیست. سمت چپ خیابان را نگاه کردم، دیدم که هیچ جمعیتی نیست. دست راست خیابان هم حدود ۵۰ برانکارد دیدم که روی آنها جنازه بود. به آن آقا گفتم چه کار داری؟ حوله جسدی را کنار زد و گفت می‌خواهم ببینم این جسد ایرانی است یا نه؟ نگاه کردم، گفتم نه این ایرانی نیست، چون کارت شناسایی و علائم او ایرانی نیست. گفت خب اشکال ندارد، حوله را کشید روی جسد و رفت. من نفهمیدیم که این چه کار به جنازه داشت، چه کار به من داشت؟ خلاصه من ایستاده به هوش آمدم. نمی‌دانم این از نظر پزشکی امکان دارد یا نه؟ به هر حال یکی باید مرا بلند کرده باشد و تا آنجا آورده باشد. تازه متوجه شدم که به هوش آمدم، امکان حرکت ندارم و دست راستم از کار افتاده است. خواب نبودم، اما بهت زده بودم که کجا هستم. یک کیف همراه من بود که داخل آن، ۲ تسبیح، کتاب دعا، دو موبایل، پول، کارت کلید هتل، سنگ برای جمرات و یک تکه نان، بود. دوستان همراهم را هم ندیدم. یواش یواش رفتم جلوتر یک پنکه آب زن بود، آب پنکه به من می‌خورد. رفتم در یک گوشه که سکو داشت و چند زن پاکستانی آنجا بودند، گفتم اجازه دهید من اینجا دراز بکشم حالم خوب نیست. گفتند نه اینجا حریم است (نا محرم است) من گفتم من دارم می‌میرم، شما بروید کنار تا من بخوابم. خلاصه خانم‌های پاکستانی اجازه دادند من آنجا بخوابم. خواب نبودم گوشم می‌شنید، آن پنکه کذایی آب و باد به من می‌زد ولی رمق نداشتم، خیس خیس شده بودم، حوله بالا تنم افتاده بود، عینکم افتاده بود، پا برهنه بودم. بعد از اینکه ۴۰ دقیقه‌ای استراحت کردم، دیدم مرتب تلفن همراهم زنگ می‌زند، چراکه، دوستان و فامیل من از ایران نگران شده بودند، درحالی‌که من فکر نمی‌کردم کسی از فاجعه اطلاع داشته باشد. ساعت ۱۱.۴۵ بلند شدم قدمی بزنم، کاری بکنم، یکی از دوستان ایرانی که قاری قرآن بود مرا شناخت، من در آن لحظه ایشان را نمی‌شناختم. پرسید دکتر کجایی؟ گفتم من مرده

بودم و خدا لطف کرد، نمی دانم چه کسی مرا آورده اینجا. او شروع کرد بچه‌ها را نام برد و گفت چه کسانی مردند و من هم زیر دست و پا بودم، وقتی عده‌ای را از روی من برداشتند، نجات پیدا کردم و زنده ماندم. در قسمت چپ خیابان یک سوپر دیدم. و یک تعداد پلیس هم در اطراف بودند. به این دوستم گفتم که آب از آن مغازه بخریم. خود فروشنده که اندونزیایی بود، حال من را که دید، چند تا بطری نیم لیتری آب انداخت به طرف ما که همه را خوردیم. حوله و دمپایی خریدیم و به دوستم گفتم این کیف برای من سنگینی می‌کند، گفت کیف را بده براتون بیارم. آن دوستم آمد و گفت، این کیف خیلی سنگین است. یعنی واقعاً برایش سنگین بود، چون جانی برایش نمانده بود. کسی نمی‌توانست برای کسی کاری بکند. یاد روز قیامت افتادم.

بالاخره این دوستان هم رفتند جمرات. من رفتم در یک سایه پیش عده‌ای حجاج پاکستانی که پتوهایشان همراهشان بود و سؤال کردم، من می‌توانم در اینجا بخوابم، گفتند بخواب. با این جواب، افتادم روی زمین و سرم رفت روی کیسه‌های پتو. پاکستانی‌ها که دیدند حال من بد است، روی من آب ریختند و حالم بهتر شد. دیدم سنگ برای شیطان دارم، خیلی هم به جمرات نمانده، آماده شدم حرکت کنم به سمت جمرات، چون ظهر هم شده بود کیفم را باز کردم خواستم از آن نانی که از دیشب مانده بود بخورم و جانی بگیرم. دیدم از بس آب وارد کیفم شده، همه چیز را خیس کرده است. موبایلی که سیم کارت عربستان داشت، خیس شده بود و کار نمی‌کرد. نان خشک را چون در پلاستیک بود خیس نشده بود. خواستم بخورم، دیدم از گلویم پایین نمی‌رود، خواستم با آب بخورم که نداشتم. یک برادر افغانی که آنجا بود به من آب داد. خواستم حرکت کنم به سمت جمرات، دیدم پاهایم توان حرکت ندارد. یک ویلچر گرفتم که مرا ببرد به جمرات و تا جمرات ۲۰۰ ریال عربستانی

بگیرد. راهی نبود معمولاً این مسیر را با کمتر از ۲۰ ریال می‌برند. من گفتم ایرادی ندارد و من ۱۰۰ ریال دیگر به شما می‌دهم، شما بعد از جمرات مرا ببر تا هتل، قبول کرد. خلاصه با این ویلچر و بچه‌ای که آن را هدایت می‌کرد، رفتم طبقات بالای جمرات و سنگ زدم و بعد زنگ زدم به دوستم و گفتم برای من دستور قربانی بدهد. ایشان بسیار تعجب کرد. گفت ما فکر کردیم شما شهید شده‌اید. چون دوستی که به کاروان رفته بود، مردن من را خبر داده بود، همه فکر می‌کردند من مرده‌ام. اگرچه تلفن همراه باخط عربستان خراب بود، اما در موبایل با خط ایران، شماره خط عربستانی آن دوستم را داشتم. لذا با هیچکس جز با ایشان نمی‌توانستم صحبت کنم. با برادرم حاج مهدی شجاعی فرد که قبلاً هم زنگ بود صحبت کردم. گفتم زنده‌ام ولی حال خوب نیست. ایشان به منزل ما در تهران گفته بود آنها بیشتر نگران شده بودند. بعد از مدتی آن دوستم زنگ زد و گفت قربانی کردم، شما می‌توانی تقصیر کنی، تقصیر کردم. بعد، یکی از مسؤلین کاروان زنگ زد و از حالم برای خبر دادن به بقیه سؤال کرد. گفت همه در کاروان نگران هستند.

راننده ویلچر در طبقه هم کف جمرات که آمد، گفت، من دیگر جانی ندارم که شمارا به هتل ببرم. مرا رها کرد و پولش را گرفت و رفت. ویلچر دیگری گرفتم و هتل را نشانش دادم و گفت من ۲۰۰ ریال عربستان می‌گیرم. من گفتم که دیگر پول همراه ندارم لذا در هتل به تو پول می‌دهم، قبول کرد. اما مرا تا فروشگاه بن داوود منا آورد و گفت بفرمایید حاج آقا این هم بن داوود. من گفتم که ما قرارمان هتل بود و الآن هم من پول ندارم، خلاصه اگر بخواهید ۲۰۰ ریال را بگیری باید مرا تا هتل ببری. لذا رفتیم هتل، در هتل دوستان را دیدم. پلیس هتل، نمی‌گذاشت مرد ویلچری وارد هتل شود، می‌گفت این شخص ایرانی نیست، لذا نمی‌تواند به هتل ایرانی‌ها بیاید. این هم از تضييع حقوق فردی و توريستی در عربستان است. بالاخره در لابی

هتل، دوستانم بودند. آنها مرا که با حوله خون‌آلود و روی ویلچر دیدند خیلی تعجب کردند. گفتم که پول این ویلچری را بدهید، من بعدا به شما می‌دهم. خداحافظی کردم و رفتم رستوران هتل، به زوریک یا دو لقمه نهار خوردم. بعد رفتم اطاق، دوش گرفتم. اما هنوز دست راستم کار نمی‌کرد. نماز ظهر و عصر را خواندم و زنگ زدم به تهران و با خانواده صحبت کردم. باید می‌رفتم منا، که نیمه اول شب رادر منا وقوف کنم. لذا با تاکسی رفتم تا پل ملک خالد و با ویلچر رفتم کنار منا که ۱۰۰ ریال پول گرفت. ویلچر دوم گرفتم تا کنار چادرهای کاروان، که او هم، ۲۰۰ ریال گرفت. همان روز عربستان مطرح کرد که چون ایرانی‌ها شعار می‌دادند، این درگیری ایجاد شده. من که در ابتدای شروع این فاجعه بودم، برای دوستان توضیح دادم، که علت این اختلالات «ارجعوا، ارجعوا» بود. گفتم به نظر من بیش از ۱۰۰۰۰ نفر کشته شده‌اند، رییس سازمان حج ایران، آقای اوحدی، چند روز بعد از فاجعه گفت تنها ۸۰۰۰ نفر در قبرستان شهدای مکه دفن شدند. به هر حال آن شب من تا ساعت ۱۲ که واجب بود در منا ماندم. در این فاصله خیلی از دوستان که دعا و نذر و نیاز کرده بودند و خیلی از دوستان قرص‌های تقویتی، هرکه هر چیز داشت برای من آورده بود، که توانستم جانی بگیرم. بعد از نیمه شب با ماشین رفتم هتل و روز دوم هم با یکی از دوستان پیاده رفتم و رمی جمرات کردیم. اعمال روز دوم را انجام دادیم و رفتیم چادرهای کاروان منا. دوستان دوباره به من سر زدند. نیمه شب دوباره برگشتم هتل در مکه. روز سوم به منا نرفتم، بعد از ظهر رفتم جمرات، رمی کردم و برگشتم هتل. اما این چند روز نمی‌توانستم به اتاقم بروم، چون دوستانم نبودند و خیلی جای خالی آنها ناراحتم می‌کرد. لذا هر دو شب که به هتل برگشتم، رفتم در اطاق‌های دوستان دیگر تا تنها نباشم. بعد از دو روز، جسد یکی از دوستان شناسایی شد و دیگران هم به ترتیب شناسایی می‌شدند. عده‌ای از حجاج به ایران باز

می‌گشتند، در فرودگاه جده مأموران عربستانی، به پاسپورت‌های ایرانی خیلی بی‌احترامی می‌کردند. در مکه به مسجدالحرام یا جاهای دیگر که می‌رفتیم همه عربستانی‌ها با ما بدرفتاری می‌کردند. می‌گفتند که این ایرانی‌ها بودند که این اتفاق را راه انداختند. تا اینکه مقام معظم رهبری در نوشهر، یک سخنرانی تاریخی مهم را کردند و گفتند، اگر به حجاج ایرانی کوچک‌ترین اسائه ادبی بشود عکس‌العمل ما شدید خواهد بود.

از فردا عربستانی‌ها خودشان را جمع و جور کردند به طوری که از آن به بعد رفتارشان خیلی عوض شد و پیگیری‌ها برای کمک به پیدا کردن اجساد بیشتر شد.

فصل چهارم: گزارش شاهدان عینی از فاجعه منا

۱. حجاج ایرانی

در اینجا به ارائه گزارش کتبی تعدادی از افرادی که یا در کاروان ما بودند و یا من آنها را می‌شناختم، می‌پردازم. گزارش این افراد، دقیق‌ترین است، چراکه در قلب فاجعه بوده و از نزدیک درگیر آن بوده‌اند. از طرف دیگر درگفتار این افراد حتی یک جمله غلط، اغراق آمیز و یا نگاه سیاسی نبوده، بلکه واقعیت محض است. در این بخش فقط گزارش دوستانی را آورده‌ام که در متن ماجرا بوده و خود راوی فاجعه هستند. فکر نمی‌کنم در دنیا گزارشی کامل‌تر از این گزارش‌ها در مورد فاجعه منا باشد. البته ممکن تکرار ماجرا توسط چند نفر باعث خستگی خواننده شود، اما آوردن موارد تکراری، به این دلیل بود که نقل‌ها به تواتر رسیده و قابل اعتمادتر باشد. لازم به ذکر است، از آنچه مکتوب به دست من رسیده است، متناسب با حجم این کتاب خلاصه و بخش‌های غیر مهم را حذف کرده‌ام.

آقای س. ه. الف (این کامل‌ترین گزارش فاجعه منا است)

بعد از طلوع آفتاب از مشعر به سمت منا حرکت کردیم و بعد از حدود یک ساعت پیاده‌روی حدود ساعت هشت صبح به محل چادرمان در منا رسیدیم. بعد از

کمی استراحت به طرف جمرات رفتیم.

ساعت حدود هشت و ربع بود. پس از آنکه از زیرگذر خیابان ملک عبدالله (شماره ۲۵) قصد داشتیم به سمت چپ یعنی خیابان سوق العرب یا حتی طریق المشاة (راه پیاده‌ها که از مسجد الحرام تا جمرات است) برویم که سایه بان داشت، اما دیواره انسانی پلیس سعودی که به صورت یک خط مورب از کنار زیرگذر به سمت خیابان ۲۰۴ ایستاده بودند، همه حجاج را که در آن لحظه بیشتر ایرانی بودند به این خیابان هدایت کردند.

در واقع آنچه به راحتی، مشاهده می‌شد، ورود بیش از سه برابر حجم عادی کشتن این خیابان، به داخل آن بود. در ابتدای خیابان ۲۰۴ صحنه رایج، باد زدن حجاج به وسیله کناره‌های حوله احرام و نوشیدن آب بطری‌های همراهشان بود. من که دو بطری آب با خود برداشته بودم، همان اول مسیر، بطری اول را تمام کردم. حرکت حجاج به کندی به سمت جلو ادامه داشت. من خیلی مقاومت کردم تا بطری دوم آب را نگه دارم اما با فاصله چند دقیقه از نوشیدن بطری اول، شدت عطش باعث شد بطری دوم را باز کنم. اما چند جرعه بیشتر نوشیده بودم که ناگهان یکی از حجاج پاکستانی با دست محکم روی شانهم زد و با التماس درحالی که دستانش را به سمت دهانش به نشانه عطش شدید نشانه می‌رفت درخواست آب کرد. او حتی صبر نکرد من بطری را به او بدهم و به محض اینکه علامت رضایت مرا دید، بطری را از دستم گرفت و خیلی سریع خودش و همسرش آب داخل بطری را تمام کردند. اکثر حجاجی که در آن خیابان بودند از ایران، پاکستان، هندوستان و آفریقایی بودند. البته چون خیابان ۲۰۴ میان چادر کشورهای عرب شمال آفریقا است طبیعتاً تعدادی از حجاج این کشورها، لابلای جمعیت حضور داشتند، ولی شمارشان چشمگیر نبود. کمی بیشتر جلو نرفته بودیم (حدوداً ما بین فرعی ۲۲۵ و ۲۱۷

بودیم) جمعیت به کلی از حرکت ایستاد و این آغازی بر یک فاجعه بی‌مانند در حج بود.

افراد ضعیف‌تر یا کسانی که نسبت به گرما کم‌طاقت‌تر بودند، گرما زده شده یا از هوش می‌رفتند. وقتی کسی از هوش می‌رفت، همراهان یا اطرافیان او سعی می‌کردند جلوی بقیه را بگیرند تا کسی روی آنها نیفتاده و مزاحمتی برایشان ایجاد نشود و بتوانند آن فرد را نجات بدهند. تلاش می‌شد فرد بی‌هوش را به سمت چادرها و داخل آن ببرند، اما اهالی چادرها تمام درب‌های ورودی را بسته بودند و پشت آن موضع گرفته و از ورود دیگران به آن جلوگیری می‌کردند. یک صحنه عجیب، دست‌های دراز شده حجاج در کنار نرده‌ها به سمت اهالی چادرها بود، که برای گرفتن آب التماس می‌کردند اما آنها با علامت سر و دست می‌گفتند که آب ندارند. البته گاهی در حد انگشت شمار می‌دیدم که به کسی آبی داده می‌شد، اما نسبت به آن جمعیت زیاد تاثیری نداشت.

دیگر غش کردن و از هوش رفتن افراد برایمان کاملاً عادی شده بود. حتی گاهی اوقات افراد هنوز بهوش بودند اما طاقت سرپا ماندن را نداشتند و ناخودآگاه روی زمین می‌نشستند. بقیه حجاج سعی می‌کردند روی افرادی که افتاده و نشسته‌اند نروند. کمی بعد همین کار هم ممکن نبود و من می‌دیدم که گاهی افراد تحت فشار پایشان را روی بدن افراد افتاده می‌گذاشتند و سعی می‌کردند ضمن حفظ تعادل خودشان از آن افراد عبور کنند، اما گاهی تعادل افراد به هم می‌خورد و خودشان هم زمین می‌افتادند و همین‌طور نفر بعدی که پشت سرش بود مثل دومینو، روی هم می‌افتادند. صدای همهمه و فریاد و استغاثه افراد لحظه به لحظه بیشتر می‌شد. یک بطری در دست داشتم که سنگ‌ریزه‌های رمی جمرات را در آن ریخته بودم. اما افراد کناری‌ام که روی زمین نشسته یا ایستاده بودند، بارها از زیردستم، آن بطری را به

امید اینکه آب دارد می کشیدند. من آن را تکان می دادم تا صدای سنگ درون آن را بشنوند و بفهمند که آبی درون آن نیست.

حرکت عادی ما دیگر متوقف شده بود و این موج جمعیت بود که ما را با خود حرکت می داد. همین جا بود که دیدم از کنار خیابان افراد جوان تر و سبک تر، هراسان و گاه بدون هرگونه لباسی، از نرده بالا می روند. به محض اینکه بقیه این را دیدند، هجوم گسترده ای برای نجات از این معرکه برای بالا رفتن از نرده ها آغاز شد. دیگر دیر شده بود و من مطمئن بودم اگر بخواهم به سمت نرده ها بروم فشار شدید امکان هر فعالیتی را از من گرفته و معلوم نیست چه بلایی سرم خواهد آمد. لذا تمام تلاشم این بود که خودم را وسط خیابان نگه دارم و چون هیچ وقت فکر نمی کردم مسیر در برابرم بسته باشد، به امید نجات از روبه رو بودم.

اطلاع رسانی از طرف پلیس و نیروهای امنیتی باعث شده بود که ما در یک گرداب انسانی قرار بگیریم، که نه راه پس داشتیم و نه راه پیش. معمولاً یک موج به عمق دو سه متر به سمت جلو می رفت و برمی گشت.

به یاد دارم که یک حاجی که ظاهراً اهل الجزایر بود، جلوی من به حالت نشستن روی صندلی و در واقع روی دیگران نشسته بود. از پشت فشار زیادی روی من می آمد که باعث می شد من روی او بیفتم. برای اینکه این طور نشود، هر دو دستم را روی شانهاش گذاشتم و حائل کردم تا بتوانم آن فشار را تحمل کنم. اگر من روی او می افتادم چون به صورت می افتادم دیگر امکان بلند شدن نداشتم و از طرفی دیگر او را هم به کشتن می دادم. او محکم به دست هایم ضربه می زد و تلاش می کرد دستم را از روی شانهاش بردارد. اما من فرصت نداشتم برایش توضیح دهم که این کار بالاجبار و به نفع خود او هم هست. تلاش کردم با چشمانم به او بفهمانم اگر صبر کند او را هم بلند خواهم کرد. وقتی فشار قدری کمتر شد هرچه تلاش کردم بلندش

کنم نتوانستم. اشاره کردم که خودت هم کمک کن تا بلند بشوی و می‌گفتم: «حاول» (تلاش کن)، «قم» (بلندشو) اما او که تنفسش مشکل شده بود، توانی در بدن نداشت تا با من همراهی کند، اما دست من را هم رها نمی‌کرد. به زحمت اما با تأسف دستانم را کشیدم و سعی کردم رو به طرف جمرات برگردم و مراقب باشم زیر فشار جمعیت قرار نگیرم.

هر لحظه شدت فاجعه بیشتر می‌شد. صدای ناله افراد افتاده و ناله و شیون زنان آفریقایی و هندوستانی امانم را بریده بود. وضعیت هر فرد در آن شرایط مانند یک قایق کوچک در دریایی متلاطم بود که نمی‌دانست به کدام سو می‌رود و سرنوشتش چه خواهد شد. فشار جمعیت مرا هم با خود به طرف نرده‌ها می‌کشاند. فشار در کنار خیابان به حدی بود که خیلی از حجاج همانطور ایستاده نفسشان بند می‌آمد و از دنیا می‌رفتند. افراد مثل گل خشکیده‌ای شده بودند که دست به آنها می‌زدی، روی زمین می‌ریختند. من به هر ترتیب تلاش می‌کردم خودم را در محدوده وسط خیابان نگه دارم.

به محض اینکه کمی تکان دادن‌های اطرافم کم می‌شد سر خودم را از میان جمعیت بالا می‌گرفتم و از بالا نفس عمیق می‌کشیدم. نفس عمیقی که نصف نفس معمولی در شرایط عادی هم نمی‌شد. هر وقت این کار را می‌کردم کمی دید چشمانم بیشتر می‌شد و می‌توانستم بهتر اطرافم را مراقب باشم. در این لحظات که به فکر جان دادن بودم، نزدیک فرعی ۲۲۳ رسیده بودم. یک کامیونت حمل بار کاروان‌ها آنجا بود. سیل جمعیت در مانده از هر سو به سمت آن هجوم می‌برد تا کنار آن پناه بگیرد یا بتواند بالا برود. اگر ظرفیت بار کامیون در حال عادی ۳۰ نفر بود. الان ۵۰ نفر روی سر و کله یکدیگر بر آن سوار بودند. هرچه بود وضعشان از ما خیلی بهتر بود. افرادی که کنار کامیونت بودند، تلاش می‌کردند خودشان را بالا بکشند، اما آنها که بالا بودند، با دست، با عصا و چتر، به سر و صورت کسانی که

می‌خواستند اضافه شوند می‌کوبیدند که بار کامیونت زیاد نشود و قدرت حرکت داشته باشد.

ناگهان ۵۰ متر جلوتر چند نفر را دیدم که از روبه‌رو روی زمین می‌ریختند. بعد از فرعی ۲۲۳، خیابان ۲۰۴ کاملاً باز بود، به حدی که یک آمبولانس سعودی آنجا خیلی راحت به عرض خیابان توقف کرده است. خوشحال شدم که به‌زودی نجات پیدا می‌کنیم.

ناگهان فشار شدیدی آمد و من دور خودم چرخیدم و دیدم آقای دکتر شجاعی فرد (نویسنده این کتاب) و دوستانش میان افراد دیگر روی هم افتاده‌اند. آقای شجاعی فرد یک ردیف بالاتر روی کس دیگری افتاده بود و لب و دهانش کمی تکان می‌خورد اما چشمانش چرخیده بود و سفیدی‌اش پیدا شده بود.

با یک فشار برگشتم به طرف جلو، دیدم یک دیواره انسانی پلیس، ده متری جلوتر از ما روبه‌روی فرعی ۲۲۳ دست به دست هم داده‌اند و فریاد می‌کشند: «ارجعوا وراء». (برگردید عقب)، «هنا مجروح»، (اینجا مجروح هست).

در اینجا متأسفانه، شاهد بدترین صحنه بودم. برخی که می‌خواستند به سمت جمرات فرار کنند، از روی این افراد به زمین افتاده و جنازه‌ها حرکت می‌کردند. به فاصله یک یا دو نفر جلوی من، سیاه‌پوستی درشت اندام که هنگام فرار، بی‌توجه از روی سر و گردن دیگران رد می‌شد، پایش را روی سینه خانمی که به کمر روی بقیه افتاده بود و زنده بود مشکلی هم نداشت، گذاشت. صدای شکسته شدن قفسه سینه این خانم هنوز در گوشم است. ناگهان در عرض چند ثانیه ضجه‌ای بلند کشید و مرد. البته آدم‌های دیگری هم که این مرد از روی بدن‌هایشان می‌گذشت، طاقت نمی‌آوردند. خیلی‌ها هم به صورت افتاده بودند و معلوم نبود زنده‌اند یا مرده.

از بالای چادرها عده معدودی آب می‌پاشیدند. از سمت چپ فردی توانسته بود

شیلنگ کولر را درآورده و آب بپاشد. آرزو می‌کردم از این آب به من نیز بپاشد ولی نپاشید. اگر همان آب را می‌پاشید برایم حکم میهمان شدن چند روزه در بهترین استراحتگاه را داشت. در یک لحظه نمی‌دانم چه شد، اما به ذهنم رسید؛ عقب بروم درحالی‌که احرام پایین تنه بین دیگران گیر کرده بود. نمی‌دانم چگونه حوله احرام و پاهایم را آزاد کردم. نمی‌دانم چقدر، ولی شاید یک یا دو متر عقب رفتم. هنوز داشتم گیج می‌زدم. آنجایی که من بودم ده بیست نفر همانجا روی زمین افتاده بودند. اگر آنجا که بودم می‌ماندم روی من می‌افتادند. در آنجا دیدم دیگر نمی‌توانم بایستم. طاقتم تمام شده بود، افتادم روی زمین که بمیرم. سرم داشت منفجر می‌شد. کمرم در حال سوختن بود. دوست داشتم جایی باشد که بنشینم ولی فضای خالی وجود نداشت. چهار دست و پا شده بودم و چشمم هم جایی را نمی‌دید. احساس کردم زیر دست راستم یک بطری هست که سفت است و به نظر می‌آمد که خالی نیست. بطری را جلوی صورتم آوردم، دیدم آب دارد. این آب برای من حکم آب حیات داشت. این دست بلند کردن و بطری را بالا آوردن به سرعت نبود، بلکه به سختی و کندی انجام شد. آب را که دیدم خیلی خوشحال شدم، سریع بطری را باز کردم. بطری دوسوم آب داشت. نمی‌دانم چطور این بطری زیر دست و پا خورد نشده بود، یا چطور کسی آب آن را ندیده بود. نصف آب را که خوردم تازه چشمم کمی نور گرفت. و دور و برم افرادی را دیدم که هنوز جان داشتند ولی توان نداشتند. مقدار کمی دستشان را به علامت تضرع تکان می‌دادند، که به ما هم آب بده. من هم شروع کردم به ریختن جرعه‌ای آب در دهان مرد و زن‌هایی که چهار پنج نفر می‌شدند. سومین فرد یک پیرمرد ایرانی بود که اصلاً به من التماس هم نمی‌کرد، چون توان نداشت. آب را که در دهانش ریختم با خرخر کردنش فهمیدم نمی‌تواند قورت دهد. دیدم آب ممکن است درون نایش برود لذا او را برگرداندم، توان گریه

کردن هم نداشتیم. شاید یک دقیقه بعد آن بنده خدا فوت کرد و دیگر تکان نمی خورد. در حال نفس نفس زدن، آب را خوردم ولی تأثیری در من نداشت. آنقدر حرارت بدن بالا بود که باز دنبال این بودم که بمیرم. بعد دیدم از بالای چادرها یک نفر اشاره می کند که بیا به شما آب بدهم. یک بطری آب انداخت که دو متر جلوتر افتاد و من توان رفتن به طرف بطری را نداشتیم. بطری دیگری انداخت و من گرفتم، مقداری خوردم. زنی دردمتری سمت راستم التماس می کرد، که به من هم آب بده، درحالی که پایین تنه اش بین بقیه جنازه ها گیر کرده بود. بلند که می شدم تعادل به هم می خورد نمی دانم به چه صورت خودم را به او رساندم و بطری را به او دادم. به جوانی که بالا بود گفتم آب بده اشاره کرد بقیه هم هستند، ولی یک بطری آب دیگر هم داد و من هم به چند نفر دیگر دادم. گفت بطری های خالی را بده تا از آب آن کولرها پر کنم و بدهم. شرایط بسیار سختی بود. از یک طرف حرارت بدن بالا بود و به آب نیاز داشت و از طرفی آبی که می دادند، آب گرم بود و بدن آتش می گرفت. بعد، از کنار همان زن، بطری را به سوی جوان پرت کردم. مقداری از بالای سرم رفت و افتاد. اصلاً توان نداشتیم، بلند شدم تا بطری را دوباره پرت کنم، سرم گیج رفت و روی یکی از جنازه ها افتادم. پیش خودم گفتم حالا دیگر قرار است بمیرم. خلاصه چند بار شهادتین را گفتم. یکی مرا دید و دلش سوخت چون تنها کسی بودم که دست و پاهایم گیر نبود و بین صدها تن که در شعاع چند صد متری مرده و زنده افتاده بودند، تکان می خوردم، به من اشاره کرد، بیا بالای بام چادرها، بیا اینجا، دیگر درب چادرها باز شده بودند. ناگهان از پشت سرم صدای مهممه جمعیت بلند شد. یکی از نرده ها کنده شده و روی جمعیت افتاده بود. گروهی هم از فشار جمعیت بر روی این نرده ها می رفتند. خدا می داند چه بر سر آنانی که زیر نرده ها بودند، آمد. کنار چادرها، جایی برای زباله ها بود که دختر جوانی، روی

سکوها رفته بود و موهایش را می کشید و به پایین نگاه می کرد. نمی دانم مادر یا پدرش زیر دست و پا بود. آن مرد از روی بام چادرها یکی دوبار گفت بیا بالا، فقط اینقدر رمق داشتم که گفتم نه. یادم هست دست می زد می گفت بیا ما تو را می کشیم بالا، ولی من می گفتم نفسم بالا نمی آید. او به من امید می داد. فکر کنم به دو سه تا جنازه تکیه داده بودم. رو به روی من تپه ای از مرده ها بود و دلم نمی آمد از روی اینها بروم. دیدم دومتر سمت چپ، جنازه ها کمتر است، خواستم از وسط آنها بروم، پایم را بر روی ویلچری که زیر آن آدم هم بود، گذاشتم و چیزی از آن به پایم فرو رفت اما توان آه کشیدن هم نداشتم. آمدم که از بین جمعیت بروم فجیع ترین صحنه را دیدم. یک حاجی ایرانی به کمر روی یک جنازه افتاده بود. یک سیاه آفریقایی هم سرش روی سینه این حاجی افتاده بود. به گمانم سرش زیر پای افرادی که می خواستند بالا بروند لگدمال شده بود. نمی دانم چشمش درآمده بود یا مغزش از بینی اش، بیرون زده بود. مایه ای زرد یا مقداری مغز روی سینه این ایرانی جمع شده بود، دیگر چشم هایش هم معلوم نبود. حالتی نیم خیز داشتم اما این صحنه را که دیدم وحشت کردم و دوباره سر جایم نشستم. افرادی که بالا بودند، چون فکر می کردند می توانند من را نجات دهند، دائم فریاد می زدند، به نظرم یکی از آنها هم، به نرده ها می زد اما من متوجه نمی شدم. مثل کسی که توی دریا در حال غرق شدن است و می خواهند او را بالا بکشند. خودم را به سمت نرده ها کشاندم و ایستادم. سپس پایم را روی فلزی که به صورت افقی قرار داشت، گذاشتم و دو دستی نرده های عمودی را گرفتم. نفس نفس می زدم و تنها کاری که می توانستم بکنم این بود که خودم را نگه دارم تا به کمر روی جمعیت نیفتم. آنها سرو صدا می کردند ولی نمی توانستم آنها را ببینم. آنگاه دیدم حوله ای کنار صورت من آمد. با دست چپ آن را گرفتم و آنها حوله را کشیدند. حتی توان نگهداشتن حوله را نداشتم و آن

از دستم درآمد. باز حوله را انداختند. این بار دو سه دور آن را به دور دستم پیچیدم و وسطش را هم با تمام توان گرفتم. آنها مرا به سمت بالا کشیدند و من با یک دست آویزان شدم، طوری که گفتم الآن دستم در می‌آید. بعد با دست راستم به چیزی چنگ زدم که احتمالاً فلزی بود. بعد دیدم یکی از آن بالایی‌ها دست راستم را چسبیده و دو سه نفر به زحمت مرا بالا کشیدند و فرد دیگری هم کمربند مرا گرفت و به آنها کمک کرد. وقتی به بالا رسیدم، چون خیلی به من فشار آمده بود، تلو تلو خورده و غش کردم. خیلی طول نکشید به هوش آمدم. روی پشت بام خیمه‌ها، که حالت قیف وارونه داشت، افتاده بودم و دو سه نفر مرا با حوله باد می‌زدند. یکی آب می‌ریخت، یکی با حوله باد می‌زد. آب داغی به من دادند که پس دادم. نمی‌توانستم بنوشم اما به زور به خوردم دادند. جوانی ایرانی که شیرازی بود، گفت بلند شو برو زیر سایه کولر بنشین. بلند شدم تا آنجا که هفت هشت متر بیشتر نبود دو سه بار زمین خوردم. بعد آنها برای امداد به سایرین رفتند. امداد رسانی‌شان هم فقط آب گرم کولر بود. اینقدر صحنه پایین وحشتناک بود که کسی پایین نمی‌رفت. این خیابان تا چند صد متر آن طرف‌تر پر از جنازه بود. تخمین من این است که توی این خیابان بالای شش هزار جنازه بود. چون توی اون تپه‌ها به عرض ده متر صد نفر می‌شدند. به کولر که رسیدم، دریچه‌هایش را باز کرده بودند و جوانی آفریقایی آب کولر را روی تنش می‌ریخت. دستم را درون آب بردم، نیمه گرم بود. آب را به صورتم پاشیدم. یک بطری پیدا کرده، و از آب کولر پر کردم تا بخورم. اما آن جوان سیاه‌پوست، دستم را کشید و آب را خالی کرد. آنگاه شیلنگ کولر را کشید و بطری را پر کرده و به من داد. من توان نداشتم بگویم؛ نمی‌خواهم، چون این آب گرم است. بعداً فهمیدم چون آب کولر کثیف بوده نگذاشته تا آن را بنوشم. آب زرد رنگ و کدر وحشتناکی بود. مقدار زیادی از آن آب را روی صورتم ریختم و پارچه‌ای را

که برای جلوگیری از عرقسوز شدن داشتم، خیس کردم و روی سرم گذاشتم. طول زندگی به سرعت از جلوی چشم آدم می‌آید و می‌رود. بچه بودم، کوچک بودم، رفتم مدرسه، چه جایزه‌ای گرفتم، بعدها ازدواج کردم، بعد بچه‌دار شدم، همه اینها تند و تند می‌آمد و من از همه اینها خداحافظی می‌کردم. آخرین کسی که تصویرش جلوی چشمم می‌آمد، دختر کوچکم بود که خیلی دوستش داشتم. خدایا یک بار دیگر ببوسمش بعد... اینرا هم نگفتم آنجایی که بطری آب اول را پیدا کردم دیدم گوشیم زنگ می‌خورد. به زحمت جواب دادم: «من دارم می‌میرم حلال کنید خداحافظ». موبایل خاموش شد. از دو نفری که مرا نجات داده بودند، یکی ایرانی بود. می‌گفت: هم شهری کمک کن اینها همه از تشنگی دارن می‌میرند. آب برسان. من سرم را گذاشته بودم کنار کولر نمی‌توانستم بایستم. نشسته بودم و چشمم نمی‌دید. سر بطری را لمس می‌کردم و شیلنگ را درونش می‌گذاشتم تا پر می‌شد. یک الجزایری پیشم آمد. از او خواهش کردم بطری‌ها را به سمت مردم بیاندازد اما کمک نکرد و رفت آن طرف‌تر زیر سایه نشست. چند نفر آمدند و شیلنگ را از توی سوراخ چادر به سمت پایین گرفتند و فواره‌وار روی مردم آب می‌پاشیدند. درون چادرها هم پر از آدم بود و خیلی‌ها همانجا تمام کرده بودند. زمانی که مرا بالا کشیدند، ساعت حدوداً ده و نیم بود و معرکه کشت و کشتار تمام شده بود. تقریباً پانصد متر عقب‌تر، آدم‌ها ایستاده بودند و نگاه می‌کردند اما جلو نمی‌آمدند، چون خیابان مالا مال از جنازه بود. همین‌طور با دستم آب پر می‌کردم. با چشمانم گریه می‌کردم با دهانم ذکر می‌گفتم. پیش خودم می‌گفتم الآن است که آب تمام شود. شیلنگ به لوله وصل بود ولی چون حادثه بزرگ بود گفتم آن هم الآن تمام می‌شود. گفتم تا آب هست استفاده کنیم. حتی یک بطری پر کردم و درون آب کولر گذاشتم. به جوان ایرانی گفتم چه خبر، گفت همه دارند می‌میرند.

کم کم درخواست آب کمتر شد و آن ایرانی را هم دیگر ندیدم. کم کم صدای ماشین آلات سعودی هم می آمد. از زیر سقف چادرها می دیدم خیابان پر از جنازه است. ساعت یک و نیم به هر زحمتی بود بلند شدم و کنار خیابان رفتم. نمی توانستم بنشینم و به حالت نیمه افتاده صحنه را تماشا می کردم. نیرو و امکانات آورده بودند، منتهی دور خودشان می چرخیدند. امدادگرها که آمده بودند جنازه ها را کنار هم می گذاشتند. آنها هم که زنده بودند در آن آفتاب می مردند. شاید فقط دویست امدادگر از دفاع مدنی با روپوش های نارنجی رنگ بودند. همین طور ایستاده بودند و فقط نگاه می کردند. دوست داشتم بروم پایین و بگویم این بنده های خدا را ببرید بیمارستان، مگر نمی بینید تکان می خورد. تا کسی به آنها نمی گفت کاری نمی کردند. مثلاً یکی از خود مأمورین اشاره می کرد و آدرس می داد، که آنجا یکی زنده هست، اما کسی به او محل نمی گذاشت. برانکار را از دستش کشید. این جاها بود که من نیمه جان، صدایش می کردم. در منا لوله کشی های آب برای آتش نشانی به تعداد فراوان وجود دارد و یکی از دردهای ما هم این است که اگر دفاع مدنی شان همین شیرهای آب را باز می کردند، مردم خنک می شدند، قدرت تنفس پیدا می کردند و کشته ها به نصف کاهش پیدا می کرد... اما نشد و زنده ها مردند و آنها که مرده بودند بدن هایشان در حال پختن بود.

آقای س. ع. ه

صبح روز عید قربان پس از اقامتی کوتاه در چادرهای منا، به همراه دوستان به سمت خیابان ۲۰۴ رفتیم. وارد این خیابان که شدیم پس از ۵۰ قدم، من پشیمان شدم. گفتم برگردم بعد از ظهر بروم. اما دیگر حتی نمی شد سرت را هم برگردانی.

جمعیت متراکم بود، بینی اشخاص با سر جلویی مماس بود. فضای نفس کشیدن هم نبود. دیگر اینجا نفس‌ها به شماره افتاده بود و پیرمردها کم داشتند بی‌حال می‌شدند. من چند تا بطری آبی که داشتم یواش یواش می‌خوردم. پیرمردی که در کنار ما، از کاروان مشهد اطراف نیشابور بود، از شدت گرما و عطش، سرش روی شانه کناری‌اش افتاده بود. یکی از بطری‌های آب را باز کردم و ریختم روی سر این پیرمرد و جان گرفت. یک خانم ایرانی از اهل سنت ایران، روی ویلچر نشسته بود و شوهرش ویلچر را می‌برد. هر دو بی‌حال بودند. یعنی شوهر آن زن، خودش را روی ویلچر انداخته بود و آن زن هم با باد بزنی که داشت خودش را باد می‌زد اما جان نداشت به گونه‌ای که باد بزن داشت از دستش می‌افتاد. هیچ آبی هم نداشتند. من یکی از این آب‌ها را ریختم روی آنها و جانی گرفتند. حقیقتاً برای نفس کشیدن فضا کم بود. جالب اینکه من هیچ سالی در این خیابان ویلچری ندیده بودم. چون اگر یک ویلچری بیاید و زمین بخورد باعث کشتار می‌شود. هیچ سالی اجازه حمل ساک و کوله پشتی نمی‌دادند، فقط یک کیف کوچک مجاز بود. اما امسال کیف و کوله پشتی و ویلچری توی راه زیاد بود. صد متری که در خیابان ۲۰۴ جلو رفتیم کم دیدیم به خاطر اینکه نفس کم آورده‌اند از در و دیوار بالا می‌روند. هول و هراس جمعیت را گرفته بود. حتی خیلی‌ها لباس احرامشان نیز افتاده بود. اگر برای حفظ احرامش اقدامی می‌کرد، خودش گرفتار می‌شد. دو طرف این خیابان چادرهایی با درهای آهنی بود. آن درها را هم بسته و با سیم‌های مفتولی از داخل پلمب کرده بودند. این چادرها که کولر دارد و محکم است به گونه‌ای که حتی می‌شود روی آن راه رفت افرادی بودند که می‌رفتند داخل چادر و زنش داخل جمعیت بود. اما نمی‌توانست در را باز کند و زنش را نجات دهد. جلوی چشمش زنش تلف می‌شد. بعضی از این آفریقایی‌ها که از این چادرها بالا رفتند، مردانگی کرده و شیلنگ‌ها را

از کولرها درآوردند و هر جایی که اوضاع وخیم‌تر بود، بر سر جمعیت آب می‌پاشیدند. نزدیک ساعت ۹ صبح بود که جمعیت شروع کرد ۲۰ دقیقه‌ای دور خودش چرخیدن. گروهی زیر دست و پا بودند. حتی یکی از حجاج می‌گفت مردم من ۱۰۰۰ دلار می‌دهم بگذارید من بروم کنار دیوار، اما نمی‌شد. آن مرد زیر دست و پا دفن شد. یکی داد می‌زد ۱۰۰۰ دلار می‌دهم مرا کمک کن، نمی‌شد. تا دیوار دو متر فاصله داشت. همه ما هم که تو خیابان بودیم تلاشمان این بود که خودمان را به دیوار برسانیم. هر چند در اشتباه بودیم وسط خیابان بهتر بود. اگر ما از کنار دیوار نرفته بودیم، ما هم یکی از جنازه‌ها بودیم. به اندازه یک و نیم متر جنازه روی هم بود. هر متر مربع برای ۳ - ۴ نفر جا بود. بعد از یک ربع ساعت که جمعیت دور خودش می‌چرخید، زمین خوردیم. ما تقریباً به اول این حادثه رسیده بودیم یعنی تا رمی جمرات که ۳ کیلومتر راه است، این حادثه در کیلومتر اول اتفاق افتاد و ما ۱۰۰ متر با حادثه بیشتر فاصله نداشتیم. یعنی از آنجایی که بسته بودند تا آن جلو ۱۰۰ متر بیشتر فاصله نداشتیم. این جاده پر از آدم بود و ما فقط سرهایشان را می‌دیدم.

در همین موقع، آنجا که دو تا از ماشین‌های دفاع مدنی ایستاده‌اند، اما حتی یکی از اینها را نیاوردند تا روی مردم آب بپاشند. این بی‌توجهی‌ها شک را بیشتر می‌کند که چرا آب نپاشیدند و چرا دورین‌ها را بعداً جمع کردند. به هر حال، ما افتادیم و چون در وسط بودیم جایمان بهتر بود. چون به خاطر مردمی که از روی سر و بدن ما رد می‌شدند تا خود را به کناره‌ها برسانند و بالا بروند، ازدحام جمعیت در کناره‌ها خیلی زیاد بود و اوضاع بسیار وخیم‌تر بود. من که افتادم زمین سه نفر دیگر روی من افتادند، ولی همه بدنم پوشیده از آدم‌ها نبود. یک نفر روی پایم افتاده بود، دو نفر هم روی دست راست و سرم، ولی طرف چپ بدنم آزاد بود. خیلی از اینهایی که بدن چابک‌تری داشتند از روی جمعیت رد می‌شدند و خودشان را به کنار دیوار

می‌رساندند و بالا می‌رفتند. اگر بالا می‌رفتند که رفته بودند و گرنه همانجا می‌مردند. من چندتا صحنه عجیب دیدم. یک آفریقایی همراه با خانمش بود، بالا رفت و حوله اندخت پایین، خانمش را بالا بکشد. حوله پاره شد و زنش افتاد، دیدم پس از مدتی زیر این جنازه‌ها جان داد، شوهرش هم از آن بالا شروع کرد به سر و صورت خودش زدن. نمی‌توانست پایین بیاید و هر چه فریاد زد کسی نمی‌شنید. یک نفر دیگر رفت آن طرف نرده‌ها، زنش این طرف بود و هر کاری می‌کرد نمی‌توانست نرده‌ها را باز کند. یکی از این نرده‌ها پشت سر ما کنده شد. ما خوشحال شدیم و گفتیم الآن نرده کنده شده، راهی باز می‌شود. عده‌ای از این راهی که باز شده می‌روند. این نرده که کنده شد به جای اینکه نرده را آن طرف جمعیت بیندازند؛ روی جمعیت افتاد و قاتل تعداد زیادی از جمعیت شد. جمعیت آمدند روی این نرده سوار شدند. بعداً که بلند شدم دیدم این نرده خیلی حالت عجیبی پیدا کرده، مثل سیخ کباب که گوشت‌ها به سیخ می‌چسبند، بدن‌ها نیز به نرده‌ها چسبیده بودند. مردم هجوم آوردند و دوباره همانجا با آدم‌ها بسته شد. یعنی وقتی این راه باز شد، حدود ۳۰ نفر از آنجا رد شدند اما یک دفعه ۵۰۰ نفر هجوم بردند و در را بستند. همه می‌گفتند بنشین. هر کس به زبان خودش؛ یکی می‌گفت «اجلس» یکی می‌گفت «sit down» یکی می‌گفت «بنشین». حالا زبان‌های دیگر را که نمی‌فهمیدم. خیلی‌ها هم که اصلاً توانایی حرکت را نداشتند. این آفریقایی‌ها که رد می‌شدند تنها کاری که می‌توانستم بکنم این بود که دستم را بالا گرفته بودم تا پاهایشان را روی سر من نگذارند و از روی دستم بروند. گفتیم شاید این دوربین‌ها که دارند فیلم می‌گیرند و یا این خیابان‌ها که پر از دوربین است، کاری بکنند. در عربستان که اگر کسی یک کتاب دعا دستش باشد، با دوربین تشخیص می‌دهند و می‌آیند از او می‌گیرند، چطور اینجا ندیدند این همه آدم روی هم افتاده‌اند. حتماً دیده‌اند. ۳۰ تا ۴۰ عدد هلیکوپتر

در منا پرواز می‌کردند، اینها برای حفظ امنیت‌اند. اینها فیلم‌برداری می‌کردند من وقتی افتاده بودم مکرر شنیدم که: «بچه‌ها الان هلیکوپترها می‌آیند پایین، آب می‌پاشند». مردم چقدر به هلی‌کوپترها امید داشتند هیچ کاری نکردند.

افراد، یک به یک جان دادند. اینها را ما دیدیم و چون ساعت نداشتیم گذر زمان را متوجه نمی‌شدیم. آنهایی که کنار دیوار بودند، همان یک ربع اول نه از تشنگی، اگر چه تشنه هم بودند بلکه از نبود هوا خفه شدند. چون دست‌هایشان زیر جسدها گیر کرده بود و فقط قسمت بالای تنشان آزاد بود و آفتاب شدید می‌خورد. دیگران با هول و هراس و فریاد، پا روی سر اینها می‌گذاشتند و بالا می‌رفتند. آنهایی که وسط بودند امید بیشتری داشتند. بدن‌ها قفل کرده بود پاها خواب رفته بود، ولی امید بیشتری به نجات داشتند. یکی از صحنه‌هایی که من خودم دیدم و وحشت کردم، این بود که پشت سرم که نگاه کردم دیدم یک پیرمرد مصری با هیکلی قوی توی جمعیت گیر کرده، فقط سرش بیرون است، طلب آب می‌کرد. من یک بطری آب که از نصف کمتر بود را پیدا کردم، خواستم هر جور می‌شده به سمت این پیرمرد مصری پرتاب کنم. دستش هم زیر بدن بقیه بود نمی‌توانست آب را بگیرد. مقداری آب پاشیدم تا جانی بگیرد. قطرات آب که از این بالا می‌ریختند تا همین طور پایین می‌آمدند با زبانش تلاش می‌کرد قطره آبی بخورد. بعد من از این پیرمرد غافل شدم. مواظب بودم ویلچر کناری مان ما را زخمی نکند. آن اواخر که ما نجات پیدا کردیم دیدم این پیرمرد صورتش سیاه شده و چشم‌هایش از حدقه بیرون زده است، من خیلی وحشت کردم. شاید هم احساس گناه که شاید اگر من یک مقدار آب به سر و صورتش می‌پاشیدم زنده می‌ماند. چون به من هم اشاره می‌کرد، خیلی دلم سوخت. از این صحنه‌ها بیش از صد مورد کنار ما اتفاق افتاد. یک پیرمرد نیشابوری که دیابت داشت و قندش افتاده بود. هی به من می‌گفت حاج آقا یک قندی، کشمش، چیزی

نداری؟ ما هم که نه جیبی، نه کوله‌ای، نه حوله‌ای، فقط یه چیزی در حد ستر عورت داشتیم. می‌گفت هر چی پیدا کنی بدی من زنده می‌مونم. ما تا آن روز آب از بطری‌های دیگر نمی‌خوردیم ولی آنجا هر چی پیدا می‌کردیم می‌خوردیم و هر چی پیدا می‌کردیم رو سر و صورت این پیرمرده می‌ریختم، ولی جان نداشتیم آزادش کنیم. آن ویلچری که جلوی ما شکسته و ما را حبس کرده بود، مربوط به یک زن مصری بود و شوهرش هم کمی دورتر بود. فقط طلب آب می‌کرد. مرتب می‌گفت: «اخوی مای» «برادر آب» آبی هم که نبود. هر چی بود برمی‌داشتیم پرت می‌کردیم. به طرف آن آفریقایی که شیلنگ کولر دستش بود. اشاره کردیم که کمی آب هم روی ما بپاشد. آب ولرم بود ولی همین آب هم نجات بخش بود. دمای هوا عربستان اعلام کرد ۴۸ درجه ولی اینجا حتماً با این ازدحام بیش از ۵۰ درجه بود اینجا دیگر بحران آب بود. صدای آب آب بلند شد. جایی که ما افتاده بودیم نه هلیکوپتر و نه آتش‌نشانی کاری کرد. دیدم صد متر جلوتر سه ردیف نیروهای نظامی ایستاده‌اند، نه می‌گذارند کسی جلو برود و نه کاری می‌کنند. اما فقط با بلندگو می‌گویند «حاجی ارجع وراء» «حاجی برگرد عقب». این حاجی‌ها که داشتند جان می‌دادند و بلندگو می‌گفت «حاج ارجع وراء» اعصابشان را خوردتر کرد چون جمعیت قفل بود و همه افتاده بودند. مگر عده‌ای که بالای چادرها می‌رفتند. یک ساعت که گذشت دیدم دو تا عرب با لباس شیک بالای چادر آمدند و فیلمبرداری می‌کنند. گفتم اینها الآن فیلم می‌گیرند تا به کمک بیایند. شروع کردند به صدا کردن و قدرت زیادی هم نداشتند. اشاره می‌کردند آب برسانید. جالب این بود که آن نفراتی که بالا بودند و نظامی بودند؛ اشاره می‌کردند که از اینجا و آنجا فیلم بگیر. خلاصه فیلم گرفتند و رفتند. من گفتم اینها دارند مدرک جمع می‌کنند. می‌خواستند با یکی از رقبای خود تسویه حساب کند که امسال امنیت با شما بود نتوانستید. دقیقاً همین طوری بود، چون این

آقای نظامی به آن دو تا دستور می‌داد اینجا و آنجا را فیلم بگیر. من به دوست نیشابوری گفتم اینجا الان فیلم می‌گیرند و به جلویی‌ها نشان می‌دهند و برای ما آب می‌آورند که این اتفاق هرگز نیفتاد. فیلمشان را گرفتند و رفتند. یک مرد مصری که جلوی ما بود مرتب از هوش می‌رفت و بعدش به هوش می‌آمد می‌گفت «فقط الله، استعینوا بالله لا غیر» «فقط خدا، از خدا کمک بخواهید، نه دیگران». دوباره از هوش می‌رفت.. بعد از ارشادهای این مصری، مأمورین سعودی شروع کردند با پوتین از روی سر ما رد شدن و ما داد و بیداد می‌کردیم که اینها زنده‌اند، کمک کنید. آن مرد مصری تا زنده بود، می‌گفت: «فقط الله استعینوا بالله»، الان هم کفر است از پلیس‌ها کمک بخواهیم. من گفتم شما داری خفه می‌شی، گفت نه استعانت از این شرطه‌ها از مصادیق شرک است. خدا بخواهد کمک می‌کند و نخواهد نمی‌کند. نمی‌دانستم از این استدلال بخندم یا گریه کنم. او در همین حال بود تا جان داد.

ما که وسط خیابان بودیم توی یک متر مربع، سه چهار نفر افتاده بودیم، نفس می‌کشیدیم ولی به تدریج از تشنگی می‌مردند. مخصوصاً زن‌های آفریقایی که افتاده بودند، خیلی داد و بیداد می‌کردند. ایرانی‌ها خیلی امید داشتند. لذا آفریقایی‌ها ده دقیقه یک ربعی بعد از حال می‌رفتند و اگر آبی به آنها نمی‌رسید می‌مردند. ولی ایرانی‌ها ماشاالله طاقتشون خوب بود و من اعتقاد دارم ماها که زنده موندیم، امید بود که ما را نگه داشت. چراکه اگر چشمان خود را می‌بستیم ما را هم مرده فرض می‌کردند و روی اجساد می‌انداختند. بعد از سه ساعت که آمدند راهی باز کنند، همین کار را می‌کردند نه نبضی می‌گرفتند نه چیزی، اصلاً نیروی امدادی نبودند. یکی می‌گفت، عربستان نیروهای زنده خود را برای جنگ یمن فرستاده و یک مشت بچه را اینجا گذاشتند. اینها در طول روز با موبایل‌هایشون بازی می‌کردند. حالا یک صحنه عجیب این بود که وقتی یکی می‌مرد باید زمین بیافتد ولی اینها زمین

۶۹

نمی‌افتادند تو همان حالتی که بودند سرشان پایین می‌افتاد و در حقیقت ایستاده می‌مردند. یک مورد مردی مرده به نظر می‌آمد، زنش می‌خواست داد بزند، به خاطر اینکه فضا را با سروصدایش آلوده نکند گفتم داد نزن شوهرت زنده است و بی‌هوش شده. یک مقدار امید پیدا کرد. اما بعد که جنازه‌ها را جابجا کردند، شوهرش مرده بود، زنش فرصتی پیدا کرد و شروع به فریاد زدن کرد. حقیقتاً خیلی از آنهایی که آنجا بودند و عزیزانشان را از دست داده بودند، توان گریه کردن هم نداشتند. مثلاً یک نفر زنش یا شوهرش می‌مرد، هاج و واج می‌ماند و نگاه می‌کرد. ساعت که یک و نیم بعد از ظهر شد، تازه اینها فرصت پیدا کردند، نه اینکه فرار کنند، بلکه بنشینند و گریه کنند. خیلی تکان دهنده بود. همان مرد مصری قبل از مردن به من گفت آسمان سیاه نشد. گفتم نه آفتاب است و من چون پشتم به آفتاب بود پشتم سوخته بود. بعدها کارتن و حوله‌ای چیزی پیدا کردیم و نجات پیدا کردیم. گفتش آسمان جلوی چشم من سیاه شد و تمام کرد. من متوجه شدم تا وقتی که آسمان جلوی چشمم سیاه نشود فرصت دارم. پس یک نشانه است، چون من تا حالا نه بی‌هوش شدم نه جلوی چشمم سیاه شده. گفتم پس تا آن وقت شد شهادتین را بگویم. حدوداً طبق محاسبه من ساعت ۱۲ شده و توی آن گرما، دیگر از کمک مأمورین ناامید شده بودیم. دیگر صدا کم به گوش می‌رسید. من یک لحظه احساس کردم که چشمانم نمی‌بیند، گفتم دیگر وقتشه. کم کم غصه این را داشتم که بدهی‌هایم چه می‌شود. تا لحظه آخر تلاش می‌کردم که فرار کنم. می‌گفتم آخر حیف است، آدم این جوری بمیرد. اما شهادتین را گفتم.

نکته مهم اینکه چرا عربستان، فیلم‌های فاجعه را نشان نمی‌دهد؟ اصلاً آنجا نقطه کور ندارد. همان روز آمدند تمام فیلم‌ها را جمع کردند. خوب شما اگر مشکلی ندارید فیلم‌ها را نشان دهید. چرا فیلم‌ها را جمع کردید؟! یکی از دوستان من رفت

دیدار یکی از دوستانش (علی مؤمن)، ایشان یکی از علمای بزرگ ایران است که یکی دو روز از ایشان خبری نبود. او از بیمارستان فرار کرده بود. او می‌گفت مرا آوردند که توی کیسه پلاستیکی بگذارند، دستم تکان خورد مرا بیرون انداختند. این گونه بود که اگر کسی بی‌هوش می‌شد جزو مردگان به حساب می‌آمد. او می‌گفت مرا بردند بیمارستان، بعد از یکی دو ساعت موبایلم را پیدا کردم و شارژی پیدا کردم و خواستم زنگ بزنم. اولین جمله‌ای که به فارسی گفتم. پزشکی که آنجا بود به تعبیری گفت آه و قتمان را تلف کردیم. آمد سوزن سرم را از دستم کشید و گفت این رافضی (شیعه) است بیاندازیدش بیرون.

این را که شنیدم اینقدر عقلم رسید که از شلوغی بیمارستان استفاده و فرار کنم. رفتم اتاق خدمه بیمارستان یک لباس خدمه پوشیدم. یک پولی دادم به یک نفر مرا تا چادر بیاورد.

درحین واقعه در خیابان ۲۰۴ حتی آنهایی که بالای چادرها رفته بودند، اگر سعودی‌ها می‌فهمیدند ایرانی هستند به تندی می‌گفتند بلندشو برو بیرون. ما خودمان را به بی‌هوشی می‌زدیم تا آبی بدهند. می‌گفتند برو بیرون تو مشرکی و موجب عذاب ما هستی.

من بیش از ده‌ها مورد افراد نیمه جان را دیدم که می‌گفتند اینها رافضی‌اند و یا با پوتین بیخ خرخره شان می‌گذاشتند. بعد از آن هم جسدها را نمی‌دادند. با پزشک‌ها همکاری نمی‌کردند. خیلی از جسدها را در کامیون انداخته و به سردخانه نبرده بودند. سر میز نهار، وقتی بچه‌های پزشکی قانونی تعریف می‌کردند من حالم بد شد رفتم بیرون و تا صبح همین جور حالم بد بود. مثلاً می‌گفت در کامیون را باز کردیم دیدیم دویست عدد جنازه آنجاست و به جای فریز کردن، یخچال را خاموش کرده بودند. دولت سعودی اصرار داشت همان روز اول یک قبرستان جمعی ایجاد کند که

آمار بالا نرود و همین کار را هم کرد. از نیجریه اجازه گرفتند و ۱۵۰۰ نیجریه‌ای را همان جا نماز میت خواندند و دست جمعی دفن کردند، اما ایران اجازه نداد.

آقای س. م. ع. ف

روز عید قربان ۱۴۳۶ هـ ق به چادر منا در بعثه که رسیدیم. و با چند تن از دوستان به طرف جمرات راه افتادیم. وارد خیابان که شدید نوجوانان سعودی ما را به طرف پله‌های زیر زمین فرستادند. مأموران پلیس ضمن جلوگیری از انتخاب مسیر توسط خودمان الزاما" ما را به طرف مسیر ۲۰۴ که کشتار هولناک در آن اتفاق افتاد هدایت کردند. در ابتدا مسیر باز بود اما هرچه جلو می‌رفتیم جمعیت متراکم‌تر می‌شد.

عجیب آنکه در این مسیر نه مأمور انتظامات دیدیم نه آب یخ و نه هیچ کسی که جمعیت را راهنمایی نماید. فقط از پشت سر جمعیت را به همین خیابان (۲۰۴) هدایت می‌کردند. در اواسط راه به تراکم جمعیت افزوده می‌شد تا جایی که دیگر حرکت افراد کاملاً متوقف شد. گویی اینکه راه از جلو، کاملاً بسته شده بود.

بطری‌های آب همراه همه ما تمام شده بود و مردم از لای پنجره چادرهای کشور مغرب، مصر، الجزایر، و... تقاضای آب می‌کردند، که گاهی اجابت می‌شد. من گفتم خوب است خودمان را به کنار مسیر برسانیم تا شاید بتوانیم راهی برای رهایی پیدا کنیم اما نمی‌شد. از سمت مقابل که گاه یک نفره خلاف حرکت مردم در حال برگشت بودند، و کسی هم مزاحم آنها نمی‌شد. لذا اصلاً بحث برخورد بین آن افراد، با مردمی که به جمرات می‌رفتند، و دولت سعودی آن را مطرح می‌کند نبود. البته فکر کنم آن صف یک نفره هم کسانی بودند که وقتی دیده بودند، جلو رفتن به سمت جمرات، سخت یا غیر ممکن است در حال برگشت بودند. کار به جایی رسید که گرمای شدید هوا، نبودن مأمور کنترل و راهنما، فرستادن جمعیت از پشت

سر و مانع نشدن از اضافه شدن آنان. تراکم جمعیت به گونه‌ای شد که بینی هرکسی به پشت سرنفر جلویی می‌خورد امکان تنفس بسیار سخت شده بود. به همه اینها باید ویلچرها را نیز اضافه کرد که برخورد و تلاقی با آنها دشوارتر بود. توان جمعیت از بین رفته بود، یکی یکی از حال می‌رفتند، روی زمین می‌افتادند و دیگران به زحمت فراوان بلندشان می‌کردند. عده‌ای که می‌توانستند، برای نجات خود از نرده‌های چادرهای اطراف به بالای بام چادرها می‌رفتند. افرادی که روی بام چادرها بودند، به آنها کمک کرده تا دیگری را بالا بکشند، در واقع تنازع بقا بود.

آنها که روی بام چادرها رفته بودند، شیلنگ کولرهای چادرها را کننده و آب آن را که گرم بود می‌خوردند و یا روی جمعیت در مسیر می‌ریختند. محشر کبرایی بود و صدای ضجه و ناله به آسمان بلند شده بود. افراد به زحمت یکی یکی و با فشار فراوان سعی می‌کردند خود را به داخل چادرهای اطراف برسانند. موج جمعیت سبب شد که من هم به داخل چادر افتادم و از حال رفتم.

در آن چادر چند زن الجزایری و یکی دو مرد بودند. که فقط یک جمله به عربی گفتم: «انا من ایران» (من از ایران هستم). فقط شنیدم یکی گفت بین ما و ایران ارتباط است و بعد افتادم. ظاهراً حدود تقریباً دو ساعت چیزی متوجه نمی‌شدم. آنها آب روی من ریخته بودند و سعی کرده بودند مرا کمک کنند و اراده خداوند تعلق گرفت زنده بمانم که ماندم.

پس از اینکه حالم خوب شد دوباره به خیابان اصلی آمدم. جنازه‌های فراوانی روی زمین انباشته و روی بعضی از آنها پارچه کشیده شده بود. مأموران عربستان تازه رسیده بودند. خواستم کاری کنم اما اجازه ماندن را نمی‌دادند و بالاجبار به طرف جمرات رفتم و با زحمت فراوان رمی کردم و برگشتم.

به نظر حقیر، عوامل مؤثر در این فاجعه عبارتند از:

۱. این مسیر از جلو بسته شده بود یا مثل بسته شدن بود.
۲. هیچ آبی در دو طرف مسیر جهت خوردن وجود نداشت.
۳. مأموران از ابتدا همه را به همین مسیر می‌فرستادند و حتی وقتی دیدند مشکلی در مسیر به وجود آمده، باز هم هدایت جمعیت به این خیابان را متوقف نکردند.
۴. مأمورانی که جلو یا وسط جمعیت بودند با دیدن تراکم بالا و فشردگی جمعیت، اگر جمعیت را تقسیم کرده بودند، یقیناً این مقدار تراکم و فشردگی ایجاد نمی‌شد که این کار صورت نپذیرفت.
۵. بعد از افتادن حجاج روی زمین و انباشته شدن آنها روی هم، هنوز عده زیادی زنده بودند که با تأخیر در کمک‌رسانی تعداد بسیاری از آنان جان دادند.
۶. آنچه مربوط به بعد از این است؛ معلوم است در بحث امدادرسانی نیز ضعف فراوان وجود داشت.
۷. این مسیر بسیار باریک بود و قابلیت این همه جمعیت را هم نداشت.

آقای ر.ع

به همراه دوستان از مشعر به سمت منا حرکت کردیم. مسیر نسبتاً شلوغ بود. من با رفقایم باهم بودیم، اما، همراهان را گم کردیم. ساعت ۸ صبح بود که به منار رسیدیم. با تأخیر اندکی به طرف جمرات رفتیم. وقتی از زیرگذر رد شدم، سه تن از مأموران دفاع مدنی سعودی حضور داشتند که جمعیت را به سمت راست (مسیر ۲۰۴) راهنمایی می‌کردند و تقریباً بالای ۹۰٪ جمعیت با توجه به توصیه آنها به سمت مسیر ۲۰۴ می‌رفتند. من هم به سمت آن مسیر رفتم. جمعیت لحظه به لحظه زیادتر می‌شد.

یکی از دوستان گفت برویم سمت نرده چادرها تا از آنها آب بگیریم. ما هم رفتیم و یک بطری آب گرفتم و قدری سرحال شدم و مجدداً دوستان را گم کردم. جمعیت لحظه به لحظه شلوغ‌تر می‌شد و در مسیر خبری از آب سرد کن و ستون‌های آب پاش نبود. عطش و گرما و شلوغی بیش از حد جمعیت و غیر طبیعی بودن آن، مرا آزار می‌داد. به فکر این افتادم که از نرده‌های کنار چادرها به بالای بام چادرها بروم. خودم را به نرده‌ها نزدیک کردم. درهای ورودی چادرها را بسته بودند و به کسی اجازه ورود نمی‌دادند، ناگهان دیدم کنار یکی از چادرهایی که بطری آب توزیع می‌کردند راهی باز شد و جمعیت با فشار زیادی وارد آن شد. من هم که حسابی مضطرب بودم و شهادتین را هم گفته بودم. خود را به زحمت وارد آنجا کردم و دیدم که عده‌ای زن و بچه از ملیت‌های مختلف آنجا حضور دارند و پریشان و مضطرب هستند. در کنار من راهی باریک بود که داخل چادرهای الجزایری‌ها می‌شد. من وارد آنجا شدم و حدوداً یک ساعت و نیم الی دو ساعت آنجا بودم و مضطرب بودم، زیر سایه‌ای نشستم هر لحظه فرد نیمه جانی وارد می‌شد. دو نفر آفریقایی را دیدم که لحظات آخر عمرشان بود و به سختی نفس می‌کشیدند. فردی در حال تلقین شهادتین^۱ به آنها بود و به هیچ وجه سرحال نمی‌آمدند. تعدادی از ایرانی‌ها نیز بودند که روی زمین افتاده و بی رمق بودند. همین طور از اتباع کشورهای اندونزی، پاکستان، مصر و عراق.. خانم‌هایی بودند که یکی از آنها پیراهن و لباس به تن نداشت که لباس برایش آوردند ولی تعداد خانم زیاد بود. یک عراقی که تازه وارد چادر شده بود می‌گفت: جلوی چشم من چهار نفر جان باختند و عصبانی بود. سه نفر مصری در کنار من بودند که آنان نیز معترض بودند و می‌گفتند: اینجا به هیچ وجه نظم و هماهنگی وجود ندارد. همه تشنه بودیم و تقاضای آب

۱. مسلمانان هنگام مرگ شهادت بر یکتایی خداوند و پیامبری حضرت محمد ﷺ می‌دهند.

می‌کردیم ولی از آب خبری نبود. گاهی که آب پیدا می‌شد مثلاً یک نصف بطری بود که از فرط تشنگی مجبور بودیم بخوریم تا تلف نشویم. الجزایری‌ها ما را به چادرهایی که خنک و خلوت بود راه نمی‌دادند. حدود ۳۰ دقیقه بعد کسانی که بالای بام چادر بودند، شروع کردند به پایین آمدن. یکی از آنها که آفریقایی و سیاه پوست بود به سختی به زبان عربی صحبت می‌کرد، از دست سعودی‌ها ناراحت بود و می‌گفت به من توهین کردند، گفته‌اند تو سیاه هستی اینها مسلمانی نیست و با صدای بلند فریاد می‌زد و به هموعان خودش می‌گفت چرا نشسته‌اید. می‌گفت من مسلمانم و اسلامم از سعودی‌ها بالاتر است. مردم خسته و مضطرب و به شدت گرم‌زده بودند. هنگامی که به دنبال آب بودم ۲ مأمور سعودی را دیدم و گفتم که چاره‌ای بیاندیشید، گفتند کاری از ما ساخته نیست و محل چادرها را سریعاً ترک کردند و تا زمانی که آنجا بودم آنها را ندیدم. عده زیادی از مردم بودند یا لباس احرام به تن نداشتند و یا حوله احرام آنها خون‌آلود بود، که نشان از وخامت اوضاع داشت. وضع اسفباری بود. برخی الجزایری‌ها مشغول تراشیدن موی سرشان بودند و توجهی به اوضاع مردم نداشتند. عده‌ای خود جوش به مردم یخ می‌دادند و آب روی سر مردم می‌ریختند. با بالا آمدن خورشید جایی برای نشستن در زیر سایه‌ها نبود. بعد از حدود ۲ ساعت وارد چادر مغربی‌ها شدیم. آنجا وضع بهتر بود. غذا توزیع می‌کردند و آب می‌دادند. ۴ نفر ایرانی را دیدم که جز حوله پایین احرام هیچ چیز دیگری نداشتند و همه چیز، حتی سنگ‌های رمی جمرات را از دست داده بودند. بدنشان زخمی و حتی دمپایی هم نداشتند. نیم ساعت آنجا بودیم و قرار بود برویم سمت چپ مسیر و موازی مسیری که آمده بودیم برای رمی جمرات اقدام کنیم. به جمرات رسیدم، رمی کردم یک مأمور دفاع مدنی سعودی را دیدم که فیلم می‌گرفت و می‌دوید و به سرش می‌زد و می‌گفت که آمار کشته‌ها بالاست و صدای آمبولانس هم قطع نمی‌شد و حاکی از وخامت اوضاع بود.

آقای م.ع.ک

ساعت ۶:۲۰ صبح روز پنج شنبه (عید قربان) از آخرین نقطه مشعر به سمت منا حرکت کردیم تا به چادرهای ایران در منا رسیدیم. بعد از صرف صبحانه مختصر حدود ساعت ۷:۴۰ دقیقه به همراه چند تن از دوستان به سمت جمرات حرکت کردیم. مسیر از همان ابتدا شلوغ بود و همه حجاج به یک مسیر هدایت می شدند که بعداً فهمیدیم خیابان ۲۰۴ بود. بعد از طی مقداری از مسیر، دوستان با تجربه، گفتند هر سال ازدحام بود، اما امسال غیر عادی است. حدوداً ساعت ۸:۳۰ دقیقه به علت گرمای شدید، بیشتر آب همراه دوستان تمام شد. در این شرایط برخی از افراد به علت گرمای زیاد، بی حال روی زمین می افتادند و به کنار خیابان برده می شدند. بعد از چند دقیقه حال من هم به هم خورد و توسط یکی از دوستان به کنار خیابان هدایت شدم و ایشان نصف بطری آب پیدا کرد و روی من ریخت تا کمی حالم بهتر شد. بعد از گذشت حدوداً ۸ دقیقه من دوباره احساس کردم که دیگر قادر به ادامه مسیر نیستم، وقتی به اطراف خود نگاه کردم از دوستان خود اثری ندیدم، به پشت سر خود نگاه کردم فهمیدم امکان بازگشت نیز وجود ندارد. لذا به ذهنم آمد که به چادرهای کناری بروم، اما دیدم درب ورودی همه آنها بسته است و در مقابل هر دری چندین نفر ایستاده و با شدت تمام مردم را از کنار دربها دور می کنند. لذا تنها امید خود را حرکت به جلو دانستم. بعد از حدود ۵ دقیقه دیدم نه تنها جمعیت به طرف جلو حرکت نمی کند و همه ایستاده اند، بلکه بعضی نیز مردم را به طرف عقب هل می دهند. اینجا بود که عده ای به خاطر تشنگی و بی حالی روی زمین افتادند. من هم داشتم روی زمین می افتادم که به ذهنم آمد اگر روی زمین بیافتم حتماً زیر دست و پا از بین می روم، لذا هر چه توان داشتم، جمع کرده و به سمت چپ خود حرکت کردم.

بعداً فهمیدم آنجا چادرهای حجاج الجزایر است. در سه متری من درب چادر بود. خواستم به طرف در بروم اما با هجوم بی‌اندازه مردم مخصوصاً سیاه پوستان و بسته شدن درب، ناامیدانه، خود را به نرده‌های سبز رنگ چادرها چسباندم. برخی سیاه پوستان در همان ساعات اول فاجعه، خود را به بالای بام چادرها رسانده بودند و در تلاش بودند، تا سایر دوستان خود را نیز توسط حوله‌های احرام به بالای چادرها بکشند. من نیز با رمق کمی که داشتم، از یکی از آنان خواستم تا مرا بالا بکشد، ولی او توجهی نکرد و فقط به دنبال کمک به سیاه پوستان بود. من، عینک و کفش خود را از دست داده بودم، لذا خوب نمی‌دیدم. هر چه تلاش کردم خود را کمی بالا بکشم نتوانستم. یکبار دیگر از همان سیاه پوست درخواست کردم مرا بالا بکشد. این بار حوله احرام خود را انداخت و من حوله را به دور خود پیچیدم اما هر چه تلاش کردم خود را حرکت دهم نتوانستم انگار تمام جسمم مثل سنگ شده بود. بالاخره آن فرد آفریقایی که الحمدلله قدرت زیادی داشت، من را مانند یک جسد به بالا کشید و قبل از اینکه به بالای چادر برسم، دیدم بالای چادر به سمت داخل پاره شده است، لذا دوستان خود را از حوله رها کردم و خود را به داخل چادر انداختم.

در داخل چادر از همه ملیت‌ها بودند. از جمله، چند ایرانی اهل شیراز هم بودند. از هر کس آب می‌خواستم، می‌گفت ندارم. بعد از چند دقیقه روی زمین افتادن، به سختی خود را به پشت چادرها رساندم و از مسئولین چادر که الجزایری بودند درخواست آب کردم که آنها نیز گفتند آب ندارند. متأسفانه به جای کمک به حجاج، فریاد می‌زدند که این حریم ماست و با عصا و زور سعی می‌کردند مردم را از چادرهای خود بیرون کنند. در آنجا فلاکس آب بود که به امید یافتن جرعه‌ای آب به سمت آن رفتم، اما دیدم آب ندارد. ولی ۲ تکه یخ داخل فلاکس بود. با دست برداشتم و به درون چادر آوردم و کمی از آن را روی سر خود گذاشتم و بقیه را به

چند تن که حالشان بدتر از سایرین بود دادم. در ۱۵ دقیقه‌ای که آنجا بودم. از نزدیک شاهد اتفاقات ناگواری بودم. صدای مرد ایرانی‌ای را می‌شنیدم که زیر دست و پا افتاده و فریاد می‌زد پام شکسته و کمک می‌خواست، اما واقعاً هیچ انسانی قادر به کمک به دیگری نبود. کودک سیاه پوستی را دیدم که پدر و مادر خود را گم کرده بود و از ترس حتی نمی‌توانست گریه کند. کمی به او آرامش دادم.

یک جوان پاکستانی داخل چادر شد و بی حال روی زمین افتاد. من گفتم چه کمکی می‌خواهی؟ به انگلیسی گفت، قند، من از آنها خواستم به او قند بدهند زیرا ظاهراً دیابتی بود و قند بدنش افتاده بود.

در آنجا دیدم متأسفانه هنوز هم نگاه تبعیض آمیز به عرب و عجم و سیاه و سفید در میان مسلمانان وجود دارد، زیرا با چشم خود می‌دیدم که به هیچ وجه به سیاه پوستان زخمی اجازه ورود به چادرها را نمی‌دادند. بالاخره بعد از مدتی استراحت در آن چادر و خوردن آب، به طرف جمرات رفتم.

آقای رف

اینجانب صبح روز عید قربان حوالی ساعت هفت به چادرهای منا رسیدم و با توجه به خستگی، استراحت بسیار کوتاهی کرده و بعد از خوردن صبحانه و آماده رفتن به جمرات شدم. به عنوان راهنمای جمع ابتدا می‌خواستم با رفتن بر روی پل عبدالعزیز که دقیقاً در کنار چادرها است، از رمپ کنار پل وارد سوق العرب شویم، اما درهای خیابان را بسته بودند. لذا از زیرگذر، داخل خیابان پایینی کنار پل شدیم. من به دوستان گفتم که از سوق العرب برویم لکن با کمال تعجب مشاهده کردیم که مأمورین سعودی، در مقابل سوق العرب ایستاده‌اند و به هیچ وجه اجازه ورود به آن مسیر را نمی‌دهند. حتی با اصرار زیاد به دنبال عبور از سد انسانی آنها بودیم لکن میسر نشد به همراه بقیه زوار داخل خیابان ۲۰۴ شدیم. گرچه از ابتدا جمعیت

ورودی به خیابان ۲۰۴ زیاد بود اما تقریباً طبیعی بود. لکن تراکم جمعیت تدریجاً زیاد شد. دوستان نیز در این میان از هم جدا شدند. پس از نیم ساعت پیاده روی به سوی جمرات، گرمای هوا بسیار زیاد و ذخیره آب هم تمام شد. قدری از آب را هم به کسانی که بی حال شده بودند دادیم. پس از این، جمعیت ده دقیقه می ایستاد و دوباره حرکت می کرد و به اندازه ۵ متر می رفت و دوباره می ایستاد. این مسئله بارها تکرار شد. همین توقفها باعث کلافه شدن حجاج شده بود. در این میان بعضی بی هوش می شدند، که افراد سعی می کردند آنها را به چادرهای مجاور برسانند. در مواردی، همین جابجاییها باعث ایجاد موج در میان جمعیت می شد. چون مسیر از جلو بسته و حرکتی نبود. در این میان برخی از آفریقاییها شروع به بالا رفتن از نردههای چادرهای اطراف مسیر کردند. لکن تعداد آنها کم بود. من احساس کردم که دیگر تنفس امکان ندارد، زیرا چنان به هم چسبیده بودیم که قفسه سینه من در حال خرد شدن بود. با زحمت و درگیری خودم را به نرده رساندم. با بستن حوله خود به نرده به فکر بودم که اگر بی هوش شدم زیر پا نیفتم. یک فرد هندی یا پاکستانی پای من را گرفته بود و به زحمت می خواست از نرده بالا برود که باعث خونی شدن پای من شد. لذا فهمیدم که نمی توانم اینجا بایستم و به سرعت از نردهها بالا رفتم. نرده متعلق به چادر الجزایریها بود. پشت نردهها، جعبه های آب معدنی بود که من روی آنها رفتم و از بالا نظاره گر جمعیت شدم. تا چشم کار می کرد افراد، فشرده ایستاده بودند و تکان نمی خوردند. فقط صدای ضجه زنان و کودکان را می شنیدم. برخی از کودکان را دیدم که روی دست بودند و هرچه فریاد زدم نتوانستند آنها را به من برسانند. صحنه افتادن حجاج و کشته شدن آنها توسط جمعیت کاملاً مشهود بود. آفریقاییها شروع به کتک کاری و هل دادن یکدیگر کردند. برخی ایرانیها التماس می کردند که آنها را بالا بکشم. به خاطر تسلطی که داشتم توانستم با یک دست آنها را بگیرم و بالا بکشم. همگی از زائران پیر، ایرانی بودند. بر اثر فشار وارده

کارتن‌های آب معدنی پاره شد و همه بطری آب‌ها ریخت. من هم افتادم و دیگر امکان کمک نبود. خود من هم تقریباً در حال بی‌هوشی بودم که خودم را به میان خیمه‌ها رساندم و از حال رفتم. افرادی که کنارم بودند روی من آب ریختند. بادی هم که از خیمه می‌آمد قدری من را سر حال کرد. شاید نیم ساعت در آنجا افتاده بودم. به خاطر کثرت جمعیت درون خیمه‌ها قصد خروج داشتم. دو تن از دوستان که مانند من از نرده بالا آمده بودند. برای خبر دادن از واقعه چندین بار با تلفن تماس گرفتم، لکن موفق به برقراری ارتباط نشدم. قرار شد با این دوستان به جمرات برویم و رمی کنیم. از خیمه خارج شده و وارد سوق العرب شدیم و با کمال تعجب دیدیم که خیابان کاملاً خلوت است و مردم به خوبی در حال حرکت هستند و از اتفاق مسیر کناری هم خبری نداشتند. ایرانی‌ها با دیدن سر و وضع خونی و خاکی ما متعجب شده و سؤال می‌کردند که چه شده که قضیه را تعریف کردیم. جالب اینکه میان خیابان ۲۰۴ و سوق العرب یک خیابان فرعی وجود دارد که این دو را به هم وصل می‌کند و این خیابان کاملاً خلوت بود و از آنجا خیابان ۲۰۴ قابل مشاهده بود. نکته دیگر اینکه، مأمورین سعودی خیابان ۲۰۴ را قبل از این فرعی بسته بودند و گرنه، اگر بعد از این فرعی را بسته بودند، این جمعیت می‌توانست وارد فرعی شده و به سوق العرب برود و از فاجعه فرار کند.

آقای م. س. گ

حدود ۱۸ نفر در مسیر ۲۰۴ جمرات با هم بودیم. البته ابتدای مسیر با هم بودیم اما کم کم از هم جدا شدیم، یعنی فاصله‌ها در حدود دو یا سه متر بود و در شعاع دید همدیگر بودیم. و تقریباً در رأس تیم و جلوتر از بقیه بودیم، بعد از مدتی تراکم به حدی زیاد شد که حتی نمی‌توانستیم دست‌های خودمان را بالا بیاوریم. از اینجا به بعد بود که فاجعه در حال شکل گرفتن بود و افراد ضعیف‌تر مانند پیرمردها و

پیرزن‌ها و افراد کوتاه قد به دلیل تراکم و ازدحام بیش از حد به زمین می‌افتادند و با سقوط هر نفر چندین نفر از اطرافیان نیز بر روی همان فرد می‌افتادند. عرض خیابان حدود ۱۰ متر، در دو طرف آن چادرهای مربوط به کشورهای مختلف برپا شده بود. منتها نرده‌های مرتفعی آنها را از خیابان جدا کرده بودند و درب این نرده‌ها بسته و برای ورود حجاج باز نبود. عده‌ای از مردم شروع کردند به بالا رفتن از نرده‌ها و رفتن به بالای چادرها، رعب و وحشت در حال مستولی شدن بر جمعیت بود و در این موقع بالگردهای سعودی نیز در حال پرواز بر روی جمعیت بودند. یک پیرزن را دیدیم که به زمین افتاده بود، آن پیرزن را بلند کرده و به سمت گوشه‌ای بردیم، در همین حین، ولوله در حال اوج‌گیری بود. همه منتظر بودیم که مأمورهای سعودی به کمک بیایند و راه را باز کنند تا از تراکم جمعیت کاسته شود. بعد از جابجا کردن پیرزن وضعیت ما به مراتب بدتر شد، من از همه اعضای کاروان جلوتر بودم و در کشاکش امواج جمعیت به هر سمتی که نگاه می‌کردم بوی مرگ می‌آمد، یک لحظه تصمیم گرفتم به سمت نرده‌ها بروم، با یک حرکت و پس از جا گذاشتن دمپایی و بیرون آوردن حوله احرام بالاتنه، خودم را به نرده‌ها رساندم. تمام تلاش من این بود که زیر دست و پا له نشوم، یک لحظه غفلت برابر بود با له شدن زیر پای مردم، بعد از اینکه به نرده‌ها رسیدم دیدم وضعیت به مراتب بدتر است و سیاه پوست‌های آفریقایی با هیکل‌های درشت از نرده‌ها آویزان شده‌اند، نتوانستم هیچ اقدامی انجام دهم، در حال سرچرخاندن به اطرف برای تغییر مکان بودم که دیدم، هفت هشت نفر بر روی زمین افتادند و بلافاصله جمعیت زیادی بر روی هم آوار شدند. از سمت نرده‌ها فشار زیادی به من وارد می‌شد و پشت سرم هم جمعیت روی هم افتاده بودند و چیزی نمانده بود که من نیز بر روی جمعیت بیفتم. پیرمرد تنومندی دست من را گرفت و از آن مهلکه پرت کرد بیرون و آن طرف جمعیت بر روی

زمین افتادم. تا حدودی از مهلکه خارج شده بودم، تا قبل از خروج، چندین بار شهادتین را گفته بودم و واقعاً هیچ امیدى به زده ماندن نداشتم. در آن بحبوحه هرکسى به زبانی خدا را از ته دل صدا می‌زد، هر شخصی به زبان خود طلب کمک از خدا می‌کرد.

در آن فاجعه جان مردم به حراج گذاشته شده بود. ما در چنین وضعیتی بودیم. مأموران سعودی که در حال نظاره بودند، با بلندگوهای دستی به جمعیت می‌گفتند که برگردید. یکی از حجاج می‌گفت راه برگشت به علت حضور یکی از مقامات سعودی بسته شده است و همین باعث وقوع این حادثه شد. اکثر حجاج با شروع فشارها روی زمین نشستند. این نشستن خیلی کمک کرد و باعث شد مقداری از حجم تلاطم و ایجاد موج و نیز له شدن مردم زیر دست و پا جلوگیری کند. کناره مسیر که تراکم بیشتر بود تعداد تلفات نیز بیشتر بود. مردم برای فرار و رفتن به چادرها به لبه‌های نرده‌ها رفته بودند که عده‌ای موفق به رفتن به آن سوی نرده و بالای چادرها شده بودند. این تراکم تنها بخشی از ماجرا بود و ماجرای اصلی و تلفات اصلی بعد از کاهش تراکم و غالب شدن تشنگی شروع شد.

به اعتقاد من تراکم یک بخشی از تلفات و گرما و تشنگی حجاج نیز بخشی از تلفات را به خود اختصاص داده بود.

بعد از این فاجعه و به علت ماندن در زیر آفتاب، بدن من به حدی داغ شده بود دست می‌زدم به خودم دستم می‌سوخت. خواب عجیبی در آن لحظات بر من غلبه کرده بود. به یکی از حجاج گفتم من ۱۰ دقیقه می‌خوابم بعد بیدارم کن، همان شخص گفت اگر چشم‌هایت را ببندی مرده‌ای، واقعاً هم راست می‌گفت سطح هوشیاری پایین آمده بود و تحمل این وضعیت بسیار سخت بود. بعد از مدتی و حدود یک ساعت پایانی این فاجعه، مردم شروع کردند به پخش کردن آب‌های

داخل چادرها و این تا حدودی باعث شد مقاومت‌ها در برابر مرگ افزایش یابد. با اینکه تعداد زیادی از کشته شده‌ها را دیده بودم اما چون فکر می‌کردم خودم زنده‌ام پس بقیه نیز زنده‌اند، من دو سه بار واقعاً کم آوردم و برای مرگ آماده شده بودم و هر بار که تمام انرژی‌ام را برای مقاومت از دست می‌دادم، مجدد نیرویی غیر ارادی در وجودم مانع از این کار می‌شد. بعد از یک ساعت و نیم از شروع فاجعه، مأمورهای سعودی از ابتدای خیابان شروع به جمع‌آوری اجساد کردند فاصله زیادی از ما داشتند، حدود ساعت ۱۲ و یک به ما رسیدند. تلفات بیشتر از گرما و تشنگی بود، حدود ساعت یک بود که به ما رسیدند و من بلند شدم و رفتم. به محض اینکه بلند شدم و کناره‌ها را نگاه کردم، همان اول گفتم حداقل پنج هزار نفر کشته شده است که بسیاری قبول نداشتند اما ارقام بالاتری هم گفته می‌شود. عمق فاجعه بسیار وحشتناک بود. به نظر من عربستان در این فاجعه یک بی‌عرضگی تاریخی از خود نشان داد. اما چطور بلند شدم و نجات پیدا کردم، یک سیب نصفه لابه لای آب و مردم مرده و زنده افتاده بود که برداشتم و آن را خوردم و تا حدودی انرژی از دست رفته خودم را پیدا کردم، البته نیم ساعت آخر آب و نوشابه و چیزهایی شبیه این از بالای نرده‌ها پرتاب می‌شد که تا حدودی نیروی خودمان را باز یافتیم. یک بطری آب که می‌رسید پنج تا شش نفر را نجات می‌داد. بعد از اینکه مقداری راه باز شد برای کمک به افرادی که در کنارم بودند و حالشان بد بود تمام توان خودم را جمع کردم، یکی دو نفر از حجاج که یکی از آنها مصری بود به شدت حالشان بد شده بود، برای آن حاجی مصری مقداری آب پیدا کردم کمی که وضعیتش روبه راه شد به راه افتادم، افرادی که توانایی داشتند و خود من می‌خواستم به مجروحین کمک کنم تا زمان رسیدن مأموران سعودی افراد زنده بمانند اما مأموران انگار قصد آمدن نداشتند. بعد از آن وسط راه یکی از پزشکان بنگلادشی یک حوله بالاتنه به من داد و چند سنگ از یکی از حجاج گرفتم و به جمرات رفتم.

من یکی از حجاج ایرانی به نام «رحمت الله به مرام» را دیدم که زنده بود، اما دچار تشنج شده بود، بعد از چند روز دیدم که این شخص جزء مفقودین اعلام شده است، یقیناً این فرد را به عنوان کشته شده حادثه به سردخانه منتقل کرده‌اند. به نظر من سعودی‌ها در این زمینه بسیار بی‌رحمی و قساوت و ناجوانمردی از خود نشان دادند.

همسر شهید شهناز علاقی^۱

رجب تاتار، همسر خانم شهناز علاقی که در حادثه منا شهید شده بود می‌گوید: دو گروه از مردم را در یک مسیر در مقابل هم قرار دادند و مسیر بسته بود و همه در این حادثه خفه شدند. همسر من را در این حادثه از دست دادم و زندگی من فلج شده است. در این حادثه مأموران عربستان هیچ کمکی به مردم نمی‌کردند و اجازه کمک به هیچ کسی هم نمی‌دادند.

من در صحنه حضور داشتم و اگر اجازه کمک می‌دادند مطمئن بودم که بیش از نیمی از این افراد کشته نمی‌شدند.

ماه عبدالکریم آفوند جاور (امام جمعه اهل سنت کنبدکاوس)^۱

در روز عید قربان و با بسته شدن مسیر حرکت، هر لحظه حرکت حجاج کندتر و لحظه به لحظه بر فشار جمعیت افزوده می‌شد.

کناره راه با فنس (نرده) بسته شده بود و فشار افراد به همدیگر، گرمای هوا، فقدان آب و کمبود اکسیژن باعث ضعف حاجیان می‌شد.

تداوم این روند و افزایش فشار افراد به همدیگر باعث از پای افتادن افراد ضعیف‌تر در لحظات اولیه شد و کسانی که از پای در می‌آمدند با وضعیت بدتری

۱. چون این افراد در روزنامه‌ها و رسانه‌ها مصاحبه کرده‌اند اسم کامل آنها را آورده‌ام.

روبه‌رو می‌شدند و از هوش می‌رفتند.

فشار بیش از حد و نبود آب و نیز نبود هیچ راه‌گزینی برای افرادی که گرفتار شده بودند، باعث شد تا آنها مثل طناب در هم بپیچند.

هیچ راهی پیش روی حجاج برای جان‌به‌در بردن وجود نداشت. بسیاری از حاجیان در این شرایط از پای درآمدند و گرمای هوا، فقدان آب و کمبود اکسیژن اوضاع را بسیار سخت کرده بود.

من شخصا در آخرین نقطه مسیر بسته شده حضور داشتم. در آن نقطه یک وانت و چندین ویلچر واژگون وجود داشت که در بین آنان گرفتار شده بودم.

خطر مرگ هر آن‌من را نیز تهدید می‌کرد، نجات خود از آن واقعه را خواست خدا می‌دانم عرب‌ها در آن لحظات به من می‌گفتند که تو در حال مرگ هستی.

از جایی که من نشسته بودم تا جایی که چشم کار می‌کرد در سمت چپ و راست من، چندین لایه انسان روی هم افتاده بودند.

دو سه ساعت بعد گروه‌های امداد آمدند و فقط اجساد را جمع‌آوری و به تریلی‌ها منتقل می‌کردند. در آن موقعیت جان انسان‌ها هیچ ارزشی برای مأمورین نداشت. در عرض ۳۰ تا ۴۵ دقیقه حدود چهار تا پنج هزار تن از بیش از ۲۰ کشور در آنجا جان باختند، که این تعداد جان‌باخته در این مدت کم در طول تاریخ بی‌سابقه است. عمق این فاجعه غیر قابل توصیف است. من خود در بین آنان بودم و باید یکی از جان‌باختگان می‌بودم ولی این خواست خدا نبود.

جان‌باختگان این واقعه جانگداز درحالی‌که احرام بسته بودند و از صحرای عرفات به مشعر الحرام و پس از آن برای رمی جمرات و زنده نگه‌داشتن سنت ابراهیمی به منا آمده بودند، جان خود را از دست دادند، آنان از مشعر به محشر رفتند و منا برای آنان به محشر (قیامت) تبدیل شد.

درفاجعه منا که در روز عید قربان رخ داد، حدود پنج هزار نفر از زائران خانه خدا جان خود را از دست دادند که از این تعداد ۴۶۵ نفر از حجاج ایرانی بودند. حاج عبدالکریم آخوند جاور در مکه برای اینجانب (نویسنده کتاب) و همچنین در یک جلسه عمومی نقل کرد: من بین جنازه‌ها مانده بودم وقتی چند جنازه را از روی من بلند کردند، احساس کردم زنده هستم، ولی نمی‌توانستم حرف بزنم. دوشتره سعودی آمدند و زنده و مرده را در کیسه‌هایی می‌گذاشتند. من را هم در کیسه گذاشتند و روی جنازه‌های دیگر انداختند. من که هیچ رمقی نداشتم، همه توانم را در دستانم جمع کردم و کیسه را با یک دست تکان دادم. خودم شنیدم که یکی از مأموران سعودی گفت: این زنده است. رفیقش گفت: اگر ایرانی هست ولش کن بمیرد. دیگری گفت سؤال کن اهل کجاست. زیپ کیسه را باز کرد و پرسید کجایی هستی، من جواب ندادم تا با توجه به قیافه من که شبیه افغانی‌ها هستم، فکر کنند افغانی هستم. همین طور هم شد. جواب که ندادم، گفتند این افغانی است. مرا از کیسه بیرون کشیدند و به چادر مغربی‌ها بردند. تا ۱۲ شب آنجا بودم. جان که گرفتم آدمم به کاروان. ایشان این مطلب را در چند جلسه در مکه تکرار کرد.

آفوند ابوبکر قومیلی (امام جمعه اهل سنت نکین شهر)^۱

سوء مدیریت و بی‌تفاوتی نسبت به امنیت حجاج عامل اصلی وقوع حادثه منا است و دولت عربستان باید پاسخگوی آن باشد.

من در هنگام سقوط جرثقیل و حادثه منا حضور داشتم و سوء مدیریت، عدم توجه به سلامت حجاج و عدم امداد رسانی به موقع به زخمی‌ها از مهم‌ترین علت‌های افزایش تعداد کشته‌ها در این حادثه است.

۱. چون این افراد در روزنامه‌ها و رسانه‌ها مصاحبه کرده‌اند اسم کامل آنها را آورده‌ام.

سرعت امدادرسانی بسیار پایین بود و حضور تعداد کمی نیروی امدادی آن هم پس از ۳ ساعت سبب افزایش تعداد کشته‌ها شد.

باید مجامع بین‌المللی و کنفرانس اسلامی برای مدیریت و امنیت حجاج تصمیمی بگیرند.

این حادثه کوچکی نبوده و امت اسلامی را داغدار کرده و باید علت اصلی آن مشخص شود و مردم از دولت انتظار دارند که با پیگیری لازم علت اصلی این حادثه را مشخص کنند.

دکتر سید علی مرعشی (رییس مرکز پزشکی حج و زیارت هلال امام جمهوری اسلامی ایران):^۱

دکتر سید علی مرعشی در گفت و گو با برنامه «من تهران» کانال العالم گفت: ما اگر نخواهیم بگوییم که نقشه‌ای در کار بوده است، حداقل می‌توانیم بگوییم که سوء مدیریت سعودی‌ها فاجعه منا را آفرید.

اولین روز رمی جمرات شلوغ‌ترین روز این مراسم عبادی است و سعودی‌ها در همان روز به حجاج ایرانی اجازه فقط ورود به خیابان ۲۰۴ را دادند و مسئله دیگر اینکه در انتهای خیابان ۲۰۴ خیابان ۲۳۳ وجود دارد که حجاج آفریقایی از خیابان ۲۳۳ تردد می‌کردند و جمعیتی که در خیابان‌های ۲۰۴ و ۲۳۳ تردد می‌کردند، بسیار زیاد بود و خیابان کم عرض ۲۳۳ کشش تردد آن همه تراکم جمعیتی را نداشت. مسئله دیگر اینکه متوسط عمر اکثر حجاج ایرانی بالا بود و گرما نیز طاقت فرسا بود و توانایی جسمی آنها کاهش یافته بود. ساعت ۴۵:۰۸ صبح روز ۱۰ ذی‌الحجه در مرکز پزشکی منا بودیم و همکاران ما از داخل خیابان ۲۰۴ اطلاع دادند که حادثه اتفاق افتاده است. هر ساله تیم پزشکی ما متشکل از تعدادی افراد باسابقه است و

۱. چون این افراد در روزنامه‌ها و رسانه‌ها مصاحبه کرده‌اند اسم کامل آنها را آورده‌ام.

امسال ۲۵ یا ۲۶ نفر از این افراد به همراه روحانی مرکز پزشکی حج در همان خیابان ۲۰۴ بودند که از همان محل بلافاصله تماس گرفتند و وقوع حادثه را گزارش دادند و اعلام کردند تعدادی از زائران جانشان در خطر است. خیلی از حجاج ایرانی، به علت جلوگیری سعودی‌ها از کمک‌رسانی امدادگران ایرانی جان باختند، درحالی‌که اگر سعودی‌ها مانع کمک‌رسانی امدادگران ایرانی نمی‌شدند بسیاری از حجاج از مرگ نجات پیدا می‌کردند.

ابتدا فکر نمی‌کردیم عمق حادثه اینقدر باشد. آمار اولیه‌ای که به ما دادند، حاکی از جان باختن و آسیب دیدن ۱۰۰ نفر بود ولی با گذشت زمان دیدیم که مسائل پیچیده‌تر و سنگین‌تر از این است. بلافاصله در بیمارستان ایران در منا و مکه آماده باش دادیم و گروهی امدادگر را به محل حادثه فرستادیم و آماری که به تدریج به دست آوردیم، نشان می‌داد که تعداد قربانیان بیشتر از رقم قبلی است و تقریباً اکثر نیروی پزشکی و امدادی خود در بیمارستان منا را به همراه آمبولانس به محل حادثه فرستادیم. ابتدا از ورود آمبولانس به محل حادثه جلوگیری می‌شد و حتی به نیروهای ما که روپوش هلال احمر داشتند، اجازه ورود به محل داده نشد. امدادگران ما در ساعات اولیه اجساد را با پلاکارد شناسایی و اسامی آنها را تلفنی به ما اعلام می‌کردند و در همان ساعات اولیه مشخص شد که ۷۰ نفر از حجاج ایرانی جان خود را از دست داده‌اند. امدادگران در گزارش‌های خود اعلام می‌کردند که اجساد روی هم افتاده است و تعدادی از حجاج در میان اجساد گیر کرده‌اند که برخی از آنها به علت گرمای بسیار زیاد بی‌هوش شده‌اند و متأسفانه نیروهای سعودی اجازه کمک‌رسانی را به امدادگران ما نمی‌دادند. به نظر می‌رسید که مدیریت صحیح جمعیت انبوه حجاج در نیروهای سعودی وجود ندارد. همه ۵ یا ۶ مسیر منتهی به محل رمی جمرات آن روز باز بود ولی نیروهای سعودی از ورود حجاج به راه‌های

دیگر جلوگیری می‌کردند و تمام جمعیت حجاج ایرانی را به سوی خیابان ۲۰۴ هدایت کردند در حالی که جمعیت بسیار اندکی در خیابانی دیگر به نام سوق العرب تردد می‌کرد و این امکان وجود داشت که حجاج را به این خیابان هدایت کنند و اتاق فرماندهی با کنترل دوربین‌ها می‌توانست فشار جمعیت را کاهش دهد و سعودی‌ها به جای اینکه انتهای خیابان ۲۰۴ را مسدود کنند، می‌توانستند ابتدای این خیابان را مسدود و از ورود جمعیت به این خیابان جلوگیری کنند. به نظر من اولین مورد کوتاهی سعودی‌ها در تأمین امنیت حجاج کوتاهی مسئولان اتاق فرماندهی در ابلاغ مسئله افزایش بسیار زیاد تراکم جمعیتی در خیابان‌های ۲۰۴ و ۲۳۳ است و اجازه نمی‌دادند جمعیت حجاج بیش از حد افزایش یابد و حجاج را به خیابان‌های مجاور هدایت می‌کردند. بالگردهایی هم که پیوسته پرواز می‌کردند، می‌توانستند کمک کنند که نکرند.

در شرایطی که فاصله ما به صحنه حادثه بیشتر از بیمارستان‌های منا بود نیروهای ما در یک زمان چهار پنج دقیقه‌ای در صحنه حاضر شدند؛ طبیعتاً برای سعودی‌ها حضور در صحنه خیلی راحت‌تر بود ولی زمانی بیش از یک ساعت طول کشید تا آمبولانس‌های شان وارد معرکه شدند.

نیروهای سعودی حاضر در محل فاجعه بودند، امدادگر نبودند بلکه سربازهای جوان بی تجربه و فاقد تجربه در مدیریت بحران بودند، آنها در ساعات اولیه هیچ عکس‌العملی نداشتند، حتی به امدادگران ایرانی اجازه دخالت نمی‌دادند و نیروهای امدادی را نیز بازداشت کردند و مسئولان سازمان حج و زیارت ایران نیز در محل فاجعه حضور داشتند که نیروهای سعودی آن عزیزان را هم بازداشت کردند. نیروهای سعودی اجازه مداخله درمانی نمی‌دادند. خیلی از حجاج ایرانی، به علت جلوگیری سعودی‌ها از دخالت درمانی امدادگران ایرانی جان باختند، این حجاج در

صورت کمک‌رسانی به موقع می‌توانستند نجات پیدا کنند. درصد بالای جان باختگان در مقایسه با درصد اندک مصدومان فاجعه منا نشان می‌دهد که نیروهای سعودی اقدام لازم برای نجات مصدومین انجام نداده‌اند و مصدومین جان خود را از دست داده‌اند.

متأسفانه منا ۴ یا ۵ بیمارستان با هر کدام ۹۵ یا ۹۶ تخت دارد که مجموعاً و در حالت عادی فقط ۴۰۰ تخت در منا برای بستری کردن بیماران و مصدومین وجود دارد.

مسئله دیگر اینکه کادر مجرب درمان و مقابله با بحران در بیمارستان‌های منا وجود نداشت و این بیمارستان‌ها فاقد امکان درمانی مناسب بود. بعد از جان‌باختن حجاج هم متأسفانه عربستان سعودی مدیریت صحیحی در مورد اجساد نداشت. علت بالا بودن تلفات حجاج ایرانی هم این است که: به امدادگران ایرانی اجازه دخالت نمی‌دادند و نیروهای امدادی را نیز بازداشت کردند و مسئولان سازمان حج و زیارت ایران نیز در محل فاجعه حضور داشتند که نیروهای سعودی آن عزیزان را هم بازداشت کردند. تقریباً آخرین اجساد که از صحنه حادثه تخلیه شدند ساعت یک بامداد روز جمعه بود و اجساد ساعت‌ها در آن خیابان و در آن هوای گرم روی هم انباشته شده بود. خود این زمان زیاد باعث شد که فساد این اجساد سریع‌تر صورت پذیرد؛ ضمن اینکه تعداد کشته شدگان حادثه بیش از گنجایش سردخانه‌های استاندارد مکه، جده و طائف بود. به همین دلیل قسمتی از اجساد در کانتینرهای یخچال‌داری نگهداری می‌شد که متأسفانه شرایط مناسبی را برای نگهداری اجساد نداشت.

در این فاصله‌ای که حادثه رخ داد، اگر عربستان همکاری لازم را با کشورها برای شناسایی اجسادشان می‌کرد - قبل از اینکه زمان زیادی بگذرد و به فساد

اجساد نزدیک شویم - خیلی راحت تر کشورهای مختلف می توانستند اجساد شان را بشناسند و هر کدام که تمایل به دفن اجساد در مکه داشتند [این کار صورت می گرفت] و کشوری مثل ما هم که خانواده ها بیشتر تمایل دارند اجساد عزیزان شان به کشور برگردد خیلی راحت در زمان کوتاه تری می توانستیم اجساد را منتقل کنیم.

درباره محل نگهداری اجساد، مکه مکرمه سردخانه ای به نام معیصم با ۹۲۰ کشوی سردخانه ای استاندارد برای نگهداری اجساد دارد. اما آنها برای نگهداری اجساد از سالن های تشریح این سردخانه هم استفاده کردند. درجه حرارت این سالن ها زیر صفر نبود. جنازه ها را به سردخانه طائف و جده هم منتقل کرده بودند. گنجایش سردخانه جده هم ۳۰۰ جسد بود که آنجا هم پر شده بود و به ناچار از کانتینرها استفاده کرده بودند و لذا زمان شناسایی طول کشید. درجه خود این کانتینرها زیر صفر نبود و حجم زیادی از اجساد هم داخل این کانتینرها بود. اطلاع پیدا کردن نسبت به اینکه چه تعداد از اجساد داخل این کانتینرها هست مشکل بود، چون اجازه شناسایی اجساد داخل کانتینر داده نمی شد و به همین دلیل رقم صحیحی نمی شد مطرح کرد؛ اما در اینکه این کانتینرها مخصوص نگهداری جسد و مطابق شرایط استاندارد نبود، شکی نیست. من کانتینرها را از نزدیک مشاهده کرده ام، هر وقت که شرایط نگهداری جسد ایده آل نباشد این اتفاق می افتد و این کانتینرها هم شرایط استاندارد نگهداری اجساد را نداشت.

بنا به اظهار وزارت بهداشت عربستان از اجساد نمونه های بافتی (دی، ان، ای) لازم گرفته شده و پروفایل ژنتیک اجساد تعیین شده است. لازم است که از خانواده های جان باختگان هم نمونه برداری شود و بعد پروفایل خانواده ها با آن پروفایل سعودی مطابقت داده و اجساد شناسایی شوند.

۲. نظر بعضی از حجاج غیر ایرانی در مورد فاجعه منا

عده‌ای از دوستان ما که به نوعی خبرنگاران بدون مرز بودند، در روزهای اول فاجعه، نظر تعداد قابل توجهی از حجاج خارجی را سؤال کرده‌اند. من موارد پاسخ‌های تکراری را نیاوردم. در مورد مشخصات، به دلیل اینکه اجازه انتشار نام آنان را نگرفته‌ام، فقط به ملیت و جنسیت و میزان تحصیل این افراد بسنده می‌کنم. مدارک صحبت و نام افراد موجود است. بدیهی است یکی از علل درخواست عدم درج نام حجاج ایرانی و بعضی از غیر ایرانی ترس آنها از اقدامات سوء عربستان علیه آنها و احتمالاً عدم اجازه شرکت آنها در مراسم حج سال‌های آینده است. چراکه حتی در خود عربستان و در موسم حج، هرگونه اظهار نظری در مخالفت با عربستان منتهی به زندان و یا حد اقل بازداشت خواهد بود.

کشور عربستان

حسن العمری

حسن العمری، نویسنده و پژوهشگر عربستانی در یادداشتی با عنوان «بدرفتاری آل سعود با میهمانان حرم امن الهی» که در رسانه‌های مختلف منتشر شد نوشت: توجیهات و فرافکنی مقامات سعودی درباره حوادث ناگوار سال جاری در مکه مکرمه چیزی از بزرگی گناه و سنگینی مسئولیت آنها کم نخواهد کرد. متن این یادداشت در پی می‌آید:

سوء مدیریت و قصور مقامات سعودی در بروز حوادث متعدد در موسم حج امسال که جان و امنیت میهمانان حرم امن الهی را هدف گرفته نشانه بی‌مبالاتی و بی‌مسئولیتی و نبود دولتی کارآمد در عربستان است که از پذیرش مسئولیت شانه خالی کرده و وقوع طوفان یا بی‌نظمی حجاج از دنیا رفته را در هر فاجعه‌ای مقصر می‌دانند.

از آنجایی که بیش تر عوامل و مسئولان فجایع اخیر در مکه به طور مستقیم یا غیر مستقیم از شاهزاده‌های خاندان حاکم بر عربستان هستند، پذیرش مسئولیت از سوی رژیم آل سعود به زیان آن تمام می‌شود.

در حالی که تنها ۲ هفته از آغاز موسم حج امسال گذشته است وقوع بلایای سنگین بر سر زائران بیت الله الحرام جهانیان را مبهوت کرده است.

در اولین فاجعه یکی از بالابرهایی که در اجرای طرح‌های عمرانی توسعه مسجدالحرام به‌کارگرفته شده بود، در نزدیکی مقام ابراهیم بر سر زائران سقوط کرده و جان یکصد و هفت تن را گرفته و ۲۴۰ تن دیگر را زخمی کرد.

به دنبال آتش‌سوزی‌های متعدد در هتل‌های مکه، از جمله هتل هیلتون در منطقه العزیزیه، یک هزار و ۵۰۰ حاجی از آنجا تخلیه و ده‌ها تن از حاجیان زخمی شدند.

اما دلخراش‌ترین جنایت امسال آل سعود علیه حجاج در مکه اتفاق افتاد که در جریان آن به دلیل عبور کاروان «محمد بن سلمان» وزیر دفاع و جانشین ولیعهد عربستان، ۲ مسیر از سه مسیری که برای حرکت حجاج به سمت رمی جمرات آماده شده بود، مسدود شد تا فاجعه بزرگی را رقم بزند که در جریان آن یک هزار و ۳۰۰ تن از حاجیان از اتباع مختلف جهان کشته و ۲ هزار تن دیگر زخمی شده و هنوز شمار زیادی هم مفقود هستند.

حادثه آتش‌سوزی در چادرهای حجاج مصری در منا و همچنین در خیابانی که صدها تن از حجاج جان خود را از دست دادند و قبل از آن تاخیر در رسیدن قطار منا و کشته شدن ده‌ها تن از حاجیان مصدوم از جمله حوادث دیگر منا بود که رسانه‌های سعودی آن را سانسور کردند.

از سوی دیگر در کمال تعجب، شاهد بودیم که چگونه برخی مزدوران آل سعود همچون ترکیه و بحرین که دستانشان به خون مردم بی‌گناه امت اسلامی آلوده است،

آنچه را برگزاری موفق مراسم حج امسال خوانده شد به مقامات سعودی تبریک گفتند، درحالی که این تعریف و تمجیدها حتی در داخل عربستان و از سوی جامعه شهروندی این کشور هم خریداری ندارد، چه برسد به افکار عمومی در جهان اسلام که آتش خشم آنها از بی تدبیری مقامات سعودی فروکش نکرده است.

این در حالی است که «منصور ترکی» سخنگوی امنیتی وزارت کشور عربستان هم ازدحام جمعیت و حرکت خلاف جهت برخی حجاج را بهانه‌ای برای فاجعه منا دانسته و شاه سلمان هم به این جمله اکتفا کرد که: «به شما و خودم حادثه منا را تسلیت می‌گویم».

ولیعهد عربستان هم دستور تشکیل کمیته تحقیقی برای ساکت کردن صدای خشمگین مسلمانان جهان علیه سوء مدیریت آل سعود در امور حج و حرمین شریفین می‌دهد.

حادثه منا بدترین فاجعه موسم حج طی ۲۵ سال اخیر بوده است، در سال ۱۹۸۷م مصادف با ۹ مرداد ۱۳۶۶ش هنگامی حجاج ایرانی شعار برائت از مشرکین را سر دادند با هجوم مسلحانه نیروهای امنیتی عربستانی مواجه شدند.

در این حادثه ۴۰۲ نفر از جمله ۲۷۵ ایرانی کشته و ۶۴۹ نفر از جمله ۳۰۳ ایرانی زخمی شدند، گرچه عربستان ادعا کرده بود که خشونت از سوی کاروان حجاج ایرانی آغاز شده اما شمار بالای زنان ایرانی در میان قربانیان نشان می‌دهد که نیروهای امنیتی عربستان به راحتی به سوی حجاج بی دفاع آتش گشوده است.

در سال ۱۹۹۰م (۱۳۶۹ش) دست کم ۱۴۲۶ حاجی در یکی از پر تلفات‌ترین حوادث مشابه در پی ازدحام در تونل منتهی به محل رمی جمرات کشته شدند.

در سال ۱۹۹۴م (۱۳۷۳ش) در پی ازدحام جمعیت برای رمی جمرات ۲۷۰ نفر

کشته شدند.

سال ۱۹۹۷م (۱۳۷۴ش) در پی آتش‌سوزی در خیمه‌های نصب شده برای حجاج در سرزمین منا ۳۴۳ حاجی کشته و ۱۵۰۰ نفر مجروح شدند.

سال ۱۹۹۸م (۱۳۷۵ش) دست کم ۱۱۸ نفر بر اثر ازدحام جمعیت کشته شدند. در سال ۲۰۰۱م (۱۳۷۸ش) باز هم به دلیل ازدحام جمعیت عربستان مرگ ۳۵ نفر از حجاج را تأیید کرده بود.

در سال ۲۰۰۴م (۱۳۸۱ش) دست کم ۲۵۱ نفر به دلیل ازدحام جمعیت کشته شدند.

سال ۲۰۰۶م (۱۳۸۳ش) ۳۴۵ نفر در مراسم رمی جمرات (سنگ زدن به نماد شیطان) کشته شدند.

امروز پس از سه دهه حوادث دردناکی که در ایام حج در عربستان برای زائران خانه خدا روی داده است، دولت‌های اسلامی و علمای امت اسلام نباید به سادگی از کنار جنایات آل سعود بگذرند و تا شناسایی و مجازات عوامل حوادث امسال در مسجدالحرام و منا دست از سر عربستان برندارند.

نویسنده عربستانی افزود: اکنون که ناتوانی مقامات ارشد سعودی در اداره مناسک حج و امور حرمین شریفین ثابت شده، کشورهای اسلامی باید به فکر در دست گرفتن مدیریت موسم حج باشند.

العمری در پایان مقاله خود خاطر نشان کرد: ما نمی‌دانیم و هابیون آل سعود چرا این گونه نیت سویی نسبت به دیگر طوائف مسلمانان نشان می‌دهند، سیاست‌های طایفه‌گرایی آنها در منطقه و حوادث مکه مکرمه بهترین شاهد کینه‌توزی رژیم آل سعود نسبت به مسلمانان منطقه است و اینک ما نگرانیم مبدا همچنان شاهد حوادث دردناکی در حج باشیم.

بروز حادثه دلخراش منا در کنار حوادث دیگر در سال جاری نظیر: تأخیر قطار و

بستن طولانی مدت درب‌های قطار و خفگی زائرین علی‌رغم التماس زائرین برای بازکردن درب‌های قطار، سقوط جرثقیل به داخل مسجدالحرام (که به دلایل متعدد شائبه عمدی بودن را تقویت می‌کند) آتش گرفتن هتل، آتش گرفتن چادرهای زائران مصری در منا، حج سال جاری را به عنوان یکی از پرحادثه‌ترین مراسم‌های حج معرفی و همین مسئله، سبب گسترش شایعات و بهره‌برداری شیاطین، فتنه‌جویان، مخالفین، فرصت‌طلبان و برخی تندروهای سیاسی داخلی و... شده و با ارائه تصویری مخدوش و بسیار خشن و متحجر از دین حنیف اسلام عزیز، به تفرقه میان مذاهب مختلف جهان اسلام دامن زده و زمینه‌های بروز جنگ‌های داخلی اسلام را فراهم می‌کنند.

در مورد علل واقعی حوادث خونین حج سال جاری، بر اساس قرائن و شواهد و برخی مستندات موجود، گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد، که برخی از مهم‌ترین آنها از این قرار است:

۱. یکی از جدی‌ترین گمانه‌زنی‌ها درباره حوادث مکه و منا، به فرزند سلمان پادشاه عربستان برمی‌گردد و گزارش‌هایی درباره دست داشتن محمدبن سلمان در وقایع مکه، با هدف حذف محمد بن نایف ولیعهد و جانشین فعلی شاه سعودی منتشر شده و در همین رابطه یادداشت عبدالله المقرن مدیر مرکز ملی آموزش الکترونیک و مشاور وزیر آموزش عالی سعودی، در پایگاه اینترنتی «شئون خلیجیه» قابل توجه و تأمل برانگیز است که حوادث اخیر را بی‌ارتباط با جنگ قدرت در درون خاندان سعودی نمی‌داند.

۲. یکی دیگر از حدس‌های قوی درباره علت اصلی حادثه به جنگ یمن باز می‌گردد. معتقدین این فرضیه نیز با استناد به برخی قرائن و شواهد این حوادث را عملیات ایذایی برای فریب افکار عمومی و انحراف از موضوع کشتار مردم مظلوم و

بی دفاع یمن (غایبان حج امسال) دانسته و بر این باورند که محمد بن سلمان (جانشین جاه طلب ولیعهد و وزیر جنگ حکومت سعودی) به منظور خروج از زیر بار فشار افکار عمومی و مطالبه سران کشورهای اسلامی درباره جنگ یمن، به این اقدام رذیلانه دست زده است.

۳. برخی نیز حوادث شهر مکه را که از نظر کمیت و کیفیت، غیر قابل مقایسه با حوادث سال‌های پیشین است، نوعی انتقام‌گیری حاکمان مکه (به عنوان حامیان اصلی داعش و سایر تروریست‌های تکفیری) از ایران به خاطر شکست‌های پی‌پی در سوریه و عراق و تضعیف موقعیت جبهه وهابیت در دنیای اسلام دانسته و اقدامات لجوجانه عوامل اجرایی سعودی در باز نکردن درب‌های قطار و فنس‌های راه‌های مسیر جمرات و برخوردهای غیر انسانی و غیر اخلاقی با مجروحان ایرانی و عدم تخلیه ۲۱ تریلر حامل اجساد قربانیان حادثه (بعد از چند روز و در هوای بسیار گرم عربستان) و... را به عنوان شواهد و قرائن انتقام‌گیری سعودی‌ها ارائه می‌کنند.

اگر چه با توجه به عدم همکاری حکام سعودی برای کشف حقیقت، هنوز برای تحلیل جامع وقایع هولناک مکه و منا زود است لیکن علل اصلی و فرعی این گونه حوادث هر چه باشد، پیگیری موارد زیر از ضروریات و مسلمات حج امسال است:

۱. تشکیل کمیته حقیقت‌یاب مشکل‌از نمایندگان کشورهای آسیب‌دیده و

برخی دیگر از کشورها به انتخاب و با مدیریت سازمان کنفرانس اسلامی.

۲. برخورد و مطالبه جدی و قاطعانه از حکومت سعودی و سازمان کنفرانس

اسلامی و سایر مراجع حقوقی و اجرایی و... منطقه‌ای و بین‌المللی.

۳. مطالبه جدی دستگاه‌های قضایی نسبت به احقاق حقوق مادی، معنوی، فردی

و اجتماعی حجاج و تنبیه کامل خاطیان و...

۴. فراخوان اسلامی و بین‌المللی به ویژه اهل سنت برای کوتاه کردن دست

وهابیون غیر مسلمان ساخته و پرداخته دست انگلستان از بلاد اسلامی.

۵. برگزاری و تشکیل یک مجمع مؤثر از کشورهای اسلامی برای بررسی و پیشنهاد نحوه اداره حج و عمره، با همکاری تمامی کشورهای اسلامی با استفاده از نقاط قوت تجربه ایجاد سازمان ملل متحد و واتیکان. به این ترتیب علاوه بر پیگیری هدف اصلی یاد شده، از تسلط وهابیون سلفی بر سازمان کنفرانس اسلامی نیز کاسته شده و یا به کلی از بین خواهد رفت.

بدیهی است شناخت ظرفیت‌های موجود در صحنه برگزاری حج و عمره و تدبیرهای ما در کنگره و همایش عظیم بین‌الملل اسلامی می‌تواند علاوه بر کوتاه کردن دست حکام مزدور و تکفیری وهابی از حرمین شریفین و قبله‌گاه مسلمین جهان، زمینه را برای تجلی و نور افشانی خورشید عالم تاب اسلامی بر سراسر جهان بشریت آماده کند.

آقای لیسانس:

حادثه منا واقعاً حادثه تأسف برانگیز و دردناکی بود که سهل‌انگاری، ضعف مدیریت و برنامه‌ریزی سعودی‌ها، عامل اصلی این حادثه بود. این حادثه و حوادث مشابه معمولاً تحت تسلط و کنترل مضاعف رسانه‌ها قرار دارد و نمی‌توان هم به عوامل به وجود آورنده این حوادث که آنها ادعا می‌کنند و هم به آماري که می‌دهند اعتماد کرد. عربستان سعودی هم با دروغ‌بافی و تحریف از او انتقاد نکنند

کشور مصر

آقای دکتر (پزشک)

من در این چند روز که در منا بودم و این قضایا را مشاهده کردم بسیار غمگین شدم. از مصر تعداد کمی کشته شده‌اند اما از کشورهای اسلامی بسیار کشته دادند

که طبق اعلام ۷۰۰ تا هشتصد نفر است.

مقصر اصلی در این قضیه خود عربستان است، چون تمام راه‌ها را بستند و یک راه را باز گذاشته بودند و امکانات نجات هم وجود نداشت. تعداد کشته‌ها به ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفر می‌رسد مقصر اصلی عربستان است که امکانات را فراهم نکرده و راه‌های منتهی به جمرات را بسته بوده است. برای اداره حج باید کشورهای اسلامی برگزاری مراسم را بر عهده بگیرند.

آقای دکتر (پزشک):

عربستان سعودی راه را بر مردم در منا بست و این کشتار صورت گرفت. من در نزدیکی این واقعه بودم و خیمه‌های ما در همان نزدیکی بود. حدود ۲۰۰ نفر از مردم ما کشته شدند، که اکثراً به علت نرسیدن امداد بوده است. باید این مراسم بزرگ را کشورهای اسلامی بر عهده بگیرند. اصلاً این وهابی‌ها سبب تفرقه بین مسلمانان هستند. سعودی برگزاری این مراسم را باید بر عهده کشورهای مسلمان بگذارد.

آقای دکتر:

حج فرصت وحدت و مودت امت اسلامی است ولی فاجعه مکه و منا کام‌ها را تلخ کرد. ما مصری‌ها نیز تلفات زیادی داشتیم و ضعف میزبان و عدم کمک گرفتن از دیگران بر عمق فاجعه افزود. هر چند تقدیر الهی را هم نباید نادیده گرفت.

آقای دکتر:

سعودی‌ها خیلی خشن و بدرفتارند. در منا روی جنازه‌ها و زنده‌ها راه می‌رفتند و برخی زنده زیردست و پا مردند. سعودی‌ها بی‌عاطفه‌اند، با فاجعه منا و مکه، اسلام

و مسلمین را زیر سؤال بردند.

مسلمانان باید متحد شوند و راه‌حل همه مشکلات، از جمله مشکلات حج، تقریب و وحدت مسلمانان با یکدیگر است.

آقای فوق لیسانس:

فاجعه منا و کشته و زخمی و مفقود شدن هزاران نفر مصری و ایرانی و نیجریه‌ای و پاکستانی و غیره بسیار جانسوز و دلخراش بود. سعودی‌ها قادر به مدیریت بحران نبودند و حجم زیادی از تلفات ناشی از بی‌تدبیری بود.

آقای فوق لیسانس:

سعودی‌ها خیلی خشن و بدرفتارند و در منا در کنار کشته‌ها با هم تفریح می‌کردند و روی جنازه‌ها و زنده‌ها راه می‌رفتند. سعودی‌ها زنده و مرده حج‌اج را مثل اشیاء با هم به حاشیه خیابان می‌انداختند و برخی زنده زیر دست و پا مردند.

آقای فوق لیسانس:

ازدحام پیش آمده در منا ناشی از ضعف مدیریت عوامل سعودی است و معتقدم عربستان باید برنامه‌ریزی دقیق‌تری نسبت به این مکان‌ها و زمان‌های پرازدحام داشته باشد که این‌گونه منجر به از دست رفتن و آسیب دیدن کشورهای مختلف نشود.

خانم لیسانس:

عربستان با این دو اتفاقی که در حج امسال افتاد، بی‌لیاقتی خود را ثابت کرد. آتش گرفتن چادر مصری‌ها در منا شایعه است.

سعودی‌های اطلاعی از مرگ زائران به مردم ندادند. خانواده‌هایمان نگران حالمان

بودند و مرتب زنگ می‌زدند. عربستان مسئول جان حاجیان و اتفاقات اخیر است. سعودی‌ها در مدینه و مکه رفتار ناپسندی با زائران داشتند. عربستان نباید هیچ ادعایی در مورد مرکزیت اسلام داشته باشد.

خانم لیسانس:

سعودی به زائران به خوبی سرویس‌دهی نمی‌کند. من در روز واقعه منا داخل چادر بودم زیرا شب قبل رمی جمره را انجام دادم.

خانم لیسانس:

برای وهابی‌ها جان مردم بی‌ارزش است که بدین‌گونه آنها را به قتل می‌رسانند. کشتار مردم در منا فاجعه دلخراشی بود. آنها درب‌ها را به روی مردم بستند و مردم از دو طرف هجوم آوردند. من از معرکه گریخته و ساعت‌ها قبل از حادثه اعمال را انجام داده بودم. قطعاً عربستان می‌توانست تدبیری اتخاذ کند که مانع وقوع حادثه شود. عربستان مردم را ترسانده است. اینجا خفقان حاکم است و هیچ کس نمی‌تواند حرفی بزند. اصلاً نمی‌توانم تصور کنم که بازماندگان مقتولین با دلی شکسته و غمناک به استقبال عزیزانشان بیاند. همه صداها در سینه حبس است و کسی فریاد نمی‌زند. تعداد زیادی از مصری‌ها کشته شدند. حدود هفتاد نفر. سقوط جرتقیل در مسجدالحرام هم بی‌دلیل نبوده است. این حج خونین و متأثرکننده بود.

آقای لیسانس:

امسال بدترین سال حج از نظر وقوع وقایع ناگوار است. نمی‌توان این‌گونه تلف شدن انسان‌ها را به حساب تقدیر گذاشت. مگر خدا العیاذ بالله با مردم دشمنی دارد که چنین سرنوشتی را برایشان رقم می‌زند. خداوند انسان را خلق کرده و به او عقل

داده تا از عقلش خوب استفاده بکند. عقل انسان حکم می‌کند که باید به نیروها آموزش صحیح داده شود تا درصد خطا پایین بیاید. حتماً یک جای کار مدیریت حجاج عیب دارد که این وقایع رخ می‌دهد. هم واقعه جرتقیل و هم واقعه منا، اگر پیش‌بینی درستی در انجام کار می‌شد می‌توانست اتفاق نیفتد.

آقای لیسانس:

آنچه در حج اتفاق افتاد حاکی از ناتوانی و بی‌برنامگی و ضعف بود و دشمنان اسلام را خوشحال کرد.

متأسفانه سعودی‌ها فرصت زیبای عبادت در حج را به ماتم و مصیبت تبدیل کردند. حجاج در فاجعه منا خیلی صدمه دیدند. عربستان در فاجعه منا خوب عمل نکرد و تعداد زیادی کشته شدند. سعودی‌ها در امدادسانی به حجاج آسیب دیده در منا بسیار دیر کمک کردند و بسیاری تا رسیدن آنها جان باختند.

شنیده‌ام سربازان سعودی با پوتین روی زنده‌ها و مرده‌ها راه می‌رفتند. اگر از کشورهای باتجربه و منظم و قوی مثل ایران کمک می‌گرفتند مشکلات و تلفات کمتر بود.

آقای لیسانس:

تعداد کشته شدگان حادثه منا در آغاز ۷۰۰ نفر اعلام شد ولی امروز آمار تکان دهنده ۴۱۰۰ نفر، بسیار تأثرآور است و به ویژه که تعداد مصری‌های کشته شده حدود ۲۰۰ نفر اعلام گردیده است، این آمار بسیار ناراحت‌کننده است و تعجب می‌کنم که چرا سعودی‌ها از اول تعداد را کم اعلام کرده بودند. البته در مورد برخورد حاجیانی که در جهت مقابل حرکت می‌کردند مسائلی شنیده بودم ولی علت اصلی و دیر آمدن نیروهای امدادی برای رساندن به بیمارستان همچنان برای من

روشن نیست. عربستان با امکاناتی که در اختیار دارد می‌توانست از این فاجعه جلوگیری کند ولی متأسفانه اقدامات لازم را در این زمینه برای نجات جان مردم انجام نداد، در هر صورت قضا و قدر الهی باعث می‌شد که اینها به بهشت بروند اما ما ناراحت از دست دادن این عزیزان هستیم.

آقای لیسانس:

سعودی‌ها اصلاً توانایی برگزاری اعمال حج را ندارد و باید کشورهای اسلامی اداره حج را بر عهده بگیرند. یقیناً کشور عربستان در قضیه منا مقصر هست و انداختن این قضیه بر عهده دیگران کار اشتباهی است. چون آنها راه را بسته بودند و ورود حجاج به جلو را مانع شدند، می‌گویند تعداد کشته‌ها به ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفر رسیده است.

عربستان توان برگزاری حج را ندارد، راه را بسته بودند موجب کشته شدن حجاج شدند. کشورهای اسلامی باید اداره حج را بر عهده بگیرند.

آقای لیسانس:

این فاجعه به علت بستن راه و گرمای شدید و نبود آب بود. اصلاً سعودی‌ها نمی‌توانند حرمین را اداره کنند. باید کشورهای اسلامی اداره حج را بر عهده بگیرند.

آقای لیسانس:

سعودی‌ها در حادثه منا مقصر هستند، چرا که تمام راه‌ها را در سرزمین منا مسدود کرده بودند و با کمال تأسف این فاجعه رخ داد. برنامه‌ریزی و هدایت مردم در این ایام حساس، مسئولیت دولت سعودی را افزایش می‌دهد و از خود سلب مسئولیت کردن، موضوعیت ندارد.

آقای لیسانس:

عدم برنامه‌ریزی و سوء مدیریت کارگزاران سعودی عامل وقوع حادثه منا بود. من خود در محل حادثه بودم و نجات پیدا کردم. حدود دو ساعت من و سایر جمعیت ایستاده بودیم.

آقای لیسانس:

عده‌ای از آنهایی که به مسجد نمر در روز عرفه رفته بودند یکی از آن اشخاص دوست ما بود؛ درب را به روی آنها بستند در یک فضای کم، همه در حال خفه شدن بودند. این عربستانی‌ها عقل ندارند، تدبیر و برنامه‌ریزی نمی‌کنند، شما نگاه کنید همه پلیس‌ها مشغول موبایل بازی هستند. کجای دنیا این جور است چرا این جور کار خودشان را توجیه می‌کنند. دنیای اسلام از این موضوع رنج می‌برد، تقصیر را بر گردن دیگران می‌اندازند.

آقای فوق دیپلم:

این نشانگر عدم لیاقت مدیریتی عربستان در موسم حج است. هر ساله در مسجد نمر در عرفات خطبه‌ای خوانده می‌شود که امسال هم خوانده شد، ولی درب را بر روی مردم بستند و عده‌ای خفه شدند. دولت شما (ایران) به عربستان وابسته نیست و این جور خبرها را پخش می‌کند ولی ما که قدرت نداریم، نمی‌توانیم این چنین موضوعاتی را منعکس کنیم. من خیلی دوست داشتم این خبر به شبکه‌های ایران می‌رسید. اهل سنت ایران در این مسجد نیز حضور داشتند و عده‌ای خفه شدند.

آقای دیپلم:

به ما گفتند که آفریقایی‌ها هجوم آوردند و یا در گزارش‌های دیگر گفتند دو کاروان ایرانی به سمت خلاف مردم در حال حرکت بودند این اتفاق افتاد.

مگر شما خبر دیگری دارید؟ چطور آیا عمدی بود؟ الله اکبر خدا آمریکا را لعنت کند. انشاءالله یک روز بیاید و ببینیم که دست آمریکا از کشورهای اسلامی کوتاه شده باشد.

آقا:

ما در منا شاهد کشتار زائران مصری بودیم. سعودی‌ها با مردم گرفتار شده در گرما و فشار جمعیت، همکاری نکردند. از حجاج مصری هم تعداد زیادی، مفقودند، جنازه‌های آنان هم چنان شناسایی نشده‌اند. کمک رسانی به مجروحان حادثه بسیار با تأخیر انجام می‌شد.

آقا:

پلیس در این قضیه مقصر بود، اما تعمدی نداشت. تقصیر پلیس این بود که به درستی جمعیت را هدایت نکرد و اجازه داد گروهی خلاف جهت برگردند. اما پلیس هیچ راه‌بندانی نکرده بود. مشکلشان هم این است که نیروهای زبده‌شان را برای جنگیدن به یمن فرستاده‌اند و تعدادی جوان بی‌تجربه را به عنوان هدایت‌کننده مسیر گماشته‌اند.

کشورسودان

آقای فوق لیسانس:

اسرائیل برای ناامنی منطقه توطئه می‌کند و شاید مشکلات منا و مکه نیز زیر سر اسرائیل برای به هم ریختن منطقه و کشورهای اسلامی باشد البته میزبان هم کوتاهی‌هایی داشت.

آقای لیسانس:

خدا خیلی رحم کرد. من در منا، نزدیک دری که بسته شد، بودم. دیدم که کاروان تشریفاتی از آنجا عبور کرد. عده‌ای می‌گویند مسیری جداگانه دارد ولی این دروغ است. من خودم دیدم که از آنجا عبور کردند. دوست فرانسوی‌ام هم تعریف می‌کرد، اگر به مردم آب می‌دادند و یا حداقل آبپاش‌های آن خیابان را باز می‌کردند، مردم نمی‌مردند. حادثه منا، واقعاً سوء مدیریت و فاجعه‌ای انسانی بود. اگر در باز نمی‌شد من هم مرده بودم. وقتی مردم از آنها آب می‌خواستند، در حالی که آب کنار در بسته شده وجود داشت، می‌گفتند که آب مال مردم است، مال ما نیست تا به شما بدهیم. به او گفتم اگر مردم مردند خونشان پای شماست. به من می‌خندید و می‌گفت مأمورم و معذور. اینکه سعودی‌ها می‌گویند: ایرانی‌ها برعکس مسیر حرکت می‌کردند نیز واقعاً دروغ است چرا که در این مسیر اصلاً نمی‌شد کسی برگردد. می‌گویند آفریقایی‌ها هجوم آورده و مسبب حادثه بودند. این حرف هم خنددار است. دیواری کوتاه‌تر از آفریقایی‌ها پیدا نکردند. این حرف‌ها باور کردنی نیست. معتقدم در فاجعه منا عمدی در کار بوده است.

آقای لیسانس:

من خودم در صحرای منا شاهد فروریختن حجاج روی زمین بودم، بسیار تأثر آور و نگران‌کننده بود.

تشنگی، فشار، تنگی نفس و نبود کمک‌های مسئولان سعودی در ساعت‌های اولیه مشهود بود. راه‌های باریک مانند یک تنگه و این همه زائر، کشش لازم را نداشت که در نتیجه زائران کشته شدند. هر مشکلی راه‌حل مخصوص به خود دارد. خرد جمعی می‌تواند راه‌حل مناسبی برای آن پیدا کند.

آقای لیسانس:

آنها ظالمانه راه‌ها را بر روی مردم بستند. ای کاش فقط راه‌ها را می‌بستند اما با دستوراتشان باعث شدند، مردم بر گردند و این موج ایجاد شد. اگر آب به مردم می‌دادند کسی از تشنگی نمی‌مرد. آنها حداقل آپاش‌های آن خیابان را به کار می‌انداختند کسی از تشنگی نمی‌مرد. اکثر مردم از تشنگی مردند. اکثر مردم از خفگی مردند. آنها در روز قیامت باید جوابگوی این خون‌ها باشند. اگر حداقل قبول می‌کردند مقصر هستند، بهتر بود. قضیه جرثقیل هم همین‌طور است. چطور شما جرثقیل ۷۰ متری خود را رها کرده، مهار نکرده بودید. این همه طوفان در مکه می‌آید. مگر برای اولین بار بود که این جور باد و باران در مکه آمده است. اگر نگوییم عمدی در کار بوده، بدون شک تقصیر و کوتاهی از جانب آنها بوده است. آنها برای جان انسان‌ها ارزش قائل نیستند. سعودی‌ها وجدان ندارند که جواب وجدان خود را بدهند. به خدا اعتقاد ندارند و گرنه از خدا در مقابل این خون‌هایی که در حرم امن الهی می‌ریزند، می‌ترسیدند.

آقای لیسانس:

رفتار سعودی‌ها خیلی مطلوب نیست سعودی‌ها تند، خشن و طلبکارانه با حجاج رفتار می‌کنند و شاید فاجعه منا هم مقداری متأثر از غرور، خودمحوری و تکبر آنها باشد که در نتیجه، با جلوگیری از کمک و امدادسانی دیگر کشورها، عمق فاجعه افزایش پیدا کرد.

آقای دیپلم:

گویی که ارزش جان مسلمانان از انسان‌های اروپایی کمتر است. اگر این اتفاق در اروپا رخ می‌داد تمام رسانه‌ها برای مدت زیادی به تجزیه و تحلیل آن

می پرداختند و مقصرین حادثه را به دادگاه می کشاندند. در بعضی کشورها در صورت وقوع چنین حادثه‌ای مردم چند تن از وزرا و مسئولین مملکتی را وادار به استعفا می کنند.

در این کشور یک خاندان به شدت به کرسی‌های حکومتی چسبیده‌اند و به هیچ وجه حاضر به کنار رفتن نیستند. البته در تمام کشورهای اسلامی وضع همین است متأسفانه ما مسلمان‌ها حکام درست و لایقی نداریم. اگر مسئولین عربستان افراد و امکانات بیشتری برای جلوگیری از این قضایا پیش‌بینی می کردند به احتمال زیاد این وقایع رخ نمی داد. من هم با ربط دادن این وقایع به مشیت الهی مخالفم.

چه معنا دارد هر کار خطایی که از ما سر بزند آن را به مشیت و تقدیر الهی نسبت دهیم. درست است که هر کس در این سفر الهی کشته شود شهید است ولی این به آن معنی نیست که ما برای حفظ جان انسان‌ها کوشش نکنیم تا شهید شوند. این توجیه غلطی است که خدا چنین خواسته است که این همه حاجیان به این سرزمین بیایند تا جان آنها را بستانند. خداوند برای حفظ جان یک انسان در آیات مختلف توصیه کرده است. حرمت خون و جان مسلمانان در همه ادیان و مذاهب تا جایی که من می دانم آمده است. در حرم امن الهی، ما در زمان محرم شدن، حتی حق از بین بردن و کشتن یک پشه را هم نداریم، این خود بهترین دلیل بر اهمیت دادن به حیات موجودات زنده است، هر چند ناچیزترین آنها باشد، چه رسد به اشرف مخلوقات.

کشورمراکش

آقای دکتر:

در هنگام وقوع حادثه منا من در خیمه‌های محل استقرار حاجیان مراکش در نزدیکی محل حادثه حضور داشتم. بسیاری از صحنه‌های واقعی را از نزدیک با

چشم خود دیده‌ام. قطعه فیلمی هم از پشت نرده‌های محل حادثه گرفته شده که در اولین فرصت برایتان می‌فرستم. مردم به طور عادی در حال حرکت بودند که ناگهان حرکت متوقف شد و گفتند که راه را بسته‌اند. علت بستن راه ابتدا برای ما معلوم نبود بعدها شنیدیم که یک هیئت عالی رتبه در حال عبور از خیابان متقاطع با خیابان محل حادثه بوده که به خاطر امنیت آن، راه حاجیان را سد کرده‌اند. بسیاری از حاجیان در زیر دست و پای حاجیان دیگر که می‌خواستند از نرده‌ها بالا بروند از بین رفتند. در این حادثه ناگوار هر کس به فکر نجات جان خود بود. من بسیاری از ایرانی‌ها را دیدم که در بین مجروحین می‌گشتند و در حال کمک رسانی به آنها بودند. آفریقایی‌ها بیشتر به فکر نجات جان خود بودند.

ما که در چادرها بودیم تمام سعی خودمان را کردیم که به آنها آب خنک برسانیم و با باز کردن درب چادرها تعدادی را به داخل کشیده و نجات دهیم.

آقای دکتر:

من در حادثه منا بودم از یکی از راه‌های فرعی رفتم. نیم ساعت قبل از حادثه رمی انجام دادم. وقتی برگشتم مسیر رسیدن به محل اقامت ما که در مسیر فاجعه بود را بسته بودند. من به سختی و از در پشتی وارد محل اقامت خود شدم. بسیار فاجعه بار بود در بسیاری موارد تا پنج جسد بر روی هم قرار گرفته بودند و به صورت پشته‌ای از جنازه‌ها مشاهده می‌شدند.

آقای فوق لیسانس:

من از اروپا آمدم. لذا با مراکشی‌ها در ارتباط نیستم. از کاروان‌های ما از اروپا ۵ نفر کشته شدند. متوجه شدم سعودی‌ها راه را بستند. نه آب می‌دادند و نه راه را باز می‌کردند، فقط به مردم می‌گفتند برگردید.

آقای لیسانس:

چهار هزار نفر در حادثه منا کشته شده‌اند. این عدد خیلی زیاد است. من قبول ندارم که اسم این واقعه را قضا و قدر بگذاریم. نه، قدر نیست. بلکه ناشی از بی‌تدبیری و ضعف مدیریت در دستگاه سعودی است. یکی از امیران آمده بوده که از آنجا بگذرد و اینها هم راه را برای او بسته‌اند و این فاجعه به وقوع پیوسته است. البته دولت عربستان در این قضیه مسئول است و باید همکاری بیشتری انجام بدهد.

آقا:

مسئلاً اگر رسیدگی به موقع به امور مجروحین صورت می‌گرفت تعداد جان‌باختگان به این حد نبود. کشته شدن حتی یک نفر انسان بی‌گناه هم غیرقابل قبول است چه رسد به این همه کشته.

عربستانی‌ها نسبت به دیگر مسلمانان از قساوت قلب بیشتری برخوردار هستند. اگر عربستانی‌ها اجازه می‌دادند مسلمانان دیگر کشورها در امور حج مشارکت کنند مسئلاً هم به نفع آنها است و هم به نفع دیگر مسلمانان.

کشور نیجریه**خانم دکتر:**

کوتاهی مسئولان عربستان کاملاً محرز است. چنین کشتار وحشتناکی غیرقابل تصور است. اگر در یک کشور غیر اسلامی چنین اتفاقی می‌افتاد باز قابل توجیه بود، این اتفاق در مرکز اسلام بسیار عجیب است. نیروهای عربستان برای جلوگیری از این حادثه کاری نکردند. یکی شدن راه رفت و برگشت این حادثه را آفرید. در شبکه الجزیره دیدم که عربستان تلاش می‌کند زائران را به عنوان مقصر معرفی کند، ولی این اصلاً درست نیست، چون با مدیریت و نظارت صحیح و به موقع این اتفاق نمی‌افتاد.

خانم فوق لیسانس:

همسرم پزشک و جزو گروه تحقیق و کمک از کشور نیجریه است. او پریشب به عربستان آمد. او می‌گوید سعودی‌ها باید لوله‌های آب را از زمین در می‌آوردند و بر روی مردم می‌پاشیدند. نیجریه‌ای‌ها خیلی کشته دادند، اما چون برای سیاه پوستان ارزش قائل نیستند آن را اعلام نمی‌کنند. دولت سعودی باید مدیریت بحران داشته باشد و وقتی دید مردم در حال خفه شدن هستند باید درها را باز می‌کرد. دولت سعودی مسئول جان حاجیان است. خصوصی سازی در طواف و جمرات که در بین سعودی‌ها حاکم است با روحیه عبادت نمی‌خواند. در حج همه یکسان هستند.

آقای فوق لیسانس:

به هیچ وجه از برخورد و نوع رفتار عوامل حکومت سعودی رضایت ندارم و آنها را شایسته اداره حرمین شریفین نمی‌دانم. از حادثه غمبار منا دل پرخونی دارم و شدیداً معترض هستم. شما ایرانیان باید اعزام حجاج تان را به عربستان متوقف کنید. اگر شما این کار را انجام دهید عربستان مجبور به انفعال خواهد شد و مجبور خواهد شد با شما با احترام برخورد کند. چه معنا دارد که از یک کشور، این همه کشته و مجروح شوند. آنها مسئول حفظ جان تک تک مسلمانانی هستند که در این مراسم شرکت می‌کنند.

سعودی‌ها توانایی مدیریت این اجتماع عظیم را ندارند و از پس چنین رویدادی بر نمی‌آیند. باور اینکه چنین حادثه‌ای اتفاقی به وجود آمده باشد و تعمدی در کار نباشد، سخت است.

آنها مثل حیوانات با حجاج برخورد می‌کنند. آنها نباید با کلام درشت و ناروا و توهین آمیز با حجاج برخورد کنند. آنها نباید بدن حجاج را به منظور حفظ نظم لمس کنند چه برسد به اینکه بخواهند حجاج را هل بدهند و آنها را تحت فشار قرار دهند.

حرمین شریفین به آل سعود تعلق ندارد بلکه کعبه و حرم نبوی ﷺ به تکتک مسلمانان، به من و شما تعلق دارد. این را باید آل سعود بدانند و خود را صاحب و مالک حرمین ندانند و خودخواهانه برای این مکان‌های مقدس تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی نکنند. آنها برنامه‌ریزی کرده‌اند که تعداد حجاج را در سال‌های آینده افزایش دهند در حالی که از عهده اداره همین تعداد فعلی هم بر نمی‌آیند و امنیت جانی زوار در خطر است.

آقای فوق لیسانس:

این حادثه هم تعمدی بوده، هم سوء تدبیر در آن وجود داشته و هم خیانت و خودخواهی و در نظر نگرفتن حقوق و حرکت مسلمانان در آن موج می‌زند. با دیدن این اعمال جنایت بار و خودخواهانه حکومت آل سعود، من به یاد حکومت بنی‌امیه می‌افتم که چگونه با نام اسلام بازی می‌کردند و منافقانه اصل اسلام را از ریشه می‌زدند و منافع خود را دنبال می‌کردند.

خانم لیسانس:

یک سؤال ذهنم را مشغول کرده، اینکه یقیناً دولت سعودی با شرایط جغرافیایی و آب و هوایی منطقه کاملاً آشنا است و هر سال این مراسم بزرگ در کشور برگزار می‌شود، پس چطور امکانات ابتدایی پذیرش این سیل جمعیت را آماده نکرده بود. لااقل با نصب پنکه‌های آبی مثل همان‌هایی که در مدینه بود، می‌توانست گرمای هوا را کمی قابل تحمل کند و یا از ماشین‌های آتش‌نشانی برای ریختن آب بر سر مردم استفاده کند. چرا این کارهای ابتدایی را انجام نداد؟ به نظر من سعودی‌ها به زائران هیچ اهمیتی نمی‌دهند، حتی بعد از وقوع اتفاق به امت مسلمان تسلیت نگفتند. در حالی که امام جماعت مسجدالحرام باید این کار را می‌کرد و حتی پیام تسلیت

می‌باید به زبان‌های مختلف بیان می‌شد. دولت سعودی الآن فقط دنبال متهم تراشی است برای اینکه مسئولیت را از دوش خود بردارد، فعلاً که تقصیر را گردن بی‌نظمی سپاه پوستان انداخته است.

متأسفانه مشکل بزرگ ما سکوت سران کشورهای اسلامی است، ببینید برای اتفاق مسجدالحرام و حادثه منا هیچ کس اعتراضی نکرد.

خانم لیسانس:

عربستان لیاقت حفظ جان حجاج را ندارد. سعودی‌ها در مدینه و مکه رفتار تند و خشنی با زائران خانه خدا داشتند. با وجودی که این اولین سفر حج من بود، اما به جای سرور و شادی، با تجربه‌ای تلخ به کشورم باز می‌گردم. دولت‌ها در مقابل این دو واقعه اخیر در مکه سکوت کردند. امیدوارم بعد از بازگشت حجاج به وطن جرأت اعتراض به دولت عربستان را پیدا کنند. اگر حاجیان به خاطر انجام رمی توسط ولیعهد، کشته شده باشند، بزرگترین جنایت است. عمال سعودی در مسجدالحرام امکان سهولت طواف را برای حاجیان فراهم ننموده و در اینجا هم مرتباً درها را می‌بندند. قطعاً هلی‌کوپترهایی که در آسمان بودند می‌توانستند با ریختن آب بر روی قربانیان منا آنها را از مرگ نجات دهند.

خانم لیسانس:

عربستان نتوانسته امنیت جان زائران را تأمین کند. ضعف مدیریتی و آشفتگی در اداره امور حجاج کاملاً مشهود است. تکرار اتفاقات مرگبار امسال در مکه از بی‌توجهی مأموران به سلامت زائران است. رییس حج نیجریه به ضعف مدیریت عربستان اعتراض کرده و گفته عربستان باید مسئولیت خود را بپذیرد.

یکی از شاهدان حادثه منا می‌گفت، بسته شدن راه‌ها و نبود فضا، گرمای هوا و

تشنگی سبب کشتار در منا شد. بعضی از زائران نیجریه که برای شناسایی رفته بودند می‌گفتند، ظاهراً گازی سمی در هوا پخش شده زیرا با دست زدن به جنازه‌ها گوشت آنها به راحتی جدا می‌شد و یا مثلاً انگشت یکی با گرفتن دستش جدا شد. مسلمانان از مردن در راه خدا نمی‌ترسند و اگر دست‌های خارجی می‌خواهند با این کار مسلمانان را از حج و اعمال عبادی بترسانند در اشتباهند.

ازدحام جمعیت و تلاش برای رهایی از مرگ در بالا رفتن از نرده‌ها، صحنه‌های وحشت‌آوری از برهنگی و پله کردن دیگران برای فرار ایجاد کرده بود. یک مرد به همراه دو همسرش از گروه ما کشته شدند. آنها فرزندان زیادی داشتند، مسئولیت بی‌سرپرست شدن آنان بر عهده عربستان است. عربستان در حادثه قبلی با پیشنهاد سیصد هزار دلار به بازماندگان درصدد جبران بود، ولی زائران ما نپذیرفتند و گفتند بهتر است این پول را صرف امنیت حرم کنند. عربستان تلاش می‌کند علت‌های اصلی حادثه را پنهان کند از این رو اجازه تحقیق و تصویر برداری به مسئولین کشورها نمی‌دهد. امروز اعلام شد شش کامیون کشته شناسایی نشده وجود دارد. اگر عربستان می‌خواست می‌توانست با هلی‌کوپتر سریع‌تر به کمک رسانی بپردازد. بسیاری از مجروحان به علت بی‌توجهی مأموران جان خود را از دست دادند.

آقای لیسانس:

من خودم به همراه ۴ نفر از دوستانم در محل حادثه حاضر بودیم و شاهد واقعه بودیم. البته من و دوستانم با بالا رفتن از نرده‌ها و پریدن به داخل چادرهای اطراف، خود را از مهلکه نجات دادیم. به نظر من مهم‌ترین علت این واقعه سوء مدیریت حکومت سعودی بود. مأموران سعودی با علم به ازدحام جمعیت، اقدام به مسدود کردن مسیر نمودند و از طرف دیگر لحظه به لحظه با افزوده شدن دیگر حاجیان کار به جایی رسید که ازدحام غیر قابل تحمل گردید و افراد با کمبود اکسیژن مواجه شدند.

گرمای شدید هوا هم مزید بر علت گردید. همه این موارد در کنار نبود آب کافی برای نوشیدن و نیز عدم حضور به موقع نیروهای امدادی زبده در محل حادثه، باعث بروز چنین فاجعه انسانی گردید.

اگر خود هلی کوپترهای در حال گشت‌زنی که از بالا می‌دیدند جمعیت در چه حالی است به داد مردم می‌رسیدند، باز شرایط بهتر بود. مورد دردناک دیگری که من خود شاهد آن بودم این بود که بعد از رسیدن نیروهای امدادی سعودی به محل حادثه، اولویت آنها رسیدگی به عرب‌ها و سعودی‌ها بود. یعنی بین دو مصدوم عرب و غیرعرب تفاوت قائل می‌شدند و در درجه اول به آنها رسیدگی می‌کردند هر چند که همین رسیدگی اندک هم با تأخیر و کندی همراه بود.

آقای فوق دیپلم:

عربستان شایستگی اداره حج را ندارد و ما از عملکرد آنها راضی نیستیم. این کشتار به علت بسته شدن راه برای جمرات اتفاق افتاد. حجاج بسیاری از کشور ما و کشورهای دیگر کشته شدند. کشته شدن بسیاری به خاطر نرسیدن امداد به آنها بوده است.

آقای دیپلم:

کشتار صحرای منا و تعداد ۴۱۰۰ نفر از حاجیان که در این فاجعه جان باخته‌اند بسیار تأسف‌آور و نگران‌کننده است.

بی‌تدبیری و عدم برنامه‌ریزی موجب پیدایش این فاجعه گردیده است و متأسفانه مسئولین عربستان پاسخگوی مسائل اتفاق افتاده نیستند. عربستان وظیفه دارد از همه کشورهای مسلمان جهت اداره مراسم حج و به ویژه سرزمین منا نظرخواهی کرده و مشورت لازم را دریافت کند چرا که امروز رخ دادن این گونه حوادث برای مسلمانان پذیرفتنی نیست، کشته شدن میهمان خانه خدا بسیار تأسف‌آور و ناراحت‌کننده است.

آقای دیپلم:

عربستان سعودی واقعیت‌های موجود را پنهان می‌کند، ولی لازم است که مشاورینی از سراسر جهان اسلام حضور پیدا کنند و به مردم مسلمان در صحنه منا و خانه خدا کمک کنند. آنها چندان به فکر مردم نیستند و همواره از انجام مسئولیت، به ویژه در منا کوتاهی می‌کنند و برخورد شایسته با زائران ندارند.

کشور پاکستان**آقای لیسانس:**

ازدحام، خستگی، گرمی هوا و تلاش عده‌ای برای بالا رفتن از نرده‌ها باعث پدید آمدن حادثه منا است. البته بستن راه، علت اصلی است. هر پاکستانی که در کشور سعودی بمیرد، همانجا دفن می‌کنند، مگر افراد خاص، که حکومت سفارش می‌کند و آنها را بر می‌گردانند.

آقای لیسانس:

علت اصلی فاجعه منا مدیریت غلط است. پاکستان درباره پی‌گیری کشته شده‌ها قدمی بر نمی‌دارد، چون با سعودی ارتباط خوبی دارد. دولت پاکستان در این رابطه خوب عمل نمی‌کند. به نیروهای پاکستانی هم اجازه ورود به سردخانه برای شناسایی جنازه‌ها را نداده‌اند.

آقای لیسانس:

سعودی‌ها با برخوردهای تند و نامعقول می‌خواهند صورت مسئله را از بین ببرند. روابط مسئولان پاکستان با عربستان بسیار خوب است و به همین دلیل در مورد کشته شدن مردم پاکستان اعتراضی نخواهد کرد.

آقای لیسانس:

ضعف مجریان عربستان باعث به وجود آمدن چنین حادثه‌ای شده و باید کمیته مشترک برای برگزاری حج از سوی کشورهای اسلامی تشکیل شود.

آقای لیسانس:

عربستان با سوء مدیریت سبب به وجود آمدن فاجعه منا شد. من در نزدیکی حادثه جرثقیل بودم. دولت عربستان در حادثه جرثقیل هم مقصر است. من عکس‌های متعددی را که از حادثه جرثقیل گرفته بودم در شبکه فیسبوک منتشر کرده‌ام.

آقای لیسانس:

اداره حرمین شریفین، نیازمند به مدیریت صحیح و پیشرفته بوده و متأسفانه این موضوع در میان سعودی‌ها دیده نمی‌شود، آنچه در سرزمین منا ملاحظه می‌شود یک اشتباه بزرگ، در مسئولیت و اگذار شده به سعودی‌ها است.

آقای فوق دیپلم:

ما در اینجا تحت فشار و کنترل شدید سعودی‌ها هستیم لذا حرفی نمی‌زنیم.

آقای دیپلم:

سعودی‌ها و شرطه‌ها در این امر مقصر هستند. دولت‌های اسلامی باید این امر مهم را بر عهده بگیرند.

آقای دیپلم:

رفتار سعودی‌ها با مردم، چندان مناسب نبود و فاجعه منا به کشته شدن ۳۸۰ نفر از حجاج پاکستان منتهی گردید. دولت سعودی باید پاسخ‌گویی، این همه کشتار باشد.

آقا:

حکام سعودی حج را یک عمل زیارتی نمی‌دانند بلکه به آن به دیده یک تجارت بزرگ می‌نگرند، برای همین متأسفانه این حوادث رخ می‌دهد، زیرا اینها وظیفه خود را در حد تهیه یک سری امکانات جانبی در حج می‌دانند و از اهتمام به نظم و محافظت از حاجیان اهمال می‌کنند.

آقا:

دولت سعودی خیلی خشک و خشن است. آنها اجازه نمی‌دهند به بیمارستان‌ها برویم. دلیلش آن است که تعداد کشته شدگان بیش از آن است که رسماً اعلام می‌کنند. به دلیل عبور پادشاه راه حج را بستند.

خانم:

در عربستان حج به امری با رویکرد کاپیتالیستی مبدل شده است. برای همین برای سعودی‌ها پول در آوردن مهم است نه جان مردم. سعودی‌ها مردم کشورهای دیگر را مانند برده خود می‌دانند. واقعه منا این را نشان داده است. پشت پرده این اتفاق منا کسان دیگری هستند که این واقعه منا را حمایت می‌کنند. شنیدم پسر شاه سعودی می‌خواسته از منا دیدن کند تا یک نمایش بدهد و ماشین‌های بسیاری او را اسکورت می‌کردند و برای همین راه بسته شده بود. اگر دولت‌های اسلامی با هم کمک کنند وضع حج بهتر می‌شود.

آقا:

مأموران سعودی رفتار تند و خشنی دارند و با بی‌احترامی با ما برخورد می‌کنند. در حرم دائماً با تندی فریاد می‌کشند: «یا الله یا حاج! طریق یا حاج! حرک، (حرکت کن) یا حاج»، اصلاً احترام به ما نمی‌گذارند. فاجعه منا نیز نمونه‌ای دیگر از بی‌دستی و پایی

این‌هاست. حادثه منا هم به نفع آمریکا و اسرائیل تمام شد. هم حج را بدنام می‌کنند و هم مسلمانان را مردمی وحشی و به دور از تمدن و فرهنگ نشان می‌دهند، که این گونه ازدحام می‌کنند و موجب مرگ یکدیگر می‌شوند. اینها برای عبور یک کاروان سلطنتی راه حجاجان را در منا بستند و موجب مرگ هزاران انسان شدند. پلیس و نیروهای امنیتی سعودی در این قضیه کاملاً کوتاهی کردند و مقصرند. اینها که توان اداره این تعداد حاجی را ندارند، باید کمتر دعوت کنند تا بتوانند مدیریت‌شان کنند. سعودی در اداره حج ناتوان است و باید آن را به بین‌الملل اسلامی بسپارد مثلاً یک سال ایران، یک سال پاکستان، یک سال کشوری دیگر و... بیایند و حج را اداره کنند تا این مصیبت‌ها به بار نیابد. من واقعاً از این حادثه ناراحتم و در پاکستان نیز خانواده‌هایمان نگران ما هستند مدام از احوالمان جو یا می‌شوند. متأسفانه این قضیه و فاجعه مهم در میان انبوه مسلمانان جدی گرفته نمی‌شود.

آقای مدیر کاروان:^۱

رییس یکی از کاروان‌های زیارتی حجاج پاکستان، آنچه را که به چشمان خود در روز فاجعه منا دیده بود بازگو کرد و حرف‌هایش سراسر حکایت از بی‌مسئولیتی و بی‌تدبیری و چه بسا تعمد آل سعود در بروز فاجعه منا و کشته، مفقود و مجروح شدن هزاران نفر در این فاجعه بود. دولت پاکستان از رسانه‌ها و همچنین کسانی که از مراسم حج بازگشته‌اند، خواسته است، اقدام به مصاحبه یا انتشار گزارش‌های انتقادی از عربستان نکنند.

چرا آنها با وجود اینکه از لحظه به لحظه حوادث از طریق‌های مختلف از جمله دوربین‌های مدار بسته با خبر بودند، با سه ساعت تاخیر به محل فاجعه رسیدند؟

۱. ایشان به دلیل ضرورت سفر هر ساله به عربستان، به شدت از درج نام خود در گزارش، امتناع داشت.

این عملکرد به چه معنا است؟ سه ساعت از فاجعه منا و روی هم افتادن جسم‌های بی جان و نیمه جان حاجیان در ازدحام ده‌ها هزار نفری می‌گذشت اما تیم‌های امدادی یا نیروهای اضطراری سعودی در محل حاضر نشدند. در حقیقت نیروهای سعودی صبر کردند تا حجاج آسیب دیده در فاجعه جان خود را از دست بدهند و سپس اجساد آنان را از زمین بردارند. نیروهای به اصطلاح امدادی سعودی حتی آن دسته از حاجی‌هایی را که در اثر ازدحام بیش از حد جمعیت به علت بسته بودن مسیرها و گرمای طاقت فرسا بی‌هوش شده بودند، در میان اجساد کشته شدگان قرار دادند و هیچ علاقه و اراده‌ای برای نجات جان آنها نداشته و حتی به دیگران هم اجازه ندادند که به این افراد دسترسی داشته باشند و به آنها کمک کنند. امکان نجات دادن خیلی از حجاج وجود داشت اما مأموران سعودی کاری برای نجات جان آنها نکردند و مانع از آن شدند دیگران کمک کنند. یکی از حجاج که توانسته بود برای شناسایی جسد یکی از همراهانش به مرکز نگهداری اجساد قربانیان فاجعه منا که به شکل سردخانه‌های کانتینری بود، برود، می‌گفت بر اساس آن چیزی که وی مشاهده کرده است، تقریباً ۴۰ دستگاه کانتینر سردخانه‌ای در این مرکز قرار داشته که تمامی آنان پر از اجساد حجاج بوده است و می‌شد تخمین زد که چیزی نزدیک به هفت هزار نفر در این فاجعه جان باخته‌اند. مدیریت حج امسال سعودی‌ها کاملاً شکست خورده و عملکرد آنان افتضاح بود. امسال آنچه ما مشاهده کردیم این بود که حاجیان اگرچه در مدینه با مشکل چندانی روبه‌رو نبودند اما اعضای کاروان ما و هزاران نفر دیگر از حاجیان متعلق به کشورهای مختلف شاهد سوء مدیریت و رفتار غیرانسانی مسؤولان و نیروهای سعودی در مکه مکرمه بودند. حادثه سقوط جرثقیل نیز واقعتی غیرقابل انکار در اثبات بی‌مسئولیتی آل سعود در برگزاری مراسم حج است. رفتار آنان به گونه‌ای بود که گویی حجاج موجوداتی بی‌اهمیت و بی‌نام و

نشان هستند و جان و امنیت آنها اهمیتی ندارد، آیا سعودی‌ها فکر می‌کنند که این حاجیان هیچ ارزشی ندارند؟

کشورالجزایر

آقای دکتر:

روز حادثه راه را بسته بودند و ما که از مشعر می‌آمدیم مسیرمان را عوض کردند. گفتند پسر پادشاه می‌خواهد بیاید. در منا جنازه‌ها در میان آشغال‌ها بود. آیه **﴿طَهَّرْنَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ﴾** «خانه من را برای طواف‌کنندگان و مجاوران پاک نگه دار»^۱ برای سعودی‌ها معنا ندارد. جنازه‌ها را می‌دیدم و ناراحت می‌شدم که از جنازه مسلمان در میان زباله‌ها عکس بگیرم. این حادثه را باید فح منا، نظیر کشتار فح مکه (در صدر اسلام) نامید. در روز واقعه رفتار سعودی‌ها با ما خیلی تند بود. از کشتار منا ترس و غم بر ما حاکم شده و روحیه عبادت از ما گرفته شده است.

آقای فوق لیسانس:

سعودی‌ها در منا یک مرتبه همه راه‌های به سمت جمره در خیابان محل فاجعه را بستند، حتی فرعی‌ها مسدود بود و تراکم بالای جمعیت و اضطراب شدیدی که مأموران سعودی با رفتار خشن خود به حجاج منتقل می‌کردند و نبود آب آشامیدنی و گرمای شدید و غیرقابل تحمل از عوامل وقوع فاجعه بود.

آقای فوق لیسانس:

از حجاج الجزایری تقریباً ۵۰۰ نفر کشته شدند. در حالی که سعودی می‌گوید مجموع کشته‌ها ۷۰۰ نفر است. این دروغ بزرگی است، در حالی که من اطلاع دارم از حجاج

پاکستان هم تقریباً ۵۰۰ نفر کشته شده‌اند. از مغرب و از اندونزی و از خیلی از کشورها در این حادثه کشته شده‌اند. خدا به بازماندگان آنها صبر بدهد، خیلی سخت است.

آقای فوق لیسانس:

فرصت زیبای عبادت در حج را به ماتم و مصیبت تبدیل کردند و ما هم در این فاجعه خیلی صدمه دیدیم. عربستان در فاجعه منا خوب عمل نکرد و الجزایری و پاکستانی و مصری و ایرانی‌های زیادی کشته شدند. اگر اجازه کمک به دیگران می‌داند تلفات کمتر بود زیرا در امدادسانی نه خودشان موفق بودند و نه به دیگران اجازه می‌دادند. سعودی‌ها عموماً خشن و بی‌عاطفه‌اند و در کنار کشته‌ها با هم شوخی می‌کردند و روی جنازه‌ها و زنده‌ها راه می‌رفتند. سعودی‌ها زنده و مردم حجاج را با هم به حاشیه خیابان می‌انداختند و برخی زنده زیر دست و پا مردند من یک حاجی زنده ایرانی را دیدم، ولی به من اجازه کمک به او را ندادند و وی جان باخت.

خانم لیسانس:

این واقعه بی‌نظمی دولت سعودی را می‌رساند. آنها به شدت بی‌نظم هستند. چنین وقایعی آن هم در یک حج و در یک سال اتفاق بیفتد؟ ابتدا در مسجدالحرام با افتادن جرثقیل، این همه حاجی به شهادت رسیدند و اکنون واقعه منا که شدیداً همه را ناراحت کرده است. معلوم نیست تا آخر سفرمان چه وقایعی می‌خواهد رخ بدهد. آیا تضمینی هست که ما سالم به کشورمان برگردیم؟ عربستان سعودی کشور ثروتمندی است بنابراین امکانات حج خیلی باید بیشتر از اینها باشد تا حاجیان با خیالی آسوده بیایند و مناسک خودشان را انجام دهند و برگردند. اگر واقعاً آن طور که شنیده‌ام، آنها امدادسانی نکرده‌اند و به تشنگان آب نداده‌اند نه فقط لقب مسلمان حتی لقب انسان را هم نمی‌شود به آنها داد.

آقای لیسانس:

دولت سعودی مقصر اصلی در حادثه منا است. من شاهد بودم که مأموران سعودی پس از رخ دادن فاجعه، همکاری لازم را با آسیب دیدگان انجام نداده و با سوء مدیریت و ناهماهنگی بر ابعاد وقوع فاجعه افزودند. از تکنولوژی جدید برای جلوگیری از رخ دادن این حوادث، و برنامه‌ریزی هوشمندانه در آینده راه‌حل اصلی برای این مشکل خواهد بود. با مسدود کردن راه‌ها و با فشار آوردن به زائران بیت‌الله الحرام که نمی‌توان، مشکل اصلی را حل کرد.

آقای لیسانس:

با توجه به اهمیت موضوع حج و حضور هزاران مسلمان در مراسم حج، ضروری است برنامه‌ریزی دقیقی صورت بگیرد و از حوادث ناگوار سال‌های گذشته جلوگیری شود، نادیده گرفتن این موضوع روحیه حج‌گزاران را تخریب و موجب آسیب رساندن به آنها خواهد شد.

آقای لیسانس:

در صحرای منا بر اساس اخبار الجزیره، من شنیدم که حدود ۷۰۰ نفر به شهادت رسیده‌اند، ولی به گفته وزارت بهداشت امروز آمار را حدود ۴۱۰۰ نفر اعلام کرده است، ما در نزدیکی حادثه بودیم و خبر آن را بسیار تأسف بار می‌دانیم.

لازم است در حادثه منا موارد زیر را به شما ارائه کنم:

۱. دسته‌بندی حجاج

۲. زمان‌بندی رفت و آمد حجاج

۳. توجیه آموزشی حاجیان برای عبور مرور در منا و بهره‌گیری از تکنولوژی روز

برای هدایت زائران.

خانم دیلم:

در کشور عربستان اصلاً نظم وجود ندارد. در هیچ کجا حتی در حرم‌ها. عربستان با داشتن این همه مهمان، خیلی باید بیشتر از اینها آمادگی داشته باشد، که متأسفانه این‌گونه نیست. آنها اصلاً به فکر حجاج و راحتی آنها نیستند و خیلی خشن با آنها رفتار می‌کنند. چرا باید در منا این اتفاق وحشتناک می‌افتاد؟ آیا این به خاطر بی‌نظمی سعودی‌ها نیست؟

دیدن کشته‌ها و اجساد در منا واقعاً وحشتناک بود. هزاران هزار جسد در آنجا ریخته شده بود و آماری که سعودی می‌دهد خیلی کمتر از آن هست که من دیده‌ام. عربستان در گفتن وقایع کتمان می‌کند. همه حقایق را اعلام نمی‌کند. در قسمتی که ما در منا بودیم این اتفاق افتاد و تا ساعت‌ها بوی تعفن اجساد جداً ما را ناراحت می‌کرد. گروه ما حالت تهوع گرفتند و صدای ماشین‌هایی که اجساد را منتقل می‌کرد تا ساعت‌ها به گوش می‌رسید و پس از آن آشغال و زباله‌هایی که در آنجا ریخته شده بود واقعاً حیرت‌آور بود. بوی آشغال و زباله‌هایی که در آفتاب مانده بود نفس آدم را می‌برید.

آفریقایی‌ها به خیمه‌های ما هجوم آوردند و حتی دیوارهای خیمه را خراب کردند. آنها برای نجات خودشان به ما هجوم آوردند. آنها حتی تا نوک سقف‌های خیمه‌ها بالا می‌رفتند و برای دور شدن از صحنه دست به هر کاری می‌زدند.

کشوراندوزی**آقای فوق لیسانس:**

برخورد و رفتار بد و خشن مأموران سعودی خیلی ناراحت‌کننده است. البته از وهابیون انتظار بهتری نمی‌رود. عربستان هم با آمریکا و اسرائیل هم نوا شده است و

مثل غلام حلقه به گوش آنها عمل می‌کند، گفتند به خاطر سیم‌های برق و جرقه تعدادی مجروح و زخمی شدند.

آقای لیسانس:

با وجود اینکه هر چند سال یک‌بار یک حادثه خونین در منا اتفاق افتاده، سعودی‌ها وضعیت منا را بهبود نمی‌بخشند.

من نزدیک محل وقوع حادثه بودم. در حین حرکت به سمت جمرات، ما سه گروه از افراد را گم کردیم ۶۴ نفر از این افراد دیگر بازنگشتند.

دوستان من که از نزدیک شاهد ماجرا بودند و از فاجعه منا نجات یافته‌اند می‌گویند که علت حادثه این بود که انتهای یکی از خیابان‌ها توسط سربازان ارتش سعودی بسته شده بود. سربازان مردم را به سمت چپ منحرف کردند و هنگامی که جمعیت به سمت چپ روانه شد با حصار و موانع مسدودکننده راه روبه‌رو شد، از طرف دیگر مردم از پشت به جمعیت فشار می‌آوردند و در نتیجه تراکم و فشار جمعیت زیاد شد و افراد زیادی کشته شدند.

البته من فکر نمی‌کنم عربستان تقصیر را بپذیرد. در اندونزی شایعه شده که عبور کاروان سلطنتی علت این حادثه بوده است. دور روز پیش (روز یازدهم ذی‌الحجه) وزیر دین اندونزی آقای سیف‌الدین به چادر ما در منا سرکشی کرد و در سخنرانی خود گفت که، دولت سعودی باید در مورد این حادثه توضیح دهد. من یک بررسی کردم دیدم دقیقاً هر پنج سال یکبار منا شاهد یک فاجعه است، که در آن حجاج کشته می‌شوند. نمی‌دانم چرا با وجود تکرار حوادث این‌چنینی سعودی‌ها به فکر راهکار نمی‌افتند. سعودی‌ها باید با درس گرفتن از وقایع و بررسی علل آن، وضعیت خیابان‌ها و چادرهای منا را بهبود بخشند.

آقای لیسانس:

سعودی‌ها این فاجعه را پدید آوردند، اما حتی عذرخواهی هم نمی‌کنند. بلکه تقصیر را به گردن حجاج بی‌گناه می‌اندازند. این رفتار سعودی به دلیل آن است که اینها هیچ کس غیر از خودشان را انسان و مسلمان نمی‌دانند. سعودی‌ها اجازه ندادند پزشکان و پرستاران اندونزیایی به کمک مصدومان حادثه بروند. در حادثه سقوط جرتقیل هم گفته شد که دیه بازماندگان داده خواهد شد. این دیه را شرکت بن‌لادن می‌دهد نه دولت سعودی.

کشور ترکیه**آقای دکتر:**

متأسفانه سعودی‌ها فرصت زیبای عبادت در حج را به ماتم و مصیبت تبدیل کردند. حجاج در این فاجعه خیلی صدمه دیدند و عربستان در فاجعه منا خوب عمل نکرد. الجزایری، پاکستانی، مصری و ایرانی‌های زیادی کشته شدند و اگر اجازه کمک به دیگران مثل ایران می‌دادند تلفات کمتر بود.

آنچه در حج اتفاق افتاد دشمنان اسلام را خوشحال کرد و اسرائیل و آمریکا از کشته شدن چند هزار حاجی که از بهترین مسلمانان هستند خوشحالند و با این اتفاق به اسلام هراسی در غرب دامن زدند.

سعودی‌ها خیلی خشن و بدرفتارند و روی جنازه‌ها و زنده‌ها راه می‌رفتند. شنیده‌ام، سعودی‌ها زنده و مرده حجاج را مثل اشیاء با هم به حاشیه خیابان می‌انداختند و برخی زنده زیر دست و پا مردند.

آقای فوق لیسانس:

اگر یهودی‌ها بر مکه و مدینه حاکم بودند، الآن وضعیت این دو شهر و حجاج بهتر از تسلط آل سعود بر آنها بود. خون کشتگان منا بر گردن ماست زیرا گذاشته‌ایم آل سعود بر مکه و مدینه حکم برانند.

آقای فوق لیسانس:

من فکر نمی‌کردم این تعداد کشته در منا وجود داشته باشد. من این طور فکر می‌کنم (و همه حجاج ترکیه هم نظرشان این است) که دست‌هایی از خارج جهان اسلام در کار است تا نظم و آرامش حرمین را که در حقیقت مرکز اسلام است، از بین ببرد. هم چنانی که آرامش سوریه و عراق را از بین برده‌اند و در آن کشورها آشوب و ناامنی به راه انداخته‌اند. در این جا هم دست‌های خارجی در کار است تا مکه و مدینه ناامن شود؛ وگرنه خود دولت سعودی نقشی در این حادثه نداشته است.

آقای لیسانس:

من فکر می‌کنم در این کشتار هم اسرائیل دست دارد. بی‌برنامگی گردانندگان حرم امن خدا، این جاها را ناامن کرده است. اینها فقط دنبال پول‌اند برایشان مهم نیست که چند نفر کشته شود. وقتی اینجا امن نباشد کسی انگیزه پیدا نمی‌کند که از هزاران کیلومتر دورتر برای عبادت و به جا آوردن واجبات به اینجا بیاید. اینجا هر کس ساز خودش را می‌زند.

آقای لیسانس:

کشورهای غیرمسلمان این قدر به ما بی‌احترامی نمی‌کنند که عربستان به عنوان کشور مسلمان بی‌احترامی می‌کند. عربستان برنامه مدون کارشناسی شده برای حج ندارد هر وقت، هر طور، دلشان می‌خواهد انجام می‌دهند. هدفشان اذیت کردن مسلمانان است. آیا درست است که می‌گویند پسر شاه از آنجا می‌گذشت یکی از راه‌ها را بسته بودند باعث ازدحام گردیده است؟

آقای لیسانس:

من فکر می‌کنم به علت آمدن پسر شاه عربستان ازدحام شده و مردم به هم درگیر و این کشتار ایجاد شده. اینها هیچ چیز بلد نیستند. محمت شاهین (معاون حزب اعتدال و توسعه) به عربستان گفت اگر اجازه بدهید ما حج سال بعد را مدیریت کنیم. اصلاً مدیریت بلد نیستند یا نمی‌خواهند برای روان شدن کارهای حاجی‌ها اقدامی کنند. فقط بلدند خودشان ازدحام ایجاد کنند و حاجی‌ها را به دردرس بیاندازند.

آقای لیسانس:

آل سعود در قبال کشتار حجاج مسئول است. این همه مرگ در بیت‌الله‌الحرام و منا واقعاً غم‌انگیز است.

همه مسلمانان باید یک صدا علیه آل سعود پلید اقدام کنند. حساب وهابی‌ها از سایر مسلمانان جداست. وهابی‌ها ساخته انگلیس هستند. مسلمانان باید در اسرع وقت مکه و مدینه را از چنگال سعودی‌ها خارج کنند. کمی روی آرامش ببیند و حج درست اجرا شود. مأموران سعودی نیز رسم میهمان‌نوازی و میزبانی را نمی‌دانند. اصل اول اسلام نظافت است که در حج من ندیدم جایی تمیز باشد.

آقای لیسانس:

حکومت عربستان لیاقت مدیریت مکه و مدینه را ندارد. این قدر اینها احمق هستند که یک برنامه مدون برای حج ندارند. مأمورها هر یک ساز خودشان را می‌زدند. هیچ کدام از همدیگر حرف شنوی نداشتند. مأمورها در مکه و در حرم به جز «طریق، طریق و حره حره (منظور بره یعنی بیرون، خارج شو)، و الحاج و الحاج»، هیچ چیز بلد نیستند. باید مأمورهایی در حرم بکار بگیرند که زبان‌های زنده

دنیا را بلد باشند و بتوانند درد حاجی را بفهمند. تنها با هل دادن و پرخاشگری کاری درست نمی‌شود. در مجموع یک مشت نفهم می‌خواهند در این ایام، حج را مدیریت کنند.

آقای فوق دیپلم:

آل سعود حج را به یک عبادت بی‌روح و بی‌فایده تبدیل کرده است. مدیریت حج مدیریتی بسیار ضعیف است به طوری که عنوان مدیریت بر آن صدق نمی‌کند. مرگ تمامی حجاج بر گردن آل سعود است.

چرا مسلمانان باید جریمه آل سعود و سزای ظلم‌هایش را بدهند. بیایید همه با هم در میان خود مسائل جهان اسلام را مبادله کنیم. بیایید گروه‌هایی تشکیل دهیم تا آل سعود را رسوا کنیم.

آقای دیپلم:

واقعاً این سعودی‌ها بویی از انسانیت نبرده‌اند. اداره مکان‌های زیارتی افتضاح انجام می‌شود. همه جا آن قدر کثیف و پر آشغال است که از مسلمان بودن خودمان گاهی خجالت می‌کشیم. نظام سلطنتی سعودی‌ها مزخرف‌ترین چیزی است که وجود دارد. مرگ و میرهای بیت‌الله الحرام و منا بر گردن سعودی‌هاست و باید جبران کنند.

آقای دیپلم:

آل سعود واقعاً افراد پست فطرتی هستند. نگاه کنید اگر فقط از دیدگاه توریستی هم که به قضیه نگاه کنیم آل سعود نمره صفر می‌گیرد. واقعاً از شنیدن قضیه کشتار منا، شوکه شدم. در اخبار بسیار سریع از موضوع گذشتند.

آقا:

رفع مسئولیت از آل سعود در حادثه منا توسط اردوغان، سیاسی است.

کشورسامل عاج

آقای فوق لیسانس:

من شخصاً وقتی سیل جمعیت را دیدم، به خاطر بیماری دیابت، تصمیم گرفتم ادامه ندهم و به یکی از دوستان نیابت^۱ دادم. این همه جمعیت در آن مسیر، غیرمعقول بود. اگر چنانچه حقیقت داشته باشد که نیروهای امنیتی جلوی مسیر را سد کرده بوده‌اند، این حادثه را می‌توان ناشی از بی‌تدبیری و ناکارآمدی نیروهای انتظامات محل دانست. فکر کرده‌ام که شخصاً مطلبی درباره این حادثه بنویسم با تأکید بر این که کشته شدن این همه مسلمان، یک امر پیش پا افتاده نیست، در حالی که در قرآن آمده است که کشتن یک انسان مساوی با کشتن تمامی انسان‌هاست. اگر شما سری به خیمه‌های زائران ساحل عاج در منا بزنید و وضع بسیار نامناسب اسکان آنها را در اینجا ببینید، از بی‌تدبیری مسئولین در امر تردد زائران تعجب خواهید کرد. هر سال حج دارد برگزار می‌شود، ولی به جای اینکه زیرساخت‌ها بهتر شود، متأسفانه فقط شاهد بدرفتاری از سوی مأموران با زائران هستیم.

خانم فوق لیسانس:

متأسفانه ما در این حادثه غم بار تعداد زیادی از هموطنان را از دست دادیم، دو تا از پسر عموهایم در این واقعه تلخ جان باختند. امسال وضعیت حج با سال‌های قبل کاملاً متفاوت بود، بسیار آشفته و درهم، من

۱. اگر حاجی بعضی اعمال را نتواند انجام دهد مثل رمی جمرات، قربانی و... بایستی نایب بگیرد.

سال‌هاست که در مراسم حج شرکت می‌کنم و هرگز چنین وضعیتی را ندیده‌ام. آن از حادثه مسجدالحرام که جان زائران بسیاری را در کنار خانه امن الهی گرفت و این هم از این ماجرا، تأسّف انگیز است. برنامه‌ریزی اشتباه مسئولین عربستان به خاطر عبور شاهزاده سعودی از مسیر رمی جمرات عامل اصلی این ماجرای دلخراش بود، چه‌طور می‌شود این همه جمعیت را از خیابانی کم عرض عبور داد. به نظر من قبل و بعد از این حادثه مأموران سعودی در انجام وظایف خود کوتاهی کردند، قبل از حادثه با بستن راه‌های ورود به طرف رمی جمرات و بعد از اتفاق با تأخیر در رساندن به موقع کمک به مصدومین، حداقل می‌توانستند با هلی‌کوپترهای در حال پرواز بر روی مصدومینی که به دلیل کمبود آب و گرمای زیاد بی‌هوش شده بودند، آب بریزند و به آنها کمک کنند اما این کار را هم نکردند.

آقای لیسانس:

من در محل حادثه بودم و توانستم از چادرها بالا بروم و خودم را نجات بدهم. البته چون من در کناره خیابان بودم توانستم نجات پیدا کنم، ولی اگر در وسط خیابان بودم، به هیچ وجه امکان اینکه خودم را به چادرها برسانم نبود و شاید الآن مرده بودم. خیمه‌های اطراف نه تنها با ما هیچ کمکی نکردند، بلکه خود من را هم که توانسته بودم بالا بروم، هل می‌دادند تا دوباره به خیابان بیفتم. من از بالای چادرها می‌دیدم که جلوی جمعیت بسته شده ولی هیچ اقدامی از سوی نیروهای پلیس نبود، مگر دو سه نفری که در میان جمعیت با بلندگو فقط به مردم می‌گفتند که «برگردید» که این خودش باعث شده بود بسیاری از زائران فکر کنند پشت سرشان خالیست و تلاش می‌کردند که برگردند و این باعث بدتر گره خوردن جمعیت می‌شد.

خانم:

گروه ما بسیار خسته و بی‌رمق بود، چون شب قبل در مشعر وقوف داشتیم و نه شام خورده بودیم و نه استراحت کرده بودیم، راه قابل توجهی هم از مشعر تا چادرهای مناطی کردیم. بعد از گذاشتن وسایل در چادر به قصد انجام رمی جمرات به راه افتادیم، هوا خیلی گرم بود. در ابتدای راه مأموران سعودی اسپری‌هایی در هوا می‌زدند. خواهرم به من گفت بین دارند مواد ضد عفونی می‌زنند که از انتقال میکروب جلوگیری کنند، کمی جلوتر که رفتیم احساس ضعف عجیبی به من دست داد. شدت گرما هم که لحظه به لحظه زیادتر می‌شد. ناگهان سربازان سعودی از حرکت گروهی که پیشاپیش ما در حال حرکت بود جلوگیری کردند و امر به بازگشت دادند. با این حرکت گروه ما، وسط گروه عقب‌تر و گروه جلوتر محاصره شد. من احساس خفگی می‌کردم. دو نفری که در کنارم بودند از حال رفتند. من نیز در حال بی‌هوش شدن بودم که نیهی بر خودم زدم و تمام قدرتم را جمع کردم و خود را محکم نگه داشتم تا بر زمین نیفتم و خود را به طرف چادر مراکشی‌ها کشیدم و از آنها درخواست کردم در چادرها را باز کنند و به ما آب بدهند. اما آنها هیچ اعتنایی به ما نکردند و مانع ورود ما به چادرهایشان شدند. به چادر کناری که درست بیاد ندارم متعلق به عراقی‌ها بود یا کشور دیگری پناه بردم، خوشبختانه آنها در چادرشان را باز کردند و به ما آب دادند. مدتی در چادر آنها بی‌هوش افتادم، هنگامی که از چادر بیرون آمدم تلی از کشته شدگان این حادثه را در برابرم دیدم بسیار دردناک بود. من راضی به رضای خداوندم، مطیع فرمان اویم، اما خاطره خوبی از این سفر در ذهن ندارم، حادثه اول که بسیار سهمگین بود و دومین حادثه دردناک‌تر از اولی، به دلیل عدم برنامه‌ریزی صحیح از سوی عربستان، این فاجعه انسانی رخ داد. مسئولین سعودی درصدد هستند حجاج را متهم اصلی این فاجعه معرفی کنند، در حالی که این ماجرا فقط و فقط به خاطر

بی‌کفایتی خودشان بوده است. نمی‌دانم چرا دولت ما آمار دقیقی از کشته شدگان را اعلام نمی‌کند.

خانم:

ما در حال رفتن به طرف جمرات بودیم. البته در بین گروه عظیمی از جمعیت که یک دفعه دیدم گروهی که جلوتر از ما در حال حرکت بودند، به عقب برگشتند و جمعیت پشت سرهم به ما فشار می‌آوردند. در نتیجه ما بین این دو گروه محبوس شدیم. چند نفر از افرادی که در کنارم بودند از کمبود اکسیژن کشته شدند من هر چه سعی می‌کردم بلند شوم نمی‌توانستم، در واقع قدرت بلند شدن را نداشتم. تشنگی به شدت آزارم می‌داد، در یک لحظه بازوی کسی را گرفتم اما باز افتادم، دوباره سعی کردم تمام قدرتم را جمع کنم و بایستم. این بار با کمک دو نفر موفق شدم بایستم و از نرده کنارم بالا بروم، خانمی کمی آب به من داد و یخ روی سرم گذاشت، حدود سه ساعت بی‌هوش بودم، بعد از بیهوش آمدن پرسان پرسان چادر هموطنانم را پیدا کردم. شنیدم مأموران هنگام جمع‌آوری بدن‌ها، زنده‌ها را هم به همراه کشته شدگان جمع‌آوری می‌کردند، به جای اینکه ابتدا زنده‌ها را جدا و به بیمارستان انتقال دهند، همه را با هم جمع کردند، یکی از هموطنانم در حین غسل میت که روی بدنش آب می‌ریختند بیهوش آمد و شروع به گفتن الله اکبر کرد. وقوع چنین اتفاقاتی بسیار غم‌انگیز است. خوب همه اینها خواست خداوند است و ما کاملاً مطیع اوامرش هستیم، اما اگر برنامه به درستی نظم داده می‌شد، این اتفاق دردناک نمی‌افتاد. امروز صبح امام جماعت مسجدالحرام در سخنرانی‌اش علت وقوع این فاجعه را بی‌نظمی حجاج اعلام کرد و خیلی هم عصبانی بود. مگر ما میهمانان خداوند نیستیم و دولت سعودی خود را خدمتگذار زائران نمی‌داند؟ پس چرا آنچه ما می‌بینیم غیر این است، آنها هیچ احترامی به زائران نمی‌گذارند. آنها به وضوح با

میهمانان خداوند بدرفتاری می‌کنند. ببینید حتی همین حالا با بستن راه‌های ورودی به مسجدالحرام چقدر مسیر رفت و آمد را برای زائران سخت می‌کنند. طبقه دوم مسجد کاملاً خالی است، اما آنها با بستن درهای ورودی اسباب زحمت زائران را به وجود می‌آورند، واقعاً دلیل این کارشان چیست؟

آقا:

اگر در خیابان محل حادثه، افشانه‌های آب را فعال کرده بودند، بسیاری از افراد، دچار گرم‌زدگی و مرگ نمی‌شدند. متأسفانه هیچ راه خروجی در محل حادثه وجود نداشت. من در بین مسیر هیچ نیروی پلیسی را ندیدم که مردم را راهنمایی کند. ما نمی‌دیدیم چه اتفاقی در جلوی ما افتاده است. ولی خود این نکته که پلیس داد می‌زد که برگردید، بیشتر به استرس و گره‌کارم افزود. در آنجا اصلاً بحث توان جسمی و پیر و جوان و زن و مرد دیگر نقشی نداشت. عده‌ای به صورت اتفاقی زنده ماندند. مثل خود من که یک پیرمرد ضعیف هستم، در حالی که دیدم جوانانی با جثه‌های تنومند، متأسفانه در بین جمعیت گیر کرده بودند و تعداد زیادی از آنها جان خود را از دست دادند.

آقا:

من خودم به عنوان روحانی کاروان، به همراه تعدادی از زائران کاروانم و هم‌چنین همسرم در حادثه گیر افتاده بودیم. در این حادثه یک پسرزن از کاروان من جان خود را از دست داد. این حادثه مطمئناً ناشی از اشتباه انسانی است و به هیچ وجه نمی‌توان آن را یک حادثه طبیعی دانست. ما دقیقاً نمی‌دانستیم چه اتفاقی می‌افتد، ولی معلوم بود که نیروهای امنیتی راه را سد کرده‌اند و شنیده‌ایم که یکی از شاهزادگان از آنجا عبور می‌کرده است.

آقا:

نیروهایی که برای تأمین امنیت زائران در مسیر جمرات از آنها استفاده شده بود نیروهای آماتور و به شدت غیرحرفه‌ای بودند. جای تعجب دارد که حج، با حداقل ۱۴۰۰ سال تجربه برگزاری از زمان پیامبر، به جای آن که سال به سال بهتر برگزار شود، بدتر می‌شود و دچار حوادثی این چنینی هستیم. این حادثه فقط به خاطر بی‌برنامه‌گی مسئولین برگزاری و عدم ابتکار عمل آنها در زمان حادثه رخ داد، چرا که من پیش از این هم سه بار به حج آمده بودم و علی‌رغم اینکه جمعیت بیشتر بود، ولی به خاطر اینکه برای هر کشوری ساعتی خاص برای عبور و مرور معین کرده بودند، رفت و آمد به صورت روان انجام می‌شد. حتی اگر یک زلزله هم اتفاق می‌افتاد در چنین فضای کوچکی این همه کشته برجا نمی‌گذاشت، ضمن این که زلزله یک حادثه طبیعی است. اما آنچه که اینجا اتفاق افتاد، ناشی از یک اشتباه انسانی بود و این بسیار بسیار غم‌انگیزتر است.

کشور عراق

آقای فوق لیسانس:

سعودی‌ها با حجاج به ویژه ایرانی‌ها و عراقی‌ها رفتار نامناسبی دارند، در حالی که زائران ایرانی و عراقی بسیار با برنامه و منظم هستند. تلفات زیاد این چنین در حرم امن الهی و مکه و منا بسیار عجیب و ناباورانه است. شنیدم در منا بسیاری از تشنگی شهید شدند و امداد رسانی ضعیف و با تأخیر بوده است.

حج فرصت عبادت و ابزار عبودیت و مودت است، ولی افسوس که سعودی‌ها فرصت زیبای عبادت در حج را به ماتم و مصیبت تبدیل کردند. حجاج در این فاجعه خیلی صدمه دیدند و عربستان در فاجعه منا خوب عمل نکرد. الجزایری،

پاکستانی، مصری و ایرانی‌های زیادی کشته شدند و اگر اجازه کمک به دیگران مثل ایران می‌دادند تلفات کمتر بود.

آقا:

عوامل سعودی در موسم حج سال جاری بسیار بد عمل کردند. بی‌برنامگی، بی‌عرضگی و ناهماهنگی از ویژگی‌های امسال آنان بود. در حادثه سقوط جرتقیل و در فاجعه هولناک منا، با بی‌برنامگی خود باعث بالا رفتن عدد قربانیان شدند. عراق در فاجعه منا چندین کشته داد که بعضی از آنها مقامات برجسته بودند. از این رو احتمال برنامه‌ریزی جهت ربودن این مقامات را هم می‌دهیم. دلیل این سخن این است که مسؤول اطلاعات و امنیت بغداد مفقود است. از طرفی همسرش می‌گوید که از دو روز قبل از فاجعه منا، دیگر تماس تلفنی با خانه نداشته است. برای مثال اسماعیل حمید زائر، رئیس بخش مبارزه با جرائم بزرگ در بغداد که مسؤول پرونده‌های تروریسم، قاچاق، پولشویی و باندهای تبهکار را بر عهده داشته است، جسد وی سه روز پس از واقعه منا کشف شد، اما هنوز خبری از تعدادی همکارانش که همراه او بودند وجود ندارد.

کشورمالزی

آقای فوق لیسانس:

در حادثه سقوط بالابر در مسجدالحرام هفت نفر از هم‌وطنان من کشته و تعدادی هم آسیب دیدند. ظاهراً عدم مدیریت صحیح از یکسو و آشفتگی حرکت حجاج از سوی دیگر موجب بروز چنین حادثه تلخی شده است. عمق فاجعه به بی‌کفایتی مأموران سعودی بر می‌گردد. این مستندات بسیار اسفناک بود.

خانم لیسانس:

حادثه مسجدالحرام و منا یکی از بدترین حوادث جهان اسلام است. آیا می‌شود، این فاجعه را قضا و قدر نامید، در حالی که بی‌کفایتی سعودی‌ها در آن کاملاً مشهود است. دلیل عمده این حوادث مدیریت نادرست و عدم هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف سعودی است. اگر آنها برای حجاج ارزش قائل بودند و کار در مسجدالحرام را متوقف می‌کردند، آن حادثه ناگوار پیش نمی‌آمد. در حادثه مسجدالحرام هفت نفر از حجاج مالزیایی کشته شدند، زیرا رئیس کاروان ما اعلام کرده بود که به علت طوفانی بودن هوا، هتل را ترک نکنید. در منا هم یک مالزیایی که به طور اتفاقی در مهلکه گیر کرده بود کشته شد. آن طور که من مطلع شدم، علت اصلی این حادثه بسته بودن دو مسیر رفت و برگشت حجاج به رمی جمرات به دلیل عبور شاه عربستان از این منطقه بوده است. از کشته شدن بسیاری از حجاج، به ویژه ایرانی‌ها بسیار متأسف شدم و امیدوارم در سال‌های آینده این گونه حوادث تکرار نشود.

آقای لیسانس:

سعودی‌ها لیاقت اداره چنین مکانی را ندارند. هر ساله ما شاهد حادثه متفاوتی هستیم. گفتند ۷۰۰ کشته داشته ولی مشاهدات و تجربه من می‌گوید تعداد کشته‌ها بیشتر است. مأمورین سعودی خشن و بی‌تجربه هستند.

آقا:

سعودی‌ها لیاقت مدیریت حرمین شریفین را ندارند. آنها در سال‌های گذشته نیز این را نشان داده بودند. کشورهای اسلامی هم اکنون نباید ساکت بنشینند و باید با تشکیل شورایی مشترک مدیریت مراسم حج را بر عهده گرفته و از دست سعودی‌ها خارج کنند.

سالانه طوفان‌های شدیدتری در آمریکا اتفاق می‌افتد، ولی تا به حال یک جرثقیل در آنجا سقوط نکرده است. یعنی سقوط جرثقیل در اینجا غیرطبیعی می‌باشد.

کشور بنگلادش

آقای لیسانس:

خدمات رسانی عربستان به حجاج غیرقابل قبول است. آنها هیچ احترامی برای حجاج قائل نمی‌شوند.

آقای لیسانس:

در مورد منا باید بگویم که سهل‌انگاری صورت گرفته و باید بهتر عمل می‌شد. تعدادی از هموطنان من در این واقعه جان باختند. البته، مدیریت مناسک به طور کلی ضعیف بود. آن‌طور که من شنیده‌ام افراد زیادی از کشورهای نیجریه، پاکستان، ایران و... جان باخته‌اند و این موضوع باید بار دیگر تکرار نشود. عوامل آن شناسایی و تعقیب شوند.

کشور افغانستان

آقای لیسانس:

بی‌کفایتی و سوء مدیریت سعودی‌ها سبب بروز فاجعه منا شده است. اصلاً حاکمان سعودی نمی‌دانند مدیریت در هر سطحی از آن چه معنایی دارد و کاملاً با واژه آن بیگانه‌اند، این‌گونه است که چنین وقایع دردناکی اتفاق می‌افتد.

آقای لیسانس:

فاجعه و کشتار منا و حادثه سقوط جرثقیل در مکه نشان از ناتوانی عربستان در

اداره حج دارد. سعودی‌ها با تأخیر، امدادسانی ضعیفی را انجام دادند. شنیدم اگر می‌فهمیدند مصدوم، ایرانی یا شیعه است، در کمک کوتاهی و یا مشکل ایجاد می‌کردند و حتی عده‌ای از تشنگی شهید شدند.

کشور انگلستان

آقای فوق لیسانس:

در بروز حادثه منا گرچه این واقعه بر اثر ازدحام و شلوغی بود ولی قطعاً سوء مدیریت سعودی‌ها و تعلل آنها در ایجاد و تشدید این ماجرا مؤثر بوده است.

آقای لیسانس:

هر چند برای منا و جمرات کارهای خوبی انجام شده اما کافی نیست. مقصر حادثه منا دولت سعودی است و باید مسئولیت آن را بپذیرد. مأموران سعودی در مسجد الحرام نیز درست حجاج را راهنمایی نمی‌کنند و ورود و خروج به مسجد سخت است.

خانم دیپلم:

از جمله حادثه‌ای که در منا اتفاق افتاد نشانه عدم مسئولیت پذیری سعودی‌ها در مراقبت کردن از زائرین است. متأسفانه عربستان، آمریکا و اسرائیل را به عنوان دوست خود می‌داند در حالی که کشوری مسلمان است و مسئولیت اداره حرمین شریفین را دارد.

به نظر می‌رسد راه حل حادثه و فاجعه منا اداره بین‌المللی حرمین شریفین توسط کشورهای مسلمان است. به نظر می‌رسد مسلمانان باید اختلاف‌های جزئی بین خود را فراموش کنند تا بتوانند باعث تقریب دل‌ها و نزدیک شدن مذاهب مختلف شوند.

کشورتونس**خانم دکتر:**

چادر ما در منا نزدیک این فاجعه بود و مردم از گرما و تشنگی طاقت نداشتند. راه بسیار باریک بود و عده‌ای از طرف مقابل حرکت می‌کردند و راه را تنگ‌تر کردند. بعضی‌ها به خیمه‌های ما پناه آوردند، ولی گرما خیلی زیاد بود. نمی‌دانیم چرا راه را بسته بودند، مردم به یک راه باقی مانده هجوم آوردند.

آقای دکتر:

رفتار با حجاج باید متین و نرم و متواضعانه باشد. سعودی‌ها متکبر، خشن و بدررفتارند و زائران بسیار اذیت می‌شوند. سعودی‌ها طلبکارانه، بد و نامناسب با حجاج برخورد می‌کنند، در حالی که حج مال همه مسلمین است. اوج بدررفتاری با حجاج در فاجعه منا بود.

آقای فوق لیسانس:

من و خانم در هنگام وقوع حادثه منا در خیمه خود بودیم. خیمه کاروان ما در نزدیکی محل حادثه بود. ما به سبب ضجه‌ای که در هنگام حادثه به وجود آمد بیرون رفتیم و شاهد عینی ماجرا بودیم. ما تونس‌ی‌ها به دلیل نزدیک بودن چادرهایمان به جمرات، صبح زود، عمل رمی جمره عقبی را انجام داده و به چادرهای خود بازگشتیم و پس از بازگشت ما این حادثه به وقوع پیوست. لطف خدا شامل حال ما شد که تعداد کشته‌های ما بسیار اندک بود. کوتاهی در عدم رسیدگی صحیح به مجروحین حادثه بسیار زیاد بود. شغل خانم من پرستاری است و با توجه به حرفه‌اش کارهای ناشیانه صورت گرفته از سوی مأمورین سعودی برای وی قابل تحمل نبود. بسیاری از کشته‌ها به دلیل ماندن زیر دیگران تلف شده‌اند در صورتی

که اگر سریع‌تر به آنها امدادرسانی می‌شد و از زیر اجساد و مجروحین خارج می‌شدند امکان نجات آنها بسیار زیاد بود. اگر نیروهای امدادی به موقع به وظایف خود عمل می‌کردند مسلماً فاجعه به این بزرگی اتفاق نمی‌افتاد. عربستانی‌ها دروغ می‌گویند؛ کاروانی از آن منطقه عبور نکرده است. من خودم قطعه فیلمی از عبور کاروان سلطنتی از یکی از خیابان‌های محل تردد حجاج گرفته‌ام که متأسفانه هم اکنون همراه من نیست. آن را بعداً برایت می‌فرستم.

عربستانی‌ها باید مسئولیت این واقعه اسف بار را بپذیرند. بی‌کفایتی حکام سعودی در عدم کنترل اوضاع بحرانی کاملاً مشهود بود. نیروهایی که با تأخیر به محل حادثه رسیدند اصلاً با اصول اولیه امدادگری آشنا نبودند و تنها کار آنها نعش کشی بود. مجروحین را به جای انتقال سریع به اورژانس و بیمارستان در کنار کشته‌ها بر روی برانکارد در زیر تابش حرارت آفتاب قرار می‌دادند.

همه کشورهای اسلامی باید در جلوگیری از تکرار چنین حوادثی در سال‌های آینده همت کنند. کاملاً واضح است که آل سعود با سیطره بر منابع درآمد ناشی از آمدن میلیون‌ها حاجی از کشورهای مختلف حاضر نیستند که در این درآمد کسی را شریک خود بدانند. آنها آمدن افرادی از کشورهای دیگر برای کنترل امور حج را به عنوان دخالت در کشور خود عنوان می‌کنند، در صورتی که حج یک مسئله داخلی سعودی و مختص به این کشور نیست. همه کشورهای اسلامی خواستار برگزاری حجی آرام و بدون تلفات هستند.

سعودی‌ها باید این موضوع را درک کنند هر چند که بعید می‌دانم درک کنند، زیرا پول‌های باد آورده چشم‌های آنها را از دیدن حقیقت کور کرده است. باید بعد از موسم حج، حرکتی از سوی حجاج تمام کشورها بر علیه آل سعود انجام شود، تا شاید بتوان آنها را مجبور به پذیرش این حقیقت کرد. خانمم می‌گوید این مسئله کوتاهی در ارائه خدمات پزشکی، در مجامع بین‌المللی قابل پیگیری است. در رابطه

با مشارکت کشورهای مختلف جهت کنترل حجاج و مراسم، باید برنامه‌ریزی جهت حج سال‌های آینده صورت بگیرد.

آقای فوق لیسانس:

فرصت زیبای عبادت در حج در روز عید و در منا به ماتم و مصیبت تبدیل شد. خداوند به ایران که تلفات زیادی در این حادثه داده صبر عنایت کند. عربستان در فاجعه منا خوب عمل نکرد. اگر اجازه کمک به دیگران می‌دادند تلفات کمتر بود. سعودی‌ها عموماً خشن و بی‌عاطفه‌اند و شنیده‌ام روی جنازه‌ها و زنده‌ها راه می‌رفتند.

آقای فوق لیسانس:

گر چه حج می‌توانست فرصت وحدت و مودت امت اسلامی باشد و هست انشاءالله، ولی فاجعه مکه و منا کام‌ها را تلخ کرد و حجاج در منا تلفات زیادی داشتند. ضعف میزبان و عدم کمک گرفتن از دیگران بر عمق فاجعه افزود، گر چه تقدیر الهی را هم نباید نادیده گرفت.

آقای لیسانس:

رفتار عوامل سعودی با ادعای خدمت به حجاج نمی‌سازد. سعودی‌ها تند، خشن و طلبکارانه با حجاج رفتار می‌کنند. در فاجعه منا، جلوگیری از کمک و امداد رسانی دیگر کشورها، عمق فاجعه را افزایش داد. اگر به ایران و دیگر کشورها اجازه امداد رسانی می‌دادند، تلفات خیلی کاهش پیدا می‌کرد.

خانم دیپلم:

از عربستانی‌ها متنفرم. خدمات و رسیدگی آنها صفر است. مریض شدم رفتم بیمارستان، با نهایت بی‌رحمی با من برخورد کردند. بعید نیست چنین آدم‌هایی در

منا با حجاج، چنین رفتاری داشته باشند. به شدت از فاجعه منا متأثر هستم. ما شنیدیم به علت میهمانان پادشاه، راه‌ها را بسته بودند. مأموران داخل مسجدالحرام بدترین اخلاق را دارند. واقعاً حیف است که چنین جای مقدسی دست چنین افرادی بیافتد.

خانم:

حادثه در منا واقعاً فاجعه بود. عید قربان واقعاً قربانگاه شده بود. من در تمام عمرم این همه کشته حتی در فیلم‌ها و تلویزیون ندیده بودم. تا چشم کار می‌کرد اجساد بود که در کنار هم چیده بودند و بعد از آن به چشم خودم دیدم که اجساد را مانند گوشت قربانی با دستگاه برمی‌داشتند و میرختند پشت تریلی.

واقعاً وحشتناک بود. گویا اینها بشر نبودند و یک مستی لاشه حیوان بودند. بدتر از این گویا آشغال جمع می‌کردند و در ماشین می‌انداختند. اگر این کشته‌ها از خودشان بود آیا این کار را می‌کردند؟ آمار قربانیان خیلی بیشتر از آنچه که اعلام کردند هست، خیلی زیاد بودند، تا صبح صدای آنها می‌آمد و بعد از آن بوی تعفن و خون مردگان همه را اذیت می‌کرد. چرا در یک کشور اسلامی که این همه جبروت و ادعا دارد باید چنین اتفاقاتی بیفتد، چرا از اول کشورها را از هم جدا نکردند؟ آن‌طور نیست که نیروهایشان کمک نکردند، این انصاف نیست که این را بگوییم چون من با چشمان خود دیدم که چگونه همه کمک می‌کردند و بسته‌های بزرگ آب را می‌آوردند و به مصدومان می‌دادند ولی فاجعه خیلی بزرگ بود آنها هر چه هم کمک می‌کردند به جایی نمی‌رسید و خیلی‌ها را نمی‌توانستند کمک کنند. متأسفانه حتی رانندگان اتوبوس‌های آنها ناشی هستند. ما شب که از مزدلفه بیرون آمدیم تا هشت صبح راننده راه را گم کرده بود و ما را در خیابان‌ها می‌چرخاند، چرا وضع باید این‌طوری باشد. اگر امکانات آنها کم است لااقل کمتر حجاج قبول کنند.

خانم:

حادثه منا در جلوی چادرهای ما رخ داد. ابتدا برای ورود به چادرهایمان ما را از همین خیابان هدایت می‌کردند و ما مشکل داشتیم اما راه دیگری نبود. پلیس اجازه نمی‌داد کمکی بکنیم و هر چه التماس می‌کردیم می‌گفتند به شما مربوط نیست. نیروهای امدادی می‌آیند. ما را می‌ترسانند که خودتان می‌میرید. هیچ‌گونه امدادی تا ساعت‌ها ارائه نشد. پیکرها زنده و مرده تا ساعت دو و نیم شب روی زمین بود و بعد از آن هم با لیفتراک بر می‌داشتند و به درون کانتینر می‌ریختند. ابتدا از فریاد و استغاثه آسیب دیدگان آرامش نداشتیم. بعد از این که کم‌کم صداها خاموش می‌شد و ما کاری نمی‌توانستیم بکنیم. آخر شب هم از بوی تعفن نمی‌توانستیم در چادر بمانیم. پلیس را سرگرم می‌کردیم تا برویم و یکی دو نفر را بیاوریم و بعد که متوجه می‌شد دوباره در را می‌بست و نمی‌گذشت ادامه بدهیم. مردان را خبر کردیم تا نرده‌ها را کج کنند و به مجروحان کمک کنیم، ولی زورشان نمی‌رسید. از لابلای چادرها آب می‌پاشیدیم ولی نمی‌گذاشتند و دست آخر هم در را رویمان قفل کردند. من اصلاً نمی‌توانم بخوابم و مدام صدای فریاد کمک‌خواهی آسیب‌دیده‌ها را می‌شنوم و تصاویرش را جلوی چشم دارم. سعودی‌ها انسان نیستند. صد رحمت به یهود. مثل سگ با حجاج رفتار کردند.

کشور سوریه**آقای لیسانس:**

شهادت تعداد زیادی از حجاج بیت‌الله الحرام در سرزمین منا واقعاً تأسف بار و نگران‌کننده است، عدم هماهنگی و بی‌نظمی از طرف ماموران سعودی و فشار زیاد جمعیت موجب رخ دادن این حادثه گردید، من هم به شما تسلیت می‌گویم، چرا که

تعدادی از شهدا از مردم ایران بودند و آنان واقعاً به شهادت رسیدند و تصور من این است که تمام کشورهای اسلامی پیشنهادهای خود را تهیه و طی برنامه دقیق در اختیار برنامه‌ریزان سال آینده در منا قرار دهند.

آقای لیسانس:

سعودی‌ها خوب نتوانستند عمل کنند و قادر به مدیریت بحران نبودند و حجم زیادی از تلفات ناشی از بی‌تدبیری بود.

کشور سومالی

آقای فوق لیسانس:

در منا سعودی‌ها تمام راه‌های منتهی به جمرات را بسته بودند، لذا این فاجعه پیش آمد. سعودی‌ها نمی‌توانند کنترل اوضاع را در دست بگیرند، لذا این افراد کشته شدند. می‌گویند یکی از شاهزاده‌ها برای رمی جمرات آمده بود و راه را بسته بودند، مردم تجمع کردند و گرمای شدید سبب مردن حاجی‌ها شد.

سعودی‌ها می‌خواهند، با پنهان کردن حقایق، موقعیتشان آنها نزد مسلمانان و افکار عمومی جهان دچار تزلزل نشود.

کشور نیجیر

آقای دکتر:

من فکر می‌کنم منا یک اتفاق بود، ولی به عنوان یک شخصی که موضوعات دیپلماتیک را درک می‌کند باید بگویم سعودی‌ها می‌توانستند با برنامه‌ریزی، جلوی این حادثه را بگیرند. همه می‌دانند که عربستان فاقد نیروهای تخصصی است و این یک ضعف است. گر چه باید اذعان کنم که به نسبت سال‌های گذشته کارهای زیادی

صورت گرفته ولی کافی نیست و سالانه به تعداد حجاج اضافه می‌شود و این مورد برنامه‌ریزی و کار فراوان را می‌طلبد. تعدادی نیجریه‌ای مفقود و یا جان باخته‌اند ولی رقم دقیقی در حال حاضر از آن ندارم. اما تعداد زیادی از نیجریه جان باخته‌اند.

خانم لیسانس:

من اهل نیجر و ساکن بلژیک هستم، کاروان ما دو ساعت قبل از وقوع حادثه منا رمی را انجام داد و به چادرها بازگشت. واقعاً اتفاق ناراحت‌کننده‌ای برای امت اسلام است، من از شنیدن این خبر شوکه شدم، جای بسی تأسف است که به خاطر عبور چند نفر راه را بر جمعیتی عظیم ببندند و موجبات وقوع این حادثه غم بار را فراهم کنند. در حال حاضر هم که هیچ کس مسئولیت این فاجعه را نمی‌پذیرد، حتی در رسانه‌هایشان در این باره بحث و گفت‌وگو نمی‌کنند، متأسفانه فقط به دنبال یافتن مجرمان غیرسعودی هستند.

خانم لیسانس:

امسال سوء مدیریت عربستان کاملاً مشهود است. بستن راه حجاج و هدایت همه آنان به راهی کوچک باعث حادثه وحشتناک منا می‌باشد. در رسانه‌ها آمده این کار برای عبور شاه بوده است. عربستان مسئول کشته شدن حجاج در حرم و مناست. بسته شدن راه‌ها و گرمی هوا و یکی شدن مسیر رفت و برگشت، عامل ایجاد فاجعه شده و آماده نبودن نیروهای کمک رسان عربستان باعث تشدید حادثه شده است. کشته شدگان به مقام شهادت رسیده‌اند. تعداد زیادی از نیجر کشته و زخمی و مفقود شده‌اند. کسی باید پاسخ‌گوی خانواده این افراد باشد. حج باید محل آرامش برای عبادت باشد، امسال حوادث مکه و مناسبت و آرامش حجاج را سلب کرد. خانواده‌ها نگران بستگانشان هستند. مسلمانان باید نسبت به اداره صحیح حج و عمره حساس باشند.

خانم دیلم:

واقعه منا واقعاً اتفاق تأسفباری بود، مسلمانان که شب را در مشعر گذرانده بودند بعد از سپری کردن مسافت زیاد به منا رسیدند و با راه‌های بسته مواجه شدند، مأموران سعودی تمام راه‌های منتهی به محل جمرات را به جز یک خیابان کم عرض بسته بودند، برای اینکه پادشاه سعودی قصد داشت به رمی جمرات برود.

مگر در دین اسلام و بر اساس آیات قرآن همه انسان‌ها با هم برابر نیستند؟ مگر برترین و عزیزترین فرد نزد خداوند با تقوی‌ترین نیست؟ پس چرا در اینجا بین شاه و مردم عادی این قدر تفاوت وجود دارد؟

برای این که شاه از مسیری عبور کند این همه انسان کشته شدند. دلیل دیگر وقوع این حادثه، دوطرفه شدن مسیر کم عرض و در نتیجه ازدیاد جمعیت در محل وقوع حادثه بود. تحمل این واقعه به قدری برای ما سنگین بود که بعضی از جوانان نیجری می‌گویند ما دیگر به حج نمی‌آییم. سعودی‌ها در کمک‌رسانی به حجاج بسیار کند عمل کردند و این مسئله برای آبروی عربستان خیلی بد است. دوستان من تعریف کردند که در هنگام کمک‌رسانی نیروهای سعودی بین مصدومین تفاوت می‌گذاشتند. اگر مصدوم عرب بود سریع منتقل می‌کردند، اما اگر سیاه پوست بود رها می‌شد تا جان دهد. از هموطن‌های من حدود ۱۰۰ نفر جان باختند و تعداد زیادی ناپدید شدند، من آمار دقیقی ندارم.

کشورمالی

آقای دکتر:

قطعاً سوء مدیریت و غفلت در قضیه منا باعث این اتفاق ناگوار گردید. اگر از قبل، پیش‌بینی‌ها انجام می‌شد، شاید این اتفاق نمی‌افتاد. البته اگر بعد از اتفاق هم همه چیز

آماده بود، این قدر آمار قربانی‌ها بالا نمی‌رفت. کشورهای غربی ممکن است به ما ایراد بگیرند که ما مسلمانان چقدر بدون برنامه عمل می‌کنیم و آنها چقدر منظم هستند. حکومت عربستان باید جوابگو باشد. من تعدادی از هم‌وطنانم را از دست داده‌ام و این خیلی تلخ است.

آقای فوق لیسانس:

از واقعه منا عمیقاً متأثر هستم. چرا باید مسلمانان این گونه مثل حیوان روی هم ریخته و کشته شوند. بی‌نظمی، سوءمدیریت و عدم آمادگی برای این مراسم کاملاً مشخص بود.

آقای لیسانس:

آنچه در منا گذشت جنایت و قتل عام مردم بی‌گناه بود. از کشور مالی تا این ساعت یک نفر کشته و ۱۵ نفر ناپدید اعلام شده است. علت این حادثه به کنار، بی‌تفاوتی مسئولین سعودی نسبت به جان حجاج و مسلمانان خیلی دردآور است. عامل این بی‌خیالی و بی‌توجهی سعودی‌ها را باید در رفاه بیش از حد آنها و غرور و تکبرشان دانست. من و دوستم هر دو در وسط واقعه گیر افتاده بودیم. از تشنگی و گرما داشتیم هلاک می‌شدیم. نهایتاً خودمان را به روی بام چادرها رساندیم و از آنجا به داخل یکی از کمپ‌های الجزائری انداختیم. برخورد حجاج الجزایری نیز با مسلمانان بحران زده خوب نبود.

کشور الجزایر

خانم لیسانس:

من در روز واقعه منا در حال بازگشت از رمی بودم، زیرا ما ساعت هفت برای رمی به جمرات رفتیم. واقعه بسیار دردناکی بود و خواست خدا بود که این اتفاق

بیفتد. حوادثی که در مکه و منا رخ داد. احتمالاً جنبه سیاسی داشته است. از کشور من حدود ۱۴ کشته و ۲۴ نفر مفقود شده‌اند. ولیعهد عربستان با قطار برای رمی جمرات آمده نه با ماشین. لذا لزومی برای بستن خیابان نبوده است. فیلمی که از شاهزاده در رمی از داخل ماشین گرفته شده خیلی عجیب است. چگونه می‌توان از داخل ماشین سنگ زد؟ عمال سعودی رفتار خشنونت‌آمیزی با حجاج دارند. ما حاجیان کاری نمی‌توانیم بکنیم، بلکه دولت‌ها باید اقدام کنند.

خانم:

باید کشورهای اسلامی دولت عربستان را برای این جنایت بایکوت کنند. شنیدم سعودی مشکلات منا را گردن ایران انداخته است. این بازی جدید سعودی است تا حواس مردم را پرت کند. جنازه‌ها در منا آنقدر زیاد بود که با بیل بر می‌داشتند مثل تکه سیمان.

کشور توگو

آقای فوق دیپلم:

درباره فاجعه منا ما تاکنون از هرگونه خبر و یا تصویر و فیلم واقعی بی بهره بوده‌ایم و به همان شایعات کلی و اخبار غیر دقیق اکتفا نموده‌ایم. مدیریت میدانی عوامل سعودی مناسب نبوده است. پس از دیدن این تصاویر و فیلم‌ها که در گوشی همراه همه است به عمق فاجعه بیشتر پی می‌برم. عجیب که در مسیری اندک با بی‌تدبیری جماعت زیادی از حجاج کشته می‌شوند.

آقا:

بیشتر کشته شدگان حادثه منا اهل نیجریه هستند. مع‌الاسف این کشور به طور رسمی هیچ عکس‌العمل مؤثری از خود نشان نداده است. عدم توانایی سعودی‌ها در مدیریت بحران مشهود است. حجاج جنوب شرق کمترین آسیب را داشته‌اند.

کشور سنگال

آقای فوق لیسانس:

خیلی از مصدومین منا مطمئناً به خاطر عدم رسیدگی سریع جان خود را از دست دادند، در حالی که اگر در همان ساعات یک بطری آب دست کسی می‌دادند، شاید الآن زنده بودند. فکر نمی‌کنم که به جز ایران، کشور دیگری این قدر شجاعت داشته باشد که بخواهد حق جان باختگان این حادثه را از دولت عربستان بازخواست کند. غربی‌ها برای نجات یک گربه، ده تا آمبولانس در محل حادثه حاضر می‌کنند، حالا اینجا ببینید برای جان این همه مسلمان معصوم چقدر تجهیزات به میدان آوردند؟!

آقا:

حادثه منا فقط ناشی از بی‌کفایتی آل سعود است. متأسفانه دولت‌های ما این قدر عرضه ندارند که حق خود زائران خود را از عربستان مطالبه کنند، چرا که بیشتر آنها از سوی عربستان تطمیع می‌شوند. از آنجا که تعداد قابل توجهی از زائران کشور من با بخش خصوصی به حج می‌آیند، خود این امر هم عاملی است برای آن که دولت خیلی پی‌گیری این قضیه را جدی نگیرد. اگر چادرهای اطراف، درهای ورودی خود را به روی زائران می‌گشودند، مطمئناً تلفات بسیار کمتر از این بود.

سایر کشورها

آقای لیسانس از فلسطین:

دولت سعودی در زمینه منا کوتاهی کرده و لازم است برای آینده، برنامه‌ریزی و آموزش لازم را پیش‌بینی کند. نیروهای موجود در صحنه منا نیروهای آموزش دیده نبودند و گرنه این فاجعه اتفاق نمی‌افتاد، امروز باید برای سال آینده پیش‌بینی کنند.

آقای لیسانس از ازبکستان:

حادثه منا باعث سرافکنندگی همه ماست. آل سعود مسئول حفظ جان حجاج است. در یک راهپیمایی ساده این قدر کشته، نشان از عقب‌ماندگی شدید عربستان دارد. کثیفی مشعر و عرفات و منا واقعاً مایه شرمندگی است. خانواده‌ها و کشورهای کشته شدگان باید از عربستان مطالبه دیه کنند.

آقای از امارات:

رفتار سعودی‌ها در منا شایسته یک کشور مسلمان نیست.

آقای لیسانس از ایتالیا:

سعودی‌ها انسان‌های بی‌ادب و احمقی هستند. عقل در سر آنها پیدا نمی‌شود. مسئولیت عربستان در ماجرای منا محرز است.

آقای لیسانس از بوسنی:

در مورد کشتار منا با بی‌تدبیری حکومت عربستان در حدود ۵۰۰۰ حاجی کشته شده و حکومت عربستان می‌خواهد خبرش به بیرون درز نکند و به دروغ ۷۳۵ را اعلام کرده و بر اثر فشار و التیما تم ایران کم‌کم آمار رو می‌شود که در حدود ۵۰۰۰ حاجی از کشورهای مختلف کشته شده است.

آقای فوق دیپلم از چاد:

در منا من همان روز در بین افرادی که می‌مردند حضور داشتم و با چشم خود این فاجعه را دیدم، راه‌ها را بسته بودند ما از یک خیابانی که باز بود وارد شدیم همین‌طور که جلو می‌آمدیم یک مرتبه راه بسته شد و از جلو به عقب می‌آمدند و مردم هم از عقب فشار می‌دادند می‌خواستند به جمرات برسند. مدتی گذشت هوا گرم بود و آب هم نبود از شدت گرما مردم بی‌حال شده بودند و همه به دنبال

نجات خود بودند. تا اینکه من با چشم خود دیدم که حدود یک متر انسان روی هم افتاده بودند بعضی مرده بودند و بعضی جان می دادند. بعضی از نرده‌ها بالا رفته بودند. آب از آن بالا به پایین می ریختند. اما نه شرطه آنجا بود و نه کمک‌های امدادی. من فقط چهار ساعت در آنجا گرفتار شده بودم. من فقط توانستم خودم را نجات بدهم. مقصر اصلی سعودی‌ها هستند و شاهزاده‌ای که آمده بود سنگ بزند. چون همه درها را بسته بودند. حدود ۱۰۰ نفر از ما مرده‌اند.

آقای لیسانس از روسیه:

سعودی‌ها طلبکارانه و نامناسب با حجاج برخورد می‌کنند در حالی که حج مال همه مسلمین است. فاجعه منا و کشته و زخمی و مفقود شدن هزاران نفر ایرانی و نیجریه‌ای و پاکستانی بسیار جانسوز و دلخراش بود و سعودی‌ها بد عمل کردند. آنها قادر به مدیریت بحران نبودند و حجم زیادی از تلفات ناشی از بی‌تدبیری بود.

آقای دکتر از عمان:

آنچه در حج اتفاق افتاد حاکی از ناتوانی و بی‌برنامگی و ضعف بود و دشمنان اسلام را خوشحال کرد. اسرائیل از کشته شدن چند هزار حاجی در منا که از بهترین مسلمانان هستند خوشحالند و با این اتفاق به ادعای اسلام هراسی و خشونت در جوامع اسلامی دامن زدند. شنیده‌ام، سعودی‌ها زنده و مرده حجاج را مثل اشیاء با هم به حاشیه خیابان می‌انداختند و برخی زنده زیردست و پا مردند و حتی آب هم به آنان نرساندند. حج فرصت عبادت و ابراز عبودیت و محور مودت است، ولی متأسفانه سعودی‌ها فرصت زیبای عبادت در حج را به ماتم و مصیبت تبدیل کردند و حجاج در فاجعه منا خیلی صدمه دیدند و عربستان در فاجعه منا خوب عمل نکرد. سعودی‌ها حق میزبانی را ادا نمی‌کنند و رفتار خشن و بدی با حجاج دارند.

خانم دیپلم از کامرون:

این اتفاق تنها به دلیل عدم برقراری نظم از طرف مسئولین سعودی رخ داد، من شنیده‌ام که شاهزاده‌های سعودی می‌خواستند به رمی جمرات بروند، به همین دلیل راه‌های منتهی به جمرات توسط پلیس بسته شده بود و این همه جمعیت به طرف یک مسیر کم عرض هدایت شدند، گرمای نزدیک به پنجاه درجه و کم‌آبی و تشنگی مفرط سبب وقوع این اتفاق شد. واقعاً حج امسال عجیب بود، ابتدا حادثه مسجدالحرام و سپس فاجعه منا.

آقای فوق دیپلم از کنیا:

مسئولین سعودی در عملکردشان در فاجعه منا قاصرند و باید بهتر عمل می‌کردند.

آقای فوق لیسانس از لبنان:

ذی‌الحجه ماه حرام و مکه و منا بلدالحرام و حرم امن الهی است و حج فرصت عبودیت در امن و امان است، ولی امسال حوادث زیاد در حج آسایش را از حجاج گرفت و جمع زیادی از حجاج از دست رفتند.

شنیدم که در منا شاهزاده‌ای در حال عبور بود و راه را بستند و موجبات گرفتاری حجاج را فراهم کردند و با بسته شدن راه، حجاج یکباره غافلگیر تراکم جمعیت شدند و راه پس و پیش نداشتند.

راهکار: باز کردن راه و باز کردن درهای ورودی به چادرهای دو طرف خیابان حادثه و دعوت به آرامش و کمک گرفتن از کشورهای منظم و متخصص در حج مثل ایران بود. اگر چنین می‌شد یا حادثه پیش نمی‌آمد یا بسیار کم تلفات بود.

اینکه گفته می‌شود تقدیر الهی بود وگرنه این جوری اتفاق نمی‌افتاد، یا در جای دیگر اتفاق می‌افتاد، مسئولیت میزبان در حفظ امنیت حجاج را منتفی نمی‌کند و مسلمانان باید متحد شوند و مشکلات حج را با هم حل کنند.

آقای لیسانس از لیبی:

تعداد کشته شده‌های لیبیایی در منا را نمی‌دانم. کشته شدگان در منا انشاءالله شهیدند. مدیریت سعودی در حج ضعیف است. مدیریت حج توسط کشورهای اسلامی جزو پیشنهادهای قذافی بود.

آقای لیسانس از مالوای:

سوء مدیریت سعودی‌ها سبب وقوع چنین اتفاقی در منا شده است. با توجه به اینکه چند روز از این حادثه گذشته است به مرور شناسایی و تشخیص هویت جان باختگان سخت‌تر و حتی غیرممکن خواهد شد، این مسئله سبب خواهد شد عربستان با بی‌تفاوتی جنازه‌ها را بدون شناسایی در همین جا دفن کند و از کنار مسئله بگذرد. نفر از دوستان هندی‌ام در این حادثه جان خود را از دست داده‌اند که یکی از این افراد یک پزشک بود. واقعاً وقوع چنین حوادثی دردناک و خسارت بار است.

آقای فوق لیسانس از هند:

من در ارتباطاتم با سعودی‌ها دریافتم که: سعودی‌ها طلبکارانه و بد و نامناسب و غیرکریمانه با حجاج برخورد می‌کنند، در حالی که حج مال همه مسلمین است و در منا متکبرانه برای کاروان سلطنتی راه‌ها را بستند و موجبات فاجعه منا را ایجاد کردند و من در این فکرم که پیغمبر با خشونت و بداخلاقی اینها چگونه با آنها زندگی کرده است!؟

فاجعه منا و کشته و زخمی و مفقود شدن حاجیان ایرانی و نیجریه‌ای و مصری و پاکستانی و هندی و... بسیار جانسوز و دلخراش بود و سعودی‌ها قادر به مدیریت بحران نبودند و حجم زیادی از تلفات ناشی از بی‌تدبیری بود.

جمع‌بندی گزارش شاهدان

این‌ها گزارشی بود از شاهدان کشورهای مختلف از فاجعه منا که نقاط مشترک آنها به صورت محوری عبارت‌اند از:

۱. پلیس سعودی از ساعات اولیه همه حجاج را به سمت خیابان ۲۰۴ هدایت می‌کرد.

۲. یک دیواره انسانی از پلیس عربستان، در خیابان ۲۰۴ روبه‌روی فرعی ۲۲۳ دست به دست هم داده و فریاد می‌کشیدند: «ارجعوا وراء، ارجعوا وراء، ارجعوا وراء». برگردید عقب.

۳. پلیس سعودی هیچ احساس مسولیتی نمی‌کرد و مرتب می‌گفت کاری از ما ساخته نیست.

۴. چندین هلیکوپتر بالای مسیر ۲۰۴ در حرکت بود ولی هرگز کمکی از طرف آنان به حجاج درگیر با فاجعه نرسید. اگر همین هلی‌کوپترها روی حجاج، آب می‌پاشیدند عده زیادی جان سالم به در می‌بردند.

۵. ایستگاه نیروهای امداد و نجات، در فاصله حدود ۵۰ متری در داخل همان خیابان بود، اما از کمک آنها خبری نبود.

۶. عبور افراد، به ویژه پلیس و سایر حجاج از روی سر و گردن مصدومین، باعث

شکسته شدن قفسه سینه افرادی که زیر پا بودند شده که عموماً لحظه‌ای بعد جان باختند.

۷. افرادی بودند که به دلیل لگد مال شدن چشمشان از حدقه بیرون آمده بود و مغز آنها بیرون افتاده بود و هیچ کس به فریاد آنان نمی‌رسید

۸. افرادی که زن و شوهر با هم بودند و به دلیل کمک به یکدیگر، نوعاً از هم جدا شده و یا در حضور یکدیگر تلف می‌شدند.

۹. نرده‌های خیابان که بیشترین نقش را در کشتار حجاج داشت در حوالی ظهر حالت عجیبی پیدا کرده بود، مثل سیخ کباب که گوشت‌ها به آن می‌چسبید، بدن‌های مرده حجاج به نرده‌ها چسبیده بودند.

۱۰. با توجه به سیستم دوربین‌های زیاد و مراقبت‌های امنیتی عربستان، به‌نظر می‌رسد عدم کمک‌رسانی به مصدومین عمدی بوده است. چراکه اتاق فرماندهی با کنترل دوربین‌ها می‌توانست فشار جمعیت را کاهش دهد و سعودی‌ها می‌توانستند ابتدای این خیابان را مسدود و از ورود جمعیت به این خیابان جلوگیری کنند.

۱۱. در حین فاجعه، دو نفر عرب با لباس شیک بالای چادر آمدند و فیلمبرداری می‌کردند؛ از آنها تقاضای کمک شد ولی اظهار می‌کردند ما مسئول نیستیم، کار ما اطلاع‌رسانی است. (اطلاعی که هرگز نرسید)

۱۲. در فاصله حدود ۵۰۰ متر به ارتفاع حدود یک متر، انسان روی هم افتاده بودند بعضی مرده و بعضی در حال جان دادن بودند. گویی همه را با یک سلاح کشتار جمعی زده باشند.

۱۳. خیلی از مصدومین منا مطمئناً به خاطر عدم رسیدگی سریع جان خود را از دست دادند، در حالی که اگر در همان ساعات اولیه، یک بطری آب به آنها می‌دادند، شاید الآن زنده بودند.

۱۴. متأسفانه هنوز هم نگاه تبعیض آمیز بین عرب و عجم و سیاه و سفید در میان مسلمانان به ویژه سعودی‌ها وجود دارد، زیرا به هیچ وجه به سیاه پوستان زخمی اجازه ورود به چادرها را نمی‌دادند. پلیس‌های سعودی با پوتین پا روی خرخره ایرانیان می‌گذاشتند و می‌گفتند اینها رافضی‌اند. حتی ایرانی‌هایی که بالای چادرها رفته بودند خود را به بی‌هوشی می‌زدند تا سعودی‌ها کمکی به آنها نکنند.
۱۵. امدادگرهای سعودی، جنازه‌های مرده و زنده را کنار هم در آفتاب می‌گذاشتند، به گونه‌ای که زنده‌ها نیز پس از مدت کوتاهی می‌مردند. اگر چه حدود دویست امدادگراز دفاع مدنی با روپوش‌های نارنجی رنگ بودند اما فقط ایستاده بودند و نگاه می‌کردند.
۱۶. درصد بالای جان باختگان در مقایسه با درصد اندک مصدومان فاجعه منا نشان می‌دهد که نیروهای سعودی اقدام لازم برای نجات مصدومین انجام نداده‌اند و مصدومین جان خود را از دست داده‌اند.
۱۷. به امدادگران سایر کشورها از جمله ایرانیان اجازه کمک‌رسانی نمی‌دادند و حتی نیروهای امدادی را بازداشت می‌کردند.
۱۸. آخرین اجساد که از صحنه حادثه تخلیه شدند ساعت یک بامداد جمعه بود و اجساد ساعت‌ها در آن خیابان در آن هوای گرم روی هم انباشته شده بود.
۱۹. عربستان باید برنامه‌ریزی دقیق‌تری نسبت به این مکان‌ها و زمان‌های پرازدحام داشته باشد که این‌گونه منجر به از دست رفتن و آسیب دیدن حجاج کشورهای مختلف نشود. باید مجامع بین‌المللی و کنفرانس اسلامی برای مدیریت و امنیت حجاج تصمیمی بگیرند.
۲۰. وهابی‌ها سبب تفرقه بین مسلمانان هستند. سعودی در برگزاری مراسم حج

ناتوان است و باید آن را بر عهده کشورهای مسلمان بگذارد.

۲۱. حج فرصت وحدت و مودت امت اسلامی است ولی فاجعه مکه و منا کام‌ها را تلخ کرد.

۲۲. سعودی‌ها خیلی خشن و بدرفتارند و در منا روی جنازه‌ها و زنده‌ها راه می‌رفتند و برخی زنده زیردست و پا مردند. سعودی‌ها بی‌عاطفه‌اند، با فاجعه منا و مکه، اسلام و مسلمین را زیر سؤال بردند.

۲۳. نمی‌توان این‌گونه تلف شدن انسان‌ها را به حساب تقدیر گذاشت. مگر خدا العیاذ بالله با مردم دشمنی دارد که چنین سرنوشتی را برایشان رقم بزند؟

۲۴. هم واقعه جرثقیل و هم واقعه منا، اگر به‌درستی مدیریت می‌شد، می‌توانست اتفاق نیفتد.

۲۵. عربستان در قضیه منا مقصر است و انداختن این قضیه بر عهده دیگران اشتباه است.

۲۶. عربستان می‌گوید آفریقایی‌ها هجوم آورده و مسبب حادثه بودند. این حرف خنددار است ظاهراً دیواری کوتاه‌تر از آفریقایی‌ها پیدا نکردند.

۲۷. آیا ارزش جان مسلمانان از انسان‌های اروپایی کمتر است. اگر این اتفاق در اروپا رخ می‌داد تمام رسانه‌ها برای مدت زیادی به تجزیه و تحلیل آن می‌پرداختند و مقصرین حادثه را به دادگاه می‌کشاندند. در بعضی کشورها در صورت وقوع چنین حادثه‌ای مردم چند تن از وزرا و مسئولین مملکتی را وادار به استعفا می‌کنند. چه معنا دارد هر کار خطایی که از ما سر بزند آن را به مشیت و تقدیر الهی نسبت دهیم. درست است که هر کس در این سفر الهی کشته شود شهید است ولی این به آن معنی نیست که ما برای حفظ جان انسان‌ها کوشش نکنیم تا شهید شوند. این توجیه غلطی است که خدا چنین خواسته است که این همه حاجیان به این سرزمین بیایند تا جان آنها را بستاند.

۲۸. حرمین شریفین به آل سعود تعلق ندارد بلکه کعبه و حرم نبوی ﷺ به تکتک مسلمانان، به من و شما تعلق دارد. این را باید آل سعود بدانند و خود را صاحب و مالک حرمین ندانند و خودخواهانه برای این مکان‌های مقدس تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی نکنند.
۲۹. مشکل بزرگ ما سکوت سران کشورهای اسلامی است، ببینید برای اتفاق مسجدالحرام و حادثه منا هیچ کس اعتراضی نکرد.
۳۰. عربستان وظیفه دارد از همه کشورهای مسلمان جهت اداره مراسم حج و به ویژه سرزمین منا نظرخواهی کرده و مشورت لازم را دریافت کند چرا که امروز رخ دادن این گونه حوادث برای مسلمانان پذیرفتنی نیست،
۳۱. حکام سعودی حج را یک عمل زیارتی نمی‌دانند بلکه به آن به دیده یک تجارت بزرگ می‌نگرند
۳۲. سعودی‌ها به علت ضعف مدیریت حتی در حرمین شریفین دائماً با تندی فریاد می‌کشند: «یاالله یا جاج! طریق یا حاج! حرک(حرکت کن) یا حاج»، هیچ گونه احترامی به حجاج نمی‌گذارند.
۳۳. سعودی‌ها عموماً خشن و بی‌عاطفه‌اند و در کنار کشته‌ها با هم شوخی می‌کردند و روی جنازه‌ها و زنده‌ها راه می‌رفتند. سعودی‌ها زنده و جان‌باخته حجاج را با هم به حاشیه خیابان می‌انداختند و برخی زنده زیر دست و پا مردند
۳۴. یکی از راه‌حل‌ها برای جلوگیری از رخ دادن این گونه حوادث در حج، استفاده از تکنولوژی‌های جدید و برنامه‌ریزی‌های هوشمندانه است.
۳۵. هزاران هزار جسد در آنجا ریخته شده بود و آماری که سعودی می‌دهد خیلی کمتر از آن هست که من دیده‌ام. عربستان در گفتن وقایع کتمان می‌کند.

۳۶. آنچه در حج اتفاق افتاد، دشمنان اسلام را خوشحال کرد و اسرائیل و آمریکا از کشته شدن چند هزار حاجی که از بهترین مسلمانان هستند خوشحالند و با این اتفاق به اسلام هراسی در غرب دامن زدند..

۳۷. باید از مأمورانی در حرم استفاده کنند که زبان‌های زنده دنیا را بلد باشند و بتوانند درد حاجی را بفهمند. تنها با هل دادن و پرخاشگری کاری درست نمی‌شود. در مجموع، یک مشت بی سواد می‌خواهند در این ایام، حج را مدیریت کنند.

۳۸. مگر حجاج میهمانان خداوند نیستند و دولت سعودی خود را خدمتگذار زائران نمی‌داند؟ پس چرا آنچه ما می‌بینیم غیر از این است، آنها هیچ احترامی به زائران نمی‌گذارند، آنها به وضوح با میهمانان خداوند بدرفتاری می‌کنند، نیروهایی که برای تأمین امنیت زائران در مسیر جمرات از آنها استفاده شده بود، نیروهای آماتور و به شدت غیرحرفه‌ای بودند.

۴۰. نیروهایی که با تأخیر به محل حادثه رسیدند اصلاً با اصول اولیه امدادگری آشنا نبودند و تنها کار آنها نعش کشی بود. مجروحین را به جای انتقال سریع به اورژانس و بیمارستان در کنار کشته‌ها بر روی برانکاردر در زیر تابش حرارت آفتاب قرار می‌دادند.

۴۱. ضرورت دارد تا با تشکیل کمیته حقیقت یاب متشکل از نمایندگان کشورهای آسیب دیده و برخی دیگر از کشورها به انتخاب و با مدیریت سازمان کنفرانس اسلامی. مطالبه جدی و قاطعانه از حکومت سعودی و سازمان کنفرانس اسلامی و سایر مراجع حقوقی و اجرایی منطقه‌ای و بین‌المللی. دستگاه‌های قضایی نسبت به احقاق حقوق مادی، معنوی، فردی، اجتماعی حجاج و تنبیه کامل خاطیان اقدام نمایند.

۴۲. لازم است با برگزاری و تشکیل یک کنفرانس از کشورهای اسلامی برای بررسی و پیشنهاد نحوه اداره حج و عمره، با همکاری تمامی کشورهای اسلامی، با استفاده از نقاط قوت تجربه ایجاد سازمان ملل متحد و واتیکان، علاوه بر پیگیری هدف اصلی یاد شده، از تسلط وهابیون سلفی بر سازمان کنفرانس اسلامی نیز کاسته شده و یا به کلی از بین خواهد رفت. کشورهای اسلامی هم اکنون نباید ساکت بنشینند و باید با تشکیل شورای مشترک مدیریت مراسم حج را بر عهده گرفته و از دست سعودی‌ها خارج کنند.

۴۳. مقصر اصلی در این قضیه خود عربستان است، چون تمام راه‌ها را بستند و یک راه را باز گذاشته بودند و امکانات نجات هم وجود نداشت. به نظر می‌رسد که مدیریت صحیح جمعیت انبوه حجاج، در نیروهای سعودی وجود ندارد. همه ۵ یا ۶ مسیر منتهی به محل رمی جمرات آن روز باز بود، ولی نیروهای سعودی از ورود حجاج به راه‌های دیگر جلوگیری می‌کردند.

این بود محورهای مشترکی که توسط حجاج مختلف در مورد فاجعه منا مطرح

شده بود.

فصل پنجم: واکاوی برخی از امور و راهکارها

اداره اجتماعات شلوغ

دردنیا برای اداره اجتماعات شلوغ، مقررات خاصی دارند، که بیش از بیست مورد آن را برای جمعیت متوسط، زیاد و شلوغ دیده‌ام. اما برای اختصار، فقط دو مورد آن را می‌آورم، یکی HSE در انگلستان و دیگری OSHA که مربوط به کنترل جمعیت شلوغ در فروشگاه‌های بزرگ آمریکا است، که از سایت خود آنان نقل می‌شود.

برای اینکه هر مورد دوباره بررسی نشود: در جلوی هر کدام از موارد، وضعیت موجود عربستان در موسم حج و چگونگی کنترل این جمعیت شلوغ را آورده‌ام. حروف معمولی، بیانگر مقررات بین‌المللی و خطوط ریزتر و پر رنگ، وضعیت همان مقررات در عربستان است، که بر اساس مشاهدات چند ده ساله من، همچنین حضور مستقیم در فاجعه منا و مشاهدات عینی از آن ماجرا است.

در موسم حج، مکان‌های شلوغ، با حدود ۲ تا ۴ میلیون جمعیت، که مدت عملیات آن هم کمتر از ۱۵ روز است، مورد نظر است. (هرچند بعد و قبل از این ۱۵ روز جمعیت کمتر است، اما باز از جمعیت‌های شلوغ آئین نامه‌های بین‌المللی

شلوغ تر است). بدیهی است، این بررسی، با تأکید بر روی فاجعه منا در سال ۱۳۹۴ شمسی و ۱۴۳۶ هجری قمری و ۲۰۱۵ میلادی می‌باشد، چراکه پرداختن به کل مسئله حج و مقایسه با این آئین نامه‌ها، کتاب قطور دیگری را می‌طلبد.

۱. مدیریت بهداشت و ایمنی (در وقایع) (HSE)

اکنون بیش از ۴۰ سال از زمانی که بهداشت و ایمنی مورد نظر سلطنت انگلستان قرار گرفت می‌گذرد، و از آن به بعد یک چهارچوب قانونی برای بهداشت و ایمنی در انگلستان برقرار شد. خود این موضوع باعث شد تا انگلستان یکی از ایمن‌ترین مکان‌ها برای کار باشد. که باعث حفظ جان بسیاری از انسان‌ها و کاهش سوانح گردد. این موضوع خود منجر به صرفه جویی در هزینه‌های عدم رعایت بهداشت و ایمنی بوده است.

مدیریت جمعیت

هدف ارائه راه کار برای مدیریت جمعیت و بیان چالش‌های آن می‌باشد. کارگروه کنترل جمعیت وظایف سنگینی بر عهده دارد و حتی می‌توان، این وظایف را به صورت قراردادی به گروه‌های خبره سپرد. برای مثال نظارت ایمنی جمعیت را می‌توان با یک شرکت قرارداد بست.

مقررات HSE

وظایفی که گروه برگزار کننده (مدیریت جمعیت) باید بداند:
خطراتی که ممکن است با جمعیت زیاد ایجاد شود.

برخورد بین انسان‌ها:

معمولاً در جمعیت‌های شلوغ برخورد بین انسان‌ها قطعی است. لذا در جمعیت چند میلیونی حج، که فقط حضور جمعیت با هم نیست، بلکه باید باهم عباداتی را در

محل محدودی انجام دهند. بنابراین، برخورد نیست، بلکه جمعیت فشرده و به صورت له شدن افراد است. لذا در حج برخورد بین افراد زیاد است. در فاجعه منا که از برخورد گذشته بود و هزاران انسان مرده و زنده روی هم افتاده بودند. آیا مدیریت حج عربستان این مطلب را از قبل می‌دانست، که در چنین شرایطی، ممکن است چنین برخوردهایی بین انسان‌ها پیش بیاید؟ جواب اینکه، عربستان آینده‌نگر نیست تا بتواند احتمال چنین برخورد سنگین انسانی را پیش‌بینی کند.

برخورد با سازه‌های ثابت نظیر موانع:

خوشبختانه در محل‌های عمومی عربستان نرده‌های ثابت کم و نوعاً نوارهای پلاستیکی به عنوان مانع است، اما به‌طور خاص در مسیرهای منا موانع ثابت، نرده‌های آهنی و حتی تخته‌های محکم نیز روی آن کوبیده شده بود. لذا صدها نفر به دلیل برخورد با نرده‌های اطراف خیابان ۲۰۴ کشته شدند.

زیر پا قرار گرفتن:

در طواف مسجدالحرام بارها زیر پا قرار گرفتن اتفاق می‌افتد، اما بقیه طواف کنندگان مشکل را حل می‌کنند. اما در همان مسجدالحرام، برای بوسیدن حجرالاسود (سنگ سیاه)، و سایر رکن‌های (چهار گوشه) کعبه، زیر دست و پا افتادن جدی است. اما مأمورین عربستان، کوچک‌ترین نقشی در این مورد ایفا نمی‌کنند، مگر اینکه طرف به اورژانس نیاز پیدا کند. اما در منا هزاران نفر به دلیل زیر پا قرار گرفتن کشته شدند.

عدم تعادل، هرج و مرج و یا حمله «جمعیت»:

چون حج یک امر عبادی است، در شرایط عادی بحث هرج و مرج و حمله

نیست. اما در شرایط بحرانی نظیر منا، به دلیل گرما و فشار، مردم تعادل خود را ازدست می‌دادند و نقش زمین می‌شدند و نمی‌توانستند دوباره بلند شوند. به ویژه، بعد از جان‌باختن نفرهای اولیه و شروع فرار انسان‌ها از مرگ، هرج و مرج شدیدی بر فضا حاکم شد، که نه کسی پیش‌بینی کرده بود و نه کسی از گسترش آن جلوگیری می‌کرد.

رفتار پرخاشگرانه:

عده زیادی در منا به دلیل گرما و تشنگی، پرخاشگری می‌کردند. اما در مراسم حج، در شرایط بحرانی فقط حجاج پرخاشگر نمی‌شوند، بلکه مأموران عربستان پرخاشگرتر از بقیه می‌شوند.

رفتار خطرناک، مانند بالا رفتن بر روی تجهیزات و یا پرتاب اشیاء:

به دلیل بعضی از تصمیمات لحظه‌ای پلیس و مأموران در عربستان، معمولاً، افراد برای فرار از دستورات غیرمنطقی از روی تجهیزات و نرده‌ها بالا می‌روند. به دنبال آنها بقیه شروع می‌کنند و هرج و مرج عجیبی حاکم می‌شود. در خیابان ۲۰۴ منا، عده زیادی از مردم از نرده‌های کنار خیابان بالا می‌رفتند، تا از طریق پشت بام چادرها خود را نجات دهند. بسیاری از نرده‌ها و تاسیسات شکسته شده و روی مردمی که توان بلند شدن نداشتند، می‌افتاد و باعث مرگ آنها می‌شد.

خطراتی که از محیط حاصل می‌گردد

لغزیدن و افتادن به دلیل عدم نور کافی، مسیر غیر هم‌سطح و یا وجود موانع مانند زباله:

در خیابان‌های غیراصلی، به ویژه کوچه‌های منتهی به محل اقامت‌هایی که هتل

نیستند، نور کم و تاریکی زیاد است. چاله‌های این مسیرها بسیار زیاد، در بعضی از این کوچه‌ها حجاج با بیش از چند قطعه مسیر غیر هم سطح مواجه می‌شوند. این مسئله در مکه چشم‌گیرتر است. در مسیر خیابان ۲۰۴ در منا نیز، به دلیل موانع زباله و بوی زیاد، گرما و تشنگی، در مواردی خیس بودن کف خیابان مردم لیز می‌خورند و به زمین می‌خورند و قادر به بلند شدن هم نبودند. چراکه زمین خوردن همان وخفه شدن همان.

حرکت وسایل نقلیه در مسیر عابرین پیاده:

نوعاً در عربستان، ماشین‌های مختلف در مسیر پیاده‌ها هستند... یکی از بدترین مسیرهای پیاده، مسیر عبوری از منا در منطقه عزیزیه، به خیابان مسجدالحرام است، که محل اقامت تعداد زیادی از حجاج در آنجا است. این کوچه رابط بین منا و عزیزیه در شهر مکه، حدود ۱۰ متر عرض دارد. دوطرف خیابان، از اتوبوس گرفته تا سواری‌ها و دستفروش‌ها، از کل مسیر پیاده روها فقط یک فضای یک تا دو متری باقی می‌ماند. هیچ کس از پلیس و بقیه در این منطقه نیست که حتی تذکری بدهد. لذا معطلی و سرگردانی مردم در این مسیر دوطرفه پیاده‌ها بسیار زیاد است.

در مسیر ۲۰۴ منا، تعدادی کامیون راه را به نصف تقلیل داده بود. یکی از آنها در ۱۰ متری مابود و شاید همین کامیون یکی از علل جدی فاجعه بود. ماشین پلیس که در وسط خیابان ایستاده بود و با بلند گو به مردم دستور برگشت می‌داد نیز مشکل جدی بعدی بود.

سقوط موانع ساختمانی و نرده‌ها، روی جمعیت:

تعداد زیادی از نرده‌ها و تخته‌های روی آنها توسط مردم کنده شده و به وسط و کنار خیابان سقوط و روی مردم افتاده بود. اگر عده‌ای در حالت عادی امکان بلند شدن و زنده ماندن داشتند، با سقوط این نرده‌ها روی آنان، جان دادند.

فشار جمعیت به طرف اشیای مختلف:

فشار جمعیت به طرف اشیایی نظیر قسمت‌های بدون نرده، تجهیزات پخت و پز گرم مثلاً در فروشگاه‌های مواد غذایی:

در عربستان رستوران زیاد است، اما رستوران خوب بسیار کم. لذا در چند رستورانی که خوب هستند، اگرچه نوبت هم می‌دهند، اما چون نوع خدمات متفاوت است، بعضی‌ها غذاهای ساده‌تر می‌خواهند، در نتیجه نوبت‌ها بی‌اثر است. لذا انبوهی از مردم پشت یک کانتر منتظر دریافت غذا هستند و روی هم به طرف اجاق‌های پخت و پز فشار می‌آورند و بعضی وقت‌ها مشکل جدی درست می‌شود. در مسیر ۲۰۴ منا در نزدیکی کامیون و ماشین پلیس، به ویژه در اوائل فاجعه که هنوز قدرت مردم تحلیل نرفته بود، به شدت مردم همدیگر را فشار می‌دادند و روی زمین می‌افتادند.

وجود موانع:

موانعی مانند گاری (دست فروش‌ها و چادرها) که باعث کند شدن حرکت و ایجاد مزاحمت در زمان شلوغی می‌شوند:

بعضی مغازه‌های موجود در سرک‌کوچه‌های فرعی، ایجاد مزاحمت جدی کرده بود. البته بدتر از دست فروش‌ها که کم هم نیستند، ماشین‌ها به ویژه ماشین پلیس در مسیر، ایجاد مزاحمت می‌کنند.

صف بندی برای خرید و سائل و مواد غذایی در مسیر:

در مغازه‌های حاشیه راه اصلی، به ویژه در تقاطع‌ها که مغازه بیشتر است، صف خرید، عرض مسیر را کاهش می‌دهد.

ایجاد تقاطع ضربدري

ایجاد تقاطع ضربدري در مسیر اصلی به دلیل تغییر مسیر حرکت بخشی از جمعیت، مثلاً برای سرویس بهداشتی:

ورود و خروج مردم به چادرهایی که در کنار خیابان ۲۰۴ بود، تقاطع ضربدري و مشکل رفت و آمد ایجاد کرده بود. این مسئله در اکثر محورهای حرکتی در عربستان مشاهده می‌شود.

خراب شدن تجهیزات و تاسیسات، نظیر چراغ راهنما:

در مسیر ۲۰۴ اکثر شیرهای آبخوری‌های عمومی خراب بودند. در کنار جاده، آب پاش‌های با قطر بسیار نازکی هستند که هیچ کدام آنها کار نمی‌کرد.

منابعی که آتش در آنجا هست، نظیر وسایل پخت و پز:

خوشبختانه به خاطر نبودن منابع آتش، از این نظر مشکلی نبود. هر چند وجود منابع آتش در چادرهای اطراف می‌توانست خطر ساز باشد.

ارزیابی خطرات و قرار دادن کنترل در محل

ارزیابی خطرات به علت حرکت و رفتار جمعیت در زمان ورود، هنگام خروج و یا چرخیدن اطراف محل.

قابل ذکر است که قوانین ایمنی روی افراد و کنترل محیط، همواره با توجه به شرایط، متغیر بوده که باید مدیریت شود. لذا قوانینی برای مدیریت ایمنی جمعیت وجود دارد که قابل استفاده است:

ارزیابی خطرات چه قبل و چه بعد از فاجعه منا خبری نبود. مهم‌تر اینکه از دینامیک بودن سیستم مدیریت، برای شرایط متفاوت، اصلاً خبری نبود. فقط همان سیستم ثابت ۵۰ سال قبل، یعنی فریاد پلیس که: «طریق یا حاج»

بایدها:

بایدها در حادثه‌ها موارد متعددی دارند

کممک به اداره و تلاش برای همکاری جمعیت برای حفظ مسیر حرکت و جلوگیری از بالا رفتن و تخریب سازه‌های موقت و قرار گرفتن در معرض سقوط: تمام این اتفاقات در مسیر ۲۰۴ افتاد، هم از نرده‌ها بالا رفتند، هم نرده‌ها کنده شد، هم نرده‌ها و تخته‌ها و موانع روی مردم سقوط کرد. اما، کسی به عنوان راهنما یا کمک کننده برای حفظ نظم مسیر نبود.

جلوگیری از ازدحام و رها کردن جمعیت از فشارهای جمعیت:

نه تنها جلوگیری از ازدحام نمی‌شد، بلکه از ابتدای مسیر ۲۰۴ هر لحظه افراد جدیدی را به این خیابان هدایت می‌کردند که به بار جمعیتی آن اضافه می‌شد.

تامین حفاظت فیزیکی از جمله حصار در اطراف محیط:

حفاظت فیزیکی در آن مسیر وجود نداشت. یک مسیر به عرض حدود ۲۰ متر دوطرف نرده آهنی سخت ولی نه برای حفاظت فیزیکی از آنها که در این مسیر حرکت می‌کنند، بلکه برای حفاظت افرادی که در چادرها هستند. به همین دلیل حتی روی نرده‌ها تخته کوبیده بودند که داخل چادرها هم دیده نشود. چون این چادرها مسؤل دارد، و اجاره پرداخت می‌شود، اگر حفاظت نشوند مورد اعتراض قرار می‌گیرند. اما مسیر خیابان صاحب ندارد که به خاطر اجاره هم که شده حفاظت فیزیکی در کار باشد. جان انسان‌ها هم که در عربستان ارزش ندارد، آنها فقط پول را می‌شناسند. با عبور از خیابان کسی به آنها پول نمی‌دهد، لذا در خیابان‌ها از مدیریت خبری نیست.

دور کردن خطرات از مردم

نکته: حتی اگر تصمیم گرفته شود که از ابزارهای برای محافظت از جمعیت استفاده شود، این ابزار متعدد بوده و میزان ریسک هر یک مشخص است. لذا باید با توجه به میزان ریسک مجموعه از آنها استفاده گردد.

اصولی که باید مورد توجه قرار گیرد عبارت‌اند از:

استفاده برنامه‌ریزی شده از موانع:

نه تنها هیچ برنامه‌ریزی برای موانع نبود، بلکه در این بحران تشنگی، گرمای ۵۰ درجه و فشار و هُل دادن و افتادن مردم روی هم، چند مانع پلاستیکی در خیابان گذاشتند و مانع عبور عده‌ای که زنده مانده بودند به طرف جمرات شدند. در حالی که بعد از این موانع پلاستیکی، نه تنها هیچ ازدهامی نبود، بلکه با رها کردن جمعیت به طرف جمرات، از فشار محل فاجعه کاسته می‌شد.

داشتن طرح جامع (مدیریت مسیرها):

طرحی برای مدیریت مسیرها نبود که جامع یا غیر جامع باشد تعیین شرایط زمین و توپوگرافی محل: بدیهی است که نقشه کامل مسیر و زمین‌های اطراف در اختیار شهرداری مکه می‌باشد، اما چون برنامه‌ای برای مدیریت مسیر نبود، از آن هم استفاده‌ای نشده است.

بررسی وجود خدمات زیرزمینی، به عنوان مثال، لوله‌های آب، کابل برق که می‌توانند برای محکم کردن موانع در زمین به وسیله پیچ‌ها محدودیت ایجاد کند: موانعی برای مسیر نبود که بخواهد در زمین نصب شود و مزاحمتی از طریق کابل برق یا لوله کشی آب ایجاد شود. معمولاً چند نرده پلاستیکی می‌گذارند، هر پلیسی هم با سلیقه خودش آنها را جابجا می‌کند.

چگونگی وضعیت هوا:

هوا بر اساس اعلان قبلی و همزمان با فاجعه منا و اطلاعات بعد از آن بالاتر از ۵۰ درجه سانتیگراد بوده است. اما با این اطلاعات از هوا، پیش‌بینی آب برای جمعیت میلیونی نشده بود و از آب به جز در حد آبخوری‌هایی که برای چادرهای اجاره‌ای در بیرون آنها گذاشته شده خبری نبود. که اکثر آنها هم خراب بود.

بارهای روی موانع، نظیر نیروی باد یا فشار جمعیت:

متأسفانه در آن روز از باد خبری نبود، اما فشار جمعیت تعداد زیادی از نرده‌های چادرهای اطراف را از جا کند و تعداد زیادی به دلیل همین فشارها جان باختند.

تعداد جمعیت و رفتار آنان:

تعداد جمعیت بیش از سال‌های قبل نبود ولی، تعداد در تصمیم عربستان اثری نداشت. چه امسال که حدود ۳ میلیون جمعیت بود، چه بعضی از سال‌های قبل که بیش از این بود.

این موارد و عوامل متعدد دیگری برای هر محل وجود دارد که می‌توان بر اساس آن موانع و حصار لازم را انتخاب کرد. باید توجه کرد که موانع حفاظتی ریسک را بیشتر از آنکه به کنترل کمک کند افزایش ندهد. در بعضی موارد موانع به دلیل انتخاب غلط کارایی ندارند:

مدیریت در عربستان بر اساس موارد مطرح شده در این دستورالعمل نیست، که بخواهند مثلاً موانع را برپایه آن اطلاعات محاسبه کنند، در عربستان چند نرده پلاستیکی و یک حلقه نوار پلاستیکی قرمز رنگ همه مدیریت آنان است که قبل از وقوع این حادثه در منا از آن هم خبری نبود.

طناب کشی و میله گذاری نسبتاً آسان است. لیکن برای ایمنی بالاتر و استفاده از

موانع پیچیده‌تر نظیر داربست حتماً نیاز به تنظیم قرارداد با شرکت‌های مرتبط وجود دارد. در این راستا مباحث فنی بسیاری وجود دارد که وارد آن نمی‌شویم: عربستان حاضر نیست بیشتر از آنچه که در بالا ذکر شد، برای راهنمایی و کنترل جمعیت هزینه کند، تلازم باشد قراردادهایی برای نرده‌های داربستی و نظایر آن منعقد کند. چون جان انسان‌ها برای آنها ارزشی ندارد.

برای نیازهای فنی در طراحی بارگذاری، آزمایش و تثبیت موانع، مراجع فنی متعددی وجود دارد که قابل مطالعه می‌باشد:

بر اساس شواهد و قراین موجود، هیچ مطالعه‌ای در این زمینه صورت نمی‌گیرد.

۲. اداره ایمنی و سلامت شغلی امریکا: (OSHA)

اداره ایمنی و سلامت شغلی امریکا، کارفرمایان را به تنظیم و اتخاذ سیستم‌های مدیریت ایمنی و بهداشت مؤثر برای شناسایی و حذف خطرات مربوط به کار تشویق می‌کند، به ویژه برای مکان‌های پرتردد و شغل‌هایی مانند خرده فروشی‌ها. ملاحظه بفرمایید که چه تمهیداتی برای ایمنی نه تنها کارگران یک فروشگاه، بلکه برای مشتریان آن در سیستم OSHA پیش‌بینی می‌شود.

بر اساس اصل ایمنی و بهداشت کارکنان سال ۱۹۷۰ کارفرمایان موظف هستند ایمنی و سلامت کارگران خویش را فراهم کنند.

آیا در عربستان چنین است. بدنیت بدانید، تعداد قابل توجهی کارگران خارجی در عربستان کار می‌کنند. از افغانستان و یمن گرفته تا پاکستان، بنگلادش، هند، اندونزی. اما متأسفانه نه تنها حقوق بین‌المللی کاری در حق آنان، از قبیل حد اقل دستمزد، ایمنی، بیمه، بهداشت و امثال آن رعایت نمی‌شود بلکه، هر ساله تعداد زیادی از این کارگران به ویژه آنها که در خانه‌ها، به عنوان خادم کار می‌کنند و بالاخص زنان اهل اندونزی که تعدادشان در خانه‌ها بیشتر است، توسط کارفرمایان خود کشته

می‌شوند و کسی هم آنها را تعقیب و مؤاخذه نمی‌کند. به‌گونه‌ای که هزارچند سال در اندونزی، اجتماعاتی در اعتراض به این کشتن خدمه‌های اندونزی در عربستان صورت می‌گیرد.

OSHA با هدف کمک به کار فرمایان و صاحبان انبارها برای جلوگیری از مجروح شدن و هم‌چنین حفظ ایمنی و سلامت خریداران در انبارها و فروشگاه‌های بزرگ که در فصل تعطیلات جمع می‌شوند چهار چوب‌های سلامت و ایمنی را تهیه می‌کند:

آیا در عربستان، به یک خیل عظیم توریستی زیارتی نظیر حجاج نباید حداقل به اندازه خریداران یک فروشگاه توجه شود.

دستورالعمل‌های طراحی مدیریت جمعیت باید پیش از وقوع حوادثی که منجر به جمع شدن جمعیت می‌شود شروع به فعالیت کند، به‌گونه‌ای که آمادگی قبل از وقوع حادثه و مدیریت شرایط اضطراری باید بخشی از طراحی مدیریت جمعیت باشد:

همانگونه که قبلاً گفته شد، در عربستان، هیچ آمادگی قبلی برای وقوع حادثه‌ای هرچند کوچک وجود ندارد.

بخشی از دستور العمل سیستم OSHA در قسمت برنامه‌ریزی برای فروشگاه‌ها به شرح زیر است:

طراحی

در زمانی که جمعیت زیاد است، انتظار می‌رود باید نیروی دوره دیده را افزایش داد، نظیر مدیران جمعیت و پلیس:

در طول چندین سفر حج که من بوده‌ام چنین افراد دوره دیده‌ای را در هیچ بحرانی ندیده‌ام. افرادی که در عربستان برای کنترل اماکن و حتی فروشگاه‌های

بزرگ می‌گذارند عمدتاً افرادی هستند که برای همان یک ماه موسم حج استخدام می‌شوند نه بیشتر، لذا برای یک ماه دوره‌ای نمی‌بینند.

تعریف وظایف هر کارمند متناسب با مقدار جمعیت و محل کار بر اساس اندازه جمعیت. برای مثال، کارکنان در محل‌هایی که به ایمنی نیاز بیشتری دارد نظیر درب‌های ورودی و خروجی، باید توجیه باشند.

در عربستان نه تنها آموزشی بر اساس نیازها و جمعیت بیشتر نیست، بلکه افرادی که مثلاً در خیابان، در محل‌های عبادت، در محل رمی جمرات، و در مساجد بزرگ می‌گذارند هیچ تناسبی با آن محل‌ها ندارند. حتی بعضی از آنها نام محلی که از آن نگهبانی می‌کنند، نمی‌دانند.

اطمینان از اینکه کارکنان برای وقایع آموزش داده شده‌اند.
قبلاً در مورد عدم آموزش اشاره شد.

اطلاع‌رسانی

تماس و اطلاع‌رسانی به دفاتر آتش‌نشانی، پلیس و بیمارستان، برای حاضر شدن در محل در صورت نیاز و اطمینان از اینکه همه مجوزها از مراکز خدماتی گرفته شده است: در عربستان، از تماس قبلی و آماده باش برای ضرورت حاضر شدن احتمالی در محل بحران در اثر حضور جمعیت زیاد، خبری نیست. یک بررسی اجمالی از تعداد آتش‌نشانی‌ها در مکه و مدینه مطلب را روشن می‌کند. خوب است بدانید که اگر در چند هتل به هردلیل به ویژه گرمای بالای ۵۰ درجه عربستان اتفاقی بیفتد، که افتاده است، یا مثلاً آتش‌سوزی در منا و عرفات، که چند سال قبل در منا اتفاق افتاد، صدها نفر کشته می‌شوند. اما آمار اعلان شده در مورد کشته‌ها معمولاً یک دهم عدد واقعی است. مثلاً در همین فاجعه منا، برای من که شاهد صحنه بودم، تعداد سیاه پوستان آفریقایی که کشته شدند باید بیش از بیست برابر مثلاً ایرانی‌ها باشد، چون

همانگونه که در بیشتر عکس‌های موجود پیداست، اکثریت قریب به اتفاق جنازه‌هایی که روی هم افتاده‌اند، سیاه پوست هستند، تا ایرانی و سایر کشورها. پس چگونه امکان دارد از ایران ۴۵۹ نفر کشته شده باشند و جمع کل کشته‌های سیاه پوست به تعداد کشته‌های ایران نرسد. درحالی که تعداد کشته‌های سیاه پوست باید متجاوز از ۱۰۰۰۰ نفر باشد. این درحالی است که عربستان تعداد کل کشته‌را حدود ۱۳۰۰ نفر می‌داند. رئیس سازمان حج ایران پس از بازدیدی که از قبرستان شهدا در مکه داشت اعلان کرد، تعداد کشته‌های منا که در این قبرستان دفن شده‌اند، بیش از ۱۰۰۰۰ نفر است. در ایام فاجعه منا برای مدتی کوتاه، روی سایت وزارت بهداشت عربستان، تعداد کشته را ۴۷۰۰ نفر اعلان کرد، ولی پس از مدت زمان کوتاهی آن آمار را برداشتند.

آموزش

تعلیم آموزش‌های لازم به افراد متناسب با مأموریت:

در بالا در مورد آموزش دادن صحبت شد.

نصب تابلوها و علائم مشخص کننده محل ورود و خروج، زمان باز بودن غرفه‌ها و اطلاعات ضروری تفکیکی مانند اتاق استراحت و ... :

تابلوها را قبلاً توضیح دادم، اما اطاق استراحت که جای خود دارد و در مسیر بیش از ده کیلومتری بین مشعر تا منا و منا تا جمرات، حتی یک قسمت زمین صاف برای استراحت وجود ندارد. نکته تعجب‌آور اینکه، در طول فاصله مشعر تا منا، که ۴ میلیون نفر باید از این مسیر عبور کنند و از آنجا تا جمرات، حتی یک محل استراحت با امکانات حداقل، از قبیل آب، تخت، کمک‌های اولیه، به ویژه برای سالمندان، که از قضا اکثریت غالب حجاج پیر هستند وجود ندارد بدتر از آن اینکه حتی در این فاصله طولانی یعنی در طول حدود ۱۰ کیلومتر پیاده روی اجباری که

همه حجاج باید در روز عید قربان طی کنند، حتی سرویس بهداشتی وجود ندارد. ما همیشه شاهد مشکلات عدیده، در این مورد، در طول مسیر بوده‌ایم. شاید باور این موضوع برای همه مشکل باشد، اما هر کس که برای سفر حج به عربستان رفته باشد، این مشکل را با تمام وجود حس کرده است. همین جا یک نتیجه مقدماتی بگیریم، آن اینکه، وقتی برای مسیر ۱۰ کیلومتری بین مشعر تا جمرات، نه استراحت گاه، که حتی یک سرویس بهداشتی وجود ندارد، می‌توان باور کرد که کوچک‌ترین برنامه‌ریزی و پیش‌بینی برای نجات افراد در صورت پیش آمد یک بحران صورت گرفته باشد.

اختصاص یک عامل برای تماس با مراکز اضطراری در صورت نیاز:

همان‌طور که توضیح داده شد، در عربستان چنین فردی نیست. باید توجه کرد، که در مسیرهای طولانی بین مشعر و منا و عرفات، احتیاج به صدها چنین مأمورهایی هست، تا در تمام مسیر، به اطلاع رسانی به موقع پردازند. ولی در طول چنین مسیر طولانی، چنین افرادی دیده نمی‌شوند. در فاصله ۳۰۰ متری مسیر ۲۰۴ که فاجعه منا اتفاق افتاد، اگر یک نفر اطلاع رسانی کرده بود، شاید چنین فاجعه‌ای اتفاق نمی‌افتاد.

مدیر مسئول

اختصاص یک مدیرمسئول که در صورت نیاز تصمیمات کلیدی را اتخاذ کند: تصمیم گیرنده در عربستان، هر مأموری هست که در هر نقطه است. بدون اینکه آموزشی برای تصمیم‌گیری دیده باشند. لذا نوعاً تصمیم‌های غلط می‌گیرند. تهیه طرح اضطراری، که در صورت مواجهه با خطر شدن کارکنان از جمله، مواجه شدن با افزایش جمعیت، آتش، اعمال اعتراضی. این طرح باید به بخش‌های

خدمات اضطراری محل داده شود.

اگر طرحی برای شرایط اضطراری بود، این چنین نبود که کوچک‌ترین مشکلی در عربستان تبدیل به بحران و فاجعه می‌شود

تعیین مسیر و راهروهای خروجی و ورودی برای زمان بحران:

مسیرهای ورود و خروج، یک مسیر اصلی است و چند مسیر فرعی، که همه اینها می‌تواند به عنوان مسیرهای تخلیه شرایط بحران باشد. اما متأسفانه به دلیل مشخص نبودن مسیرهای اضطراری از قبل، در فاجعه منا، حتی از مسیرهایی که باید جمعیت تخلیه می‌شد، به ورودی به مسیر ۲۰۴ تبدیل شده بود و به کسی هم اجازه خروج از آنها را نمی‌دادند.

آموزش کارگران

آموزش کارگران برای اعمال مدیریت جمعیت و طرح‌های اضطراری و امکان دادن به آنها که قبلاً، تمرین حوادث را بنمایند:

به نظر نمی‌رسد این مأموران با کلمه مانور و تمرین آشنا باشند چه برسد به اینکه مانور و تمرینی برای آنها باشد تا در زمان اضطرار از آن استفاده کنند.

کارهای پیش از وقوع حادثه:

تنظیم راه‌روها با طناب، به ویژه در ورودی و خروجی که غالباً تنگ‌تر هستند. قبل از رسیدن جمعیت به فروشگاه:

ارتباطی با مسئله منا ندارد. ولی در مساجد و محل‌های شلوغ، در ورودی‌ها، همان طناب‌های پلاستیکی را می‌گذارند، اما بدون برنامه‌ریزی و لذا به جای کمک به روان سازی حرکت جمعیت، جریان حرکت را متراکم می‌کنند.

اطمینان از اینکه برنامه طوری تنظیم شده است که تجمع جمعیت در ورودی فروشگاه نباشد. این به مدیریت جمعیت اجازه می‌دهد که جمعیت مناسب توزیع شود: در حادثه منانه تنها توزیع جمعیت برای کاهش فشار نبود، بلکه وقتی مردم از فشار جان می‌دادند، جمعیت را از مسیر دیگری در جهت عکس، به خیابان ۲۰۴ هدایت کردند و بر کشته‌ها افزودند.

اختصاص یک مأمور راهنما برای نشان دادن راه‌های ورودی:

این مورد برای نشان دادن ورودی مسیر ۲۰۴ کم نبود. از آغاز مسیر حدود ۱۰ نفر راه ورودی را نشان می‌دادند. اما در زمان فاجعه حتی یک نفر نبود، یک راه خروج از فاجعه را به مردم نشان دهد.

این راهروها باید به گونه‌ای تنظیم شده باشند تا ایستگاه‌های خروجی و استراحت داشته و چنانچه کسی خسته شد در ایستگاه توقف و خارج گردد و بقیه به مسیر ادامه دهند: در مورد بخش ایستگاه خروجی، استراحتگاه و... قبلاً توضیح داده شد.

مسیر راهروها

مسیر راهروها شرح داده شود، تا افراد راحت‌تر مسیر را انتخاب کنند: در روز فاجعه اگر افراد راهنما، یا علائمی بود، که مسیرهای خلوت مجاور را راعرفی می‌کرد، تعداد کشته‌ها نصف می‌شد.

اختصاص درب ویژه

برای ناتوان‌ها و معلولین درب ویژه اختصاص دهند: در مسیر خیابان ۲۰۴ تعدادی از زنان و مردان روی ویلچر بودند. یک کاروان با تعداد زیادی از جانبازان (معلولان) جنگ عراق علیه ایران بودند، که نه مسیر ویژه و

نه امکان ویژه‌ای برای آنان بود. این مردان که عمدتاً دو پا نداشتند، یا قطع نخاع بودند، در اولین ورود حجاج آفریقایی به خیابان ۲۰۴ آن هم در جهت عکس، همه ویلچرهای آنان برگشت و خودشان به همراه ویلچر، به روی زمین افتادند. متأسفانه همه آنها زیر دست و پای مردم جان باختند.

امور مربوط به زمان اضطراری:

هرگز مانع تراشی نکرده و درب‌های خروجی را قفل یا بسته نگه ندارید: مانع تراشی در منا نبود اما از صبح و قبل از فاجعه به مأمورین گفته بودند، خروجی این خیابان بسته باشد، در زمان فاجعه بزرگ هم راه را باز نکردند. البته با تشخیص یک مأمور، یک مسیر معکوس را به خیابان باز کردند. مسئول درخواست کمک‌های امدادی مشخص باشد. قبلاً توضیح داده شد.

کمک‌های اولیه

کمک‌های اولیه را مراقبت کرده و توسط امدادگران آموزش دیده استفاده شود: قبلاً گفته شد که در مسیر حدود ۱۰ کیلومتر، کمک‌های اولیه‌ای وجود نداشت که بخواهند از آن مراقبت کنند. به آموزش کارکنان کنترل جمعیت توجه شود تا در وقایع اضطراری بتوانند از طریق آموزش‌ها عمل کنند. قبلاً توضیح داده شد.

موارد ذکر شده فوق تنها بخش کوچکی از قوانین OSHA بوده و به مفهوم شرح کل این قانون نمی‌باشد.

اهداف اجرای قانون

اجرای قانون باید به دقت و به گونه‌ای تنظیم شود که حقوق اولیه و سایر آزادی‌های مدنی اشخاص و همچنین ایمنی و اموال عمومی را محافظت کند. اصل قانون گزاری امری مشکل و بسیار حایز اهمیت بوده و قوانین بهداشتی و امنیتی نیز به عنوان بخشی از قوانین کلی باید بر اساس معیار مناسب و حفظ کلیه جوانب تنظیم گردد تا موفقیت حاصل شود.

مجری قانون مسئولیت دارد که جان و مال مردم را حفظ کند. آنها باید یک پوشش عمومی بدهند به گونه‌ای که اجازه ندهند اعتقادات سیاسی با نگاه‌های مذهبی روی وظیفه آنها اثر گذارد.

در نظر گرفتن برخی از مسائل

۱. حمایت از حقوق اساسی:

در عربستان حقوق افراد، از شهروند عربستانی تا افرادی که مجوز اقامت دارند و تا حاجیان میهمان این کشور رعایت نمی‌شود. مثلاً علی‌رغم اینکه، در پاسپورت هر حاجی ویزای عربستان بدون هیچ قید و شرطی درج شده است؛

الف: درموقع ورود به کشور، در فرودگاه بازرسی‌های مختلف می‌شود، هر نوع کتاب، برنامه‌های کامپیوتری، متون موجود در آن، که به نظر مأمور عربستان مخالف عقائد و هابیت باشد، از حاجی گرفته می‌شود.

ب: در مسجد الحرام یا مسجد النبی، در هر خیابان، در منا و عرفات، به ویژه در مدینه و در قبرستان بقیع، مأموران عربستان، هر حاجی را ممکن است دستگیر و بازداشت کنند، حتی به زندان ببرند. هر چه همراه داشته باشید، می‌تواند از دید عربستان اشیای ممنوعه باشد. حتی کتابی که گمرک فرودگاه اجازه ورود داده، در

قبرستان بقیع از شما می گیرند. من بارها دیده‌ام که یک حاجی از حاجی دیگر آدرس را سؤال کرده و مأمور عربستان هر دو، یا یکی از آنها را دستگیر کرده و پس از یکی دو روز آزاد می کنند، یا مدت‌ها او را نگه داشتند. بدتر از آن اینکه نه خود حجاج و نه سازمان‌های بین‌المللی هیچ وقت اعتراضی به این عدم رعایت حقوق انسان‌ها نمی کنند.

ج: حجاج در عربستان که باید حقوق شخصی آنها حفظ شود، حتی در انجام اعمال دینی آزادی عمل ندارند، چرا که همه حجاج باید بر اساس مکتب تندرو و مخالف اسلام و هابیت اعمال خود را انجام دهند و گرنه مورد اعتراض مأمورین عربستان قرار می گیرند. بارها شده است که در مسجدالنبی، سجاده را از زیر پای حجاج کشیده‌اند، چرا که سجاده در سیستم و هابیت ضرورتی ندارد، لذا هیچ حاجی دیگر هم نباید غیر از آن عمل کند.

د: حق آمدن میهمان برای حاجی در عربستان وجود ندارد. مثلاً اگر شما در مسجد و یا بازارو یا یک مکان توریستی، بادوستی غیر از کشور خودت آشنا شوی و او را به هتل خود برای دیدار دوستانه دعوت کنی، مأموران هتل اجازه ورود به او نمی دهند. این موضوع برای خود من بارها اتفاق افتاده و در روز فاجعه منا که یک راننده ویلچر. مرا به هتل آورده بود اجازه ورود راننده را به هتل نمی دادند و بالاخره هم نگذاشتند از جلوی لابی جلوتر برود.

۲. اجرای بی طرفانه و منصفانه قوانین:

اجرای بی طرفانه قوانین در عربستان بی معنی است. اگر شما ملیت عربستان داشته باشید، اجرای قوانین عمومی شهری برای شما ضرورتی ندارد، همه راه‌ها باز، پارک خودرو در هر محلی مجاز (حتی دوبله یا سوبله)، اما اگر غیر عربستانی بودی، حتی اقامت سالیانه و قابل تمدید داشته باشی، کوچک‌ترین تخلفی جریمه سنگین دارد.

البته تا چند سال قبل به جای جریمه یک قطعه فولادی دست پلیس‌ها بود، که با آن به شیشه یا کاپوت جلو و عقب ماشین میزدند و آن را از کار می‌انداختند. الآن متمدن شده‌اند و ماشین غیر عربستانی را که خلافی مرتکب شده، به پارکینگ حمل می‌کنند. البته لازم است اشاره کنم، این قوانین راهنمایی و رانندگی بود، اما سایر قوانین عربستان، به ویژه بعضی از آنها، عقلانی و منطقی نیست، تا چه رسد به منصفانه اجرا کردن آن. مثلاً در همین بخش رانندگی، هیچ خانمی اجازه رانندگی در عربستان ندارد. ده‌ها مورد مشابه این در قوانین شهری عربستان وجود دارد. اگر قوانین مدنی عربستان را نگاه کنید، از این فاجعه بارتر است.

۳. حفاظت جان و مال:

جان و مال هیچ حاجی در عربستان ارزش قانونی ندارد. هر از چند سال، تعداد قابل توجهی از حجاج، در حوادث مختلف جان خود را از دست می‌دهند، اما برای دولت عربستان، کشته شدن انسان‌ها، آن هم در حد مثلاً ۱۰۰۰۰ نفر در فاجعه منا در سال ۱۳۹۴ ش اهمیتی نداشته، به طوری که پس از این فاجعه مرگبار، از کشورهای دوست خود خواستند، به آنها برای خدمت رسانی به حجاج و مدیریت صحیح فاجعه منا، تبریک بگویند، که متأسفانه، چنین هم شد و عده‌ای از کشورها در حقیقت توانایی عربستان را در کشتار ۱۰۰۰۰ حاجی بی‌گناه تبریک گفتند. بدتر آنکه آمار گشته‌ها رایک پنجم عدد واقعی اعلان کردند و هیچ کشوری به جز ایران اعتراضی به این آمارها نکردند.

اما در مورد مال مردم. کشور عربستان هیچ تعهدی در مورد سرقت، آتش سوزی و... برای از بین رفتن مال حجاج مسؤلیت نمی‌پذیرد. بارها دیده‌ام که حجاج مبلغ قابل توجهی دلار در خیابان، معابر، معابد، مکان‌های شلوغ و... از آنها دزدیده شده و برای پیدا کردن دزد، به پلیس مراجعه کرده‌اند، پلیس هیچ مسؤلیتی نپذیرفته است. آنها حتی از پر کردن یک فرم ساده اعلان سرقت اموال حاجیان خودداری می‌کنند.

چند سال قبل، یکی از دوستانم ۴۰۰۰ دلار پولش را دزدیدند، به هر جا مراجعه کرد، حتی فرم سرقت اموال راندادند پر کند تا از بیمه پس بگیرد.

۴. مفاظت از تأسیسات میاتی:

در عربستان به ویژه در مکه و مدینه، آب لوله کشی وجود ندارد. آب همه هتل‌ها و اقامتگاه‌های حجاج از طریق تانکر آب تامین می‌شود. لذا در عربستان تاسیسات حیاتی مثل لوله کشی آب ندارند، که بخواهند از آن حفاظت کنند. در هتل‌های محل اقامت اگر در طبقات بالا بودید، آب مرتب با فشار کم و حتی قطع می‌شود. در طول مسیر از عرفات تا منا هم، اگر لوله کشی آب بود، اینقدر حاجی کشته نمی‌شد. همچنین تاسیسات دیگر نظیر فاضلاب و غیره وجود ندارد. چاه‌های فاضلاب نیز باتانکر خالی می‌شوند. اما در محل‌هایی غیر از هتل‌ها و خانه‌های شخصی مردم، وضع فاضلاب افتضاح است. موش‌هایی به اندازه گربه در کوچه‌ها می‌دوند و آلودگی را با خود منتقل می‌کنند.

۵. مفاظ امنیت عمومی و مفاظت از معترضین:

در عربستان این حق برای هیچ حاجی وجود ندارد که اعتراض به امری داشته باشد، تا چه برسد به حفظ آنان. در عربستان حجاج حتی اگر به مأمورین، در مساجد یا کوچه و خیابان اعتراضی کنند، به عنوان جرم تلقی می‌شود و به دادگاه و زندان منجر می‌گردد. در مسجد الحرام و مسجد النبی دادگاه‌هایی است که نه اعتراض، اما اگر کسی کاری برخلاف نظر مسئولان حرم انجام داد، مثلاً با یک آقا یا خانمی که از خانواده او نباشد، صحبت کند، مأموران او را به دادگاه کذایی می‌برند. من حداقل سه بار در چند سال گذشته به خاطر دانستن زبان عربی و انگلیسی، که پاسخ سؤال یک خانواده را داده بودم به این دادگاه رفته‌ام. عجیب‌تر اینکه، اگر احتمالاً توانستی از خودت دفاع کنی و محکوم

نشوی، یک تعهد می گیرند، که دیگر این اعمال تکرار نشود. البته من دیده‌ام که در همین دادگاه‌ها، اگر کسانی زبان عربی ندانند، محکومیت قطعی هر چند در حد تذکر کتبی باشد، تعهد هم حتماً گرفته می شود. البته خوشبختانه در این دادگاه‌ها من هرگز نه محکوم شده‌ام و نه حتی تعهدی داده‌ام. ولی انواع محاکمه‌های کاملاً بی اساس را دیده‌ام. حفظ امنیت در عربستان خوب است، اما نه برای ۴ میلیون حاجی، بلکه برای دولت عربستان. بارها شده است که یک راننده مست یا نژادپرست عربستانی، با ماشین چند حاجی را در کنار خیابان زده و فرار کرده است. آیا کسی به دنبال آن راننده می رود، هرگز. ما که در طول سه دهه گذشته ندیده‌ایم.

۴. حفظ امور بازرگانی و تجاری:

در عربستان برخلاف دیگر کشورها، مشتری و خریدار کالا اهمیتی ندارد، چراکه مشتری مجبور به خرید فصل حج از عربستان است و فروشنده بی رقیب، هیچ اقدامی برای رعایت امور بازرگانی و تجاری، که در بحث‌های توریستی بسیار مطرح است، انجام نمی دهد. مثلاً در کشورهایی که ده درصد این جمعیت در یک فصل توریست داشته باشند، چقدر امکانات و تسهیلات و تخفیف ویژه برای مسافران عرضه می کنند، اما در عربستان برعکس است. یعنی به جای تسهیلات، کرایه هتل‌ها، مجتمع‌های اقامتی، وسائل حمل و نقل، مثل تاکسی‌ها و... چند برابر و گاهی ۲۰ تا ۵۰ برابر می شود.

مدیریت حوادث ازدحام

شاید بتوان به راحتی مدیریت جمعیت حدود ۲۵۰ نفر را با اصول زیر بیان کرد:
(ACE):

هر چند این بحث برای ۲۵۰ نفر پیش‌بینی شده است، اما متأسفانه هیچکدام از موارد زیر در مورد ۴ میلیون نفر از ججاج در عربستان رعایت نمی شود.

۱. حفظ راهروها (مسیرها)، جلوگیری از توقف و نشستن یا ایستادن در مسیرها: همان‌گونه که قبلاً هم توضیح داده شد، در مسیر مشعر به منا و منا به جمرات، معمولاً مقدار زیادی زباله‌های حج‌اجی که چادر آنها در مسیر جمرات است، در حاشیه مسیر است که راه را خیلی تنگ می‌کند. در مواردی اتوبوس‌هایی که حاجیان ناتوان (معلولین) را به منا برده است، در برگشت، در مسیر قرار می‌گیرند و بر تنگ‌تر شدن راه، علاوه بر زباله‌ها اثر جدی دارند.

۲. ظرفیت سنجی دائم در ورودی، خروجی و بین مسیر و جلوگیری از افزایش آن: در عربستان ظرفیت سنجی مستمر وجود ندارد. مثلاً در مسیر خیابان ۲۰۴، هر چه جمعیت فشرده‌تر می‌شد، پلیس‌ها، گروه‌های جدیدی را به این خیابان هدایت می‌کردند. از طرف دیگر با موانع مختلف به ویژه کامیون، راه‌های خروجی را می‌بستند. بدتر از آن، از فرعی ورودی ۲۲۳ به ۲۰۴، یک ماشین پلیس آمد با چند پلیس و با بلندگو به مردمی که داشتند از گرما و فشار می‌مردند، گفتند «ارجع وراء، ارجعوا وراء»، «برگرد عقب، برگردید عقب». نتیجه معلوم است، افتادن مردم روی هم و جان دادن آنها.

۳. باز بودن راه‌های خروجی و تأمین وسایل و کمک به کلیه جمعیت: در عربستان بیشتر از اینکه به باز کردن راه‌های خروجی و تأمین وسائل کمک به جمعیت پردازند، فقط همان جمله تکراری را می‌گویند.

قبل از وقوع حادثه باید سیستم‌های هشدار برای معرفی خروجی‌ها و سالم بودن زنگ خطرها کنترل شود:

در عربستان سیستم هشدار در مراکز جمعیت دار نظیر عرفات، مشعر، منا، جمرات و سایر مراکز وجود ندارد. البته در بعضی هتل‌ها زنگ خطر وجود دارد که ما هرگز به جز در موارد امتحان، صدای آنها را در زمان خطر نشنیدیم. در مسیر ۲۰۴ هم که از این زنگ خطرها و هشدارها خبری نبود.

باید مکان‌های مناسب استراحت تامین گردد:

یک مجله آمریکایی به نام «مجله بین‌المللی مدیریت»، در سال ۱۹۹۴ شماره ۶۱ - ۱، ۱، ۵۵۰ مقاله‌ای علمی به قلم آقای ج، اف، پلبلی، تحت عنوان: «درس‌هایی برای مدیریت اجرایی مراحل بحران» چاپ کرده است، که پس از توضیحات مفصل، موارد مدیریت جمعیت انبوه، به ویژه اجرای مراحل آن را در جدول زیر خلاصه کرده است.

مدیریت بحران غربی (Preble ¹ , 1994)	مدیریت بحران منا در عربستان	مراحل مدیریت بحران
پیش‌بینی وقوع بحران، کاهش آثار زیانبار، مطالعه تهدیدات و خطرات، ارزیابی دارایی‌ها و تجهیزات	کلاً پیش‌بینی و یا مطالعه‌ای برای کاهش تهدیدات و خطرهای احتمالی وجود ندارد.	پیشگیری
تعیین وظایف بر پایه سناریوهای خطر، سازماندهی، آموزش و رزمایش، تجهیز و به روز کردن طرح‌ها	در عربستان برای بحران احتمالی در راستای جمعیت عظیم حج، تعیین وظایف بر پایه سناریوهای خطر، سازماندهی، آموزش و رزمایش، هماهنگی، تجهیز و به روز کردن طرح‌ها خبری نیست	آمادگی
اعلام عمومی بنا بر شرایط بحران، برقراری هماهنگی‌های درون و خارج سازمانی، برقراری نظم و امنیت و جلوگیری از هم افزایی و تشدید بحران، تخلیه و اسکان اضطراری، جستجو و نجات، امداد رسانی، پشتیبانی، ارزیابی و تحلیل ملزومات و منابع، اقدام جهت پیشگیری از وقوع بحران‌های ثانویه	در بحران منا، عربستان هیچگونه هماهنگی درون و خارج سازمانی، برقراری نظم و امنیت و جلوگیری از هم افزایی و تشدید بحران، تخلیه و اسکان اضطراری، جستجو و نجات، امداد رسانی، پشتیبانی، ارزیابی و تحلیل ملزومات و منابع، نداشتن بلکه بحران ثانویه یعنی عدم امداد رسانی ایجاد شد.	مقابله
بازسازی، بازتوانی، بازگشت به وضعیت عادی، ایجاد فرصت‌های توسعه	در بحران منا در عربستان بازگشت به وضع عادی تا آخر موسم حج انجام نشد. حتی افراد بعد از بازگشت به کشورشان در تنش و فشار پسماند فاجعه بودند. چراکه افراد خبری از مفقودین خود نداشتند که آیا زنده و در بیمارستان‌ها هستند یا جان‌باخته و دفن شده‌اند. این تنش هنوز هم ادامه دارد.	بازیابی

1. Pleble, J.F. (1994). Handling international disaster: lessons for management. International Journal of Management, 11, 1, 550-61.

در این آیین‌نامه‌ها و مقررات فوق، موارد زیادتری بود که چون با موضوع جمعیت زیاد در حج ارتباطی نداشت و بیشتر برای موارد جمعیت زیاد در اروپا و آمریکا بود، از عنوان کردن آنها خودداری کردم. چنین مقرراتی در بعضی کشورهای دیگر نظیر هندوستان نیز وجود دارد که به علت شباهت، آورده نشد.

نتیجه

این خلاصه‌ای از وظایف مدیرانی بود که جمعیت قابل توجهی را باید اداره کنند. یا حتی برای محیط‌های کوچک، نظیر فروشگاه‌های بزرگ که تا ۲۵۰ نفر را، اجتماع شلوغ در نظر می‌گیرند.

فصل ششم: فاجعه منا از نگاه حقوقی

از بدو روی دادن فاجعه غمبار منا، همه مسلمانان بر لزوم پیگیری حقوقی این حادثه در مجاری حقوقی تأکید داشته‌اند. موضعی که در درستی آن نباید تردید کرد. اما اینکه چه ظرفیت‌هایی برای پیگیری حقوقی این رخداد تلخ، وجود دارد، نکته مهمی است که باید دقت بیشتری در آن صورت گیرد.

۱. مسئولیت حقوقی دولت عربستان

بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی، دولت عربستان موظف به حفظ جان افرادی است که با رضایت این دولت و تحت روادید رسمی سعودی وارد خاک این کشور شده‌اند. با توجه به معلوم نبودن علت حادثه و قصور قطعی مأموران سعودی چه در بستن راه، چه در امداد رسانی متعارف به مجروحان، مسئولیت حقوقی دولت سعودی محرز است. بنابراین کشورها از جمله ایران باید در دادگاه بین‌المللی لاهه طرح دعوا کند و با توجه به احراز تمام شرایط لازم از جمله عضویت ایران و عربستان در این دادگاه و همچنین محرز بودن برخی خطاهای صورت گرفته، سعودی‌ها محکوم به جبران خسارت می‌شوند. نکته مهم در این دادگاه این است که این مرجع تنها در خصوص جنبه‌های حقوقی صالح است، لذا حداقل نتیجه‌ای که

می‌توان در این دادگاه به دست آورد، عذرخواهی رسمی سعودی‌ها و جبران خسارت مالی است.

۲. داوری لاهه

شهر لاهه هلند به نمایندگی از ساختار قضایی سازمان ملل، مرجع دیگری هم برای پیگیری به نام «مرکز حقوقی و داوری لاهه» دارد، که اختلافات کشورها را به صورت داوطلبانه بررسی می‌کند. هرچند ارجاع اختلاف کشورها از جمله ایران و عربستان در مورد فاجعه منا به این مرجع منتفی نیست، اما شرط ضروری آن موافقت سعودی‌ها با این ارجاع است. شرطی که به نظر می‌رسد چندان امیدی به تحقق آن نیست.

۳. شکایت در دادگاه‌های عربستان

بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی هر کشوری در خصوص جرایمی که در خاکش اتفاق می‌افتد مسئول است و باید شرایط دادرسی عادلانه را در دادگاه‌های خود فراهم کند، ولی با توجه به ساختار پلیسی و بسته کشور عربستان، نمی‌توان امیدی به موفقیت این روش داشت. اما از سوی دیگر طرح دعوای سیاسی متعدد در دادگاه‌های عربستان کارکرد خود را خواهد داشت. چراکه حداقل ادعای حقوق بشری رژیم سعودی را برملا خواهد کرد.

۴. شکایت در دادگاه‌های کشورها از جمله ایران

بر اساس ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ که بر اساس اصل تابعیت منفعل تنظیم شده، در هر جای دنیا، جرمی علیه شهروندان ایرانی واقع شود، دادگاه ایران صلاحیت رسیدگی به این موضوع را دارد.

۵. شکایت از عربستان در دیوان بین‌المللی کیفری

پنجمین مسیری که برای پیگیری مسببان جنایت‌ها به ذهن می‌رسد پیگیری موضوع از طریق شکایت در دیوان بین‌المللی کیفری است. متأسفانه مطابق اساسنامه رم، دادگاه بین‌المللی کیفری تنها در صورتی صالح است که دوکشور شاکی و مشتکی عنه عضو این دادگاه بوده و اساسنامه آن را بپذیرند، اما هنوز عربستان اساسنامه دیوان را امضا نکرده است.

۶. دادگاه بین‌المللی کیفری

یکی دیگر از راه‌هایی که به نظر می‌رسد ضمانت اجرای قوی‌تری داشته باشد، پیگیری محاکمه سعودی‌ها از طرق فوق‌العاده در دادگاه بین‌المللی کیفری است. توضیح اینکه اگر شورای امنیت حادثه‌ای را به دادگاه بین‌المللی کیفری ارجاع دهد، این دادگاه مکلف است عوامل حادثه را محاکمه کند ولو کشور خاطی عضو دیوان نباشد و اساسنامه را نپذیرفته باشد. از همین جا مسئولیت وزارت خارجه کشورها از جمله ایران آغاز می‌شود و دستگاه دیپلماسی باید از طریق سازمان همکاری‌های اسلامی، کشورهای قربانی داده در حادثه منا را نسبت به تشکیل یک کمیته حقیقت‌یاب اقناع کند و با اجماع به وجود آمده موضوع را به شورای امنیت بکشاند تا بتوان عاملان این جنایت فاجعه آمیز را به پای میز محاکمه بکشاند. این مسیر گرچه بسیار طولانی است اما پیگیری آن علاوه بر احتمال به نتیجه رسیدن، فواید سیاسی هم دارد، چراکه با تحمیل هزینه سیاسی سنگین به عربستان، خود سری آنها تا حدی مهار می‌شود. پیگیری حقوقی فاجعه منا در مسیرهای گفته شده همچنین می‌تواند در روند انتقال مدیریت حج به یک کمیته بین‌المللی مؤثر باشد.

از این طریق با دیپلماسی فعال، می‌توان هزینه سیاسی را برای عربستان افزایش داد. این اقدام حتی اگر به نتیجه هم نرسد، سندی دیگر خواهد بود بر چرخه سیاسی

و مجعول نهادهایی که باید به وقت اتفاقات اینچنینی پیگیر احقاق حقوق جان باختگان باشند، وگرنه صدای مظلومیت این جان باختگان هرگز شنیده نمی‌شود

تأثیر این اقدامات به دلائل زیر:

۱. کلیه حجاج سانحه دیده ویزا داشته و به صورت قانونی وارد سرزمین حجاز شده بودند.
 ۲. حجاج در سرزمین تحت کنترل سعودی دچار این حادثه شدند و امکانات مدیریت بحران در اختیار سعودی بود.
 ۳. عوامل ایجاد بحران، مأموران دولتی سعودی بودند، نه کس دیگری.
- هر یک از دلایل بالا به تنهایی مسئولیت سعودی را ثابت می‌کند. با این حال هر سه دلیل مسئولیت خون حجاج را به گردن سعودی می‌اندازد.

آیا فاجعه منا عمدی بود؟

اینکه عده‌ای معتقدند، فاجعه منا با برنامه‌ریزی قبلی بوده، که البته بعضی شواهد، این را نشان می‌داد و عده‌ای از حجاج کشورهای مختلف هم همین عقیده را داشتند و نظر آنها بیان شد. اما من چنین اعتقادی ندارم. به نظر من فاجعه منا به دلیل ضعف مدیریت و عدم تجربه کافی پرسنل درگیر بود. البته، عدم اطلاع رسانی به موقع و کم‌رسانی بسیار ضعیف، شاید به دلیل مشکلات سیاسی درون کشور و جناح‌های سیاسی عربستان باشد. مثلاً چرا اطلاع رسانی دیر انجام شد، امدادرسانی خیلی دیرتر از انتظار، تبعیض بین ملیت‌ها، گذاشتن تعدادی از جنازه‌ها را در کانتینرهای سبزی و میوه و عده‌ای دیگر را در کانتینرهای حمل گوشت، که جنازه یا از گرما متلاشی و یا از سرما به هم چسبیده بودند. البته کار خوبی هم که کرده بودند و من فکر نمی‌کردم اینقدر عقلشان برسد، این بود که هر کس را که می‌خواستند دفن کنند، از او عکس و «دی ان ا!» می‌گرفتند تا

بتوانند در صورت نیاز صاحب جسد را پیدا کنند.

البته در پایان اضافه کنم، من تصمیم دارم اگر عمری باقی باشد، تا زمانی که حج توسط آل سعود اداره می‌شود، به حج بروم. چراکه واقعاً امنیت جان انسان در هر لحظه و در مکان در خطر جدی است. در یک مقایسه ساده می‌توان دید، که در راهپیمایی اربعین (سالگرد چهلمین روز شهادت امام حسین علیه السلام)، مردی که حاضر نشد، با ظلم و ظالمان کنار بیاید و با سپاه اندک - حدود ۱۵۰ نفر در مقابل حداقل ۱۲۰۰۰ نفر - ایستاد و شهید شد، ولی به حکومت ظالم تن در نداد. در فاصله‌های متفاوت شهرهای عراق تا کربلا، هر سال بالای ۲۰ میلیون جمعیت شرکت می‌کنند، الحمدلله تا کنون مشکلی پیش نیامده. اما جمعیت ۳ میلیونی نفری حج امسال که فقط ۲۰۰۰۰ نفر آنها در معرض خطر بودند، از این رقم بیش از ۱۰۰۰۰ نفر آنها جان باخته‌اند. البته در راهپیمایی اربعین بین ۵۰ تا ۱۰۰ کیلومتری افراد از کشورهای مختلف اسلامی از شیعه و سنی، تعداد قابل توجهی (هر ۱۰ تا ۵۰ متر حد اقل یک) محل استراحت وجود دارد. خانه‌های افراد بین راه‌ها و صدها موبک (استراحت گاه) که نه تنها به راهپیمایان نوشیدنی، غذا و میوه می‌دهند، بلکه با دستگاه‌های الکتریکی و یا افراد خبره بدن راهپیمایان را ماساژ داده و بعد هم اسکان شبانه می‌دهند. این میزبانان، در مواردی برای پذیرایی کردن، نه تنها از راهپیمایان خواهش، بلکه به آنها التماس می‌کنند. همه این خدمات اعم از غذا، مکان برای اقامت شبانه و...، مجانی بوده و هیچ هزینه‌ای برای راهپیمایان ندارد. زیرا افراد، به صورت داوطلبانه و حتی افراد کم درآمد، با ذخیره این مخارج در طول سال، به مدت حدود ۱۰ روز راهپیمایی اربعین، به نیت خدمت و کمک به حفظ راه آزاد مرد تاریخ جهان و اسلام، یعنی حسین علیه السلام فرزند فاطمه و علی علیه السلام و نوه پیامبر صلی الله علیه و آله در قرن بیست و یکم که زمان حیرانی اکثریت انسان‌هاست، به راهپیمایان اربعین، هدیه می‌کنند.

قضا و قدر و فاجعه منا

در چهارچوب تبلیغات فراوانی که برای کم‌رنگ کردن مسؤلیت مجریان حج در فاجعه منا انجام می‌گیرد، برخی تلاش دارند این حادثه را تقدیر الهی بنامند و بگویند مفری از قضا و قدر الهی نیست.

بر اساس گزارش خبرگزاری عربستان (واس) شیخ عبدالعزیز عبدالله آل شیخ، مفتی اعظم عربستان فاجعه منا را قضا و قدر الهی دانسته و مدعی شده است که مقامات عربستان در این فاجعه مقصر نیستند. شما در حادثه‌ای که رخ داده مسئول نیستید چراکه تمام آنچه که در اختیار و توان داشتید ارائه کردید اما در مورد این حادثه کاری از عهده انسان بر نمی‌آید چراکه قضا و قدر بوده و انسان در آن نقش نداشته و به هر حال اتفاق می‌افتاد.

پاسخ این شبهه به صورت مختصر به شرح زیر است:

قضا و قدر الهی به معنای نظام مند بودن حوادث عالم است به عبارت دیگر «قدر» به معنای اندازه‌گیری است به این معنی که خداوند هر چیزی را با اندازه و استعداد و قابلیت خاص آفریده است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾؛ «ما هر چیزی را به اندازه‌ای آفریده‌ایم. (قمر: ۴۹)

و «قضا» به معنای تحقق یکی از آن استعدادهای و قابلیت‌هاست که بر اساس سنن الهی به فعلیت می‌رسد. مثلاً یک قطعه چوب استعداد دارد که به شکل‌های مختلف در آید هر چه این استعدادهای متعدد هم باشد ولی قطعاً محدود است مثلاً قابلیت‌هایی که در یک قطعه آهن هست در آن نیست. به این استعداد و قابلیت‌ها «قدر» یعنی اندازه آن شیء گفته می‌شود. حال اگر یکی از آن استعدادهای در اثر عوامل ارادی یا غیر ارادی محقق شد تبدیل به قضا می‌شود.

بنابر این، اعتقاد به قضا و قدر، اعتقاد به این است که در نظام هستی هر چیزی با

محاسبه دقیق و معین به طور قانونمند و سازگار در چهارچوب نظام علت و معلول قرار داده شده است و این عقیده ربطی به عقیده نادرست جبر ندارد. تردیدی نیست که هیچ رخدادی در عالم جز به تقدیر الهی به معنای فوق رخ نمی‌دهد، چه برگری که از درخت می‌افتد و چه کاری که از انسان سر می‌زند، هر دو به تقدیر الهی است، ولی جریان تقدیر در آن دو متفاوت است و آن وجود اختیار در افعال انسان است که آن هم جزء مشیت و تقدیر الهی است. یعنی خدا خواسته است که انسان مختار باشد و به اختیار خود کاری را انجام دهد.

بنابر این برای تحقق افعال ارادی (که ویژگی انسان است) تحقق اسباب آن از جمله اراده لازم است که اگر آگاهانه باشد فعل عمدی خواهد بود و اگر ناآگاهانه باشد شبه عمد یا خطاست. که هر کدام آثار حقوقی خود را دارد.

قرآن کریم با نقل منطق مشرکان که گمراهی خویش را به مشیت الهی پیوند می‌زدند و می‌گفتند:

﴿لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ﴾ «مشرکان (برای تبرئه خویش) می‌گویند: اگر خدا می‌خواست، نه ما مشرک می‌شدیم و نه پدران ما و نه چیزی را تحریم می‌کردیم.

این منطق را مردود شمرده و پاسخ می‌گوید که: ﴿كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا﴾ «کسانی که پیش از آنها بودند نیز، همین گونه دروغ می‌گفتند و سرانجام (طعم) کيفر ما را چشیدند». (انعام: ۳۵)

دو نکته مهم:

دشمن تلاش دارد از این حادثه و جو روانی به وجود آمده در جهان اسلام و به‌ویژه در جامعه ایران اسلامی سوء استفاده کند و بیشتر روی دو موضوع تکیه می‌کند:

۱. نرفتن به حج

به حج نروید و پول خود را صرف چنین جای پر خطری نکنید. به جای آن بروید به کار خیر دیگری پردازید. این شیطنتی بزرگ است. مشاعر مقدسه و حرمین شریفین ارث پدری آل سعود نیست و ای بسا آل سعود از نرفتن مسلمانها و ایرانیها به حج خوشحال هم بشوند. این یک فریضه واجب و بسیار پر خیر و برکت و تمدن ساز است که به هیچ وجه نباید تحت تأثیر حوادث قرار گیرد. اگر آمار قربانیان ایرانی در حج امسال را ۵۰۰ نفر بگیریم نسبت به جمعیت ۶۲ هزار نفری حجاج کمتر از یک درصد می شود، بنابراین بیش از ۹۹ درصد حجاج ایران به سلامتی رفتند و اعمالشان را انجام دادند و به سلامتی برگشتند.

۲. اختلاف افکنی

مسئله را به دعوی عرب و عجم کشاندن و تبدیل موضوع بی لیاقتی آل سعود به اختلاف قومیتی بین عرب و عجم. مسلمانها و از جمله ایرانیها هرگز با اعراب هیچ مشکلی نداشته و نداریم. ایران با حزب بعث ۸ سال در جنگ بود، ولی هرگز آن را به حساب مردم عراق که عرب هستند نگذاشته ایم. عراقی هاهم اکنون در اربعین، مثل بهترین خویشان خود، از ما ایرانیها پذیرایی می کنند و به ایران می آیند و ما نیز از آنان پذیرایی می کنیم. ما با لبنان عرب و سوریه عرب بهترین روابط را داریم و هیچ مشکلی با آنان نداریم و البته با عربستان نیز به دلیل عرب بودن هیچ مشکلی نداریم، بلکه با دولت سعودی مشکل داریم.

سؤالاتی که باید پاسخ داده شود؟

درباره عملکرد مأموران سعودی در روز حادثه منا سؤالات زیر مطرح است:

۱. آیا اگر به جای تخصیص یک راه (مسیر شماره ۲۰۴) مسیرهای موازی آن مانند

راه سوق العرب و جوهره که جمعیت خیلی کمتری در آنها بودند باز می‌کردند

آیا این حادثه به وقوع می‌پیوست؟

۲. آیا اگر پلیس سعودی و مأموران دفاع مدنی که دارای برج‌های مراقبت مشرف

بر همه راه‌های منا است، در حین وقوع ازدحام جلوی سرازیر شدن جمعیت از

خیابان عریض اطراف، به سوی خیابان ۲۰۴ را می‌گرفتند ابعاد این فاجعه به این

گسترده‌گی می‌شد؟

۳. آیا اگر در ابتدای وقوع حادثه که هزاران نفر از طریق شماره‌های اضطراری

اعلام شده، به مأموران سعودی اطلاع داده شد به کمک‌رسانی می‌آمدند، یا به

چادرهای اطراف که مربوط به کشورهای الجزائر و ... بود دستور داده می‌شد

که ورودی‌های خود را به روی حجاج در محاصره قرار گرفته باز کنند ابعاد

فاجعه به این حد گسترده بود؟

۴. آیا اگر بعد از فاجعه نیروهای امدادی سریع‌تر آمده و به نیروهای امدادی سایر

کشورها هم اجازه فعالیت داده می‌شد، حجم تلفات بسیار کمتر نمی‌شد؟

۵. آیا اگر افراد زنده را همراه با مرده‌ها با لودر به گوشه مسیر نمی‌بردند، افراد زنده

اما بی‌حال و یا بی‌هوش نمی‌توانستند نجات یابند؟

۶. آیا اگر در موقع انتقال اجساد و ریختن آنها در کانتینرها، آنها که نیمه جانی

داشتند، به آمبولانس‌ها منتقل می‌شدند، عده کمتری کشته نمی‌شدند؟

۷. آیا اگر تبعیض نژادی نبود و به سیاه‌پوستان هم به اندازه دیگران توجه می‌شد،

این همه سیاه‌پوست از بین می‌رفت؟

۸. آیا اگر مسائل قومی و طائفه‌ای، و مشرک و کافر نخواندن حجاج در عربستان

نبود، امکان داشت مأموری پای خود را روی گلوی یک نفر زنده ولی بی‌جان

بگذارد، تا از دنیا برود و بهانه‌اش این باشد که او کافر است؟

۹. آیا درگذشت بیش از ۷۰۰۰ نفر که عامل اصلی آن ضعف مدیریت عربستان بود، جای تبریکی به این حکومت باقی می‌گزارد که بعضی دولت‌ها به سعودی‌ها تبریک گفتند؟

۱۰. آیا صحیح است که با گذشت بیش از چند ماه از فاجعه منا هنوز تعداد دقیقی از تلفات این فاجعه به جامعه بین‌الملل اعلان نگردد؟

پیشنهاد:

در پایان از مجامع بین‌المللی، از جمله سازمان ملل و نهادهای حقوق بشری، اشخاص حقیقی و حقوقی و به ویژه از سازمان کنفرانس اسلامی و اساتید و دانشجویان همه کشورها به ویژه کشورهای اسلامی انتظار می‌رود، تا:

۱. در مقابل این فاجعه بزرگ بشری، که بیش از ۷۰۰۰ نفر کشته و حدود همین تعداد، مجروح و بیش از ۷۰۰۰ خانواده را داغدار نمود. سکوت نموده و با هر اقدامی که برایشان مقدور باشد، حق این مظلومان را از دولت عربستان بگیرند.

۲. همان‌گونه که شاهدان فاجعه منا گفتند، اداره امور حج، عبادتی که برای همه مسلمانان واجب است را نمی‌شود به عهده یک کشور، آن هم با این ناتوانی و ضعف مدیریت گذاشت. لذا لازم است سازمان کنفرانس اسلامی، و یا سازمان ملل، اداره امور مکه و مدینه دو شهر مذهبی جهان اسلام را به عهده چند کشور توانمند مسلمان بگذارد، تا از این قبیل فجایعی که هر از چندی در موسم حج اتفاق می‌افتد، جلوگیری شود.

۳. در صورتی که عربستان و یا جوامع بین‌المللی، امکان چنین اقدامی را فراهم نکنند، حداقل اداره امور حج را به عهده شورایی که متشکل از نمایندگان کشورهای توانمند اسلامی، که تجربه مدیریت اجتماعات بزرگ را داشته باشند قرار دهند.

۴. هر گروه یا شورا یا کشور که عهده‌دار اداره حج می‌شود، آیین‌نامه‌ای نظیر HSE یا OSHA برای هر بخش از اعمال در مناطق مختلف بنویسند و گروه یا کشورهای مجری موظف به اجرای آن آیین‌نامه باشند.
۵. آیین‌نامه‌های تدوین شده بر اساس جمعیت برای هر محل از اعمال حج تهیه و به تصویب برسد.
۶. با توجه به تخصص بیش از ۲۵ ساله، اینجانب در امور خودرو و حمل و نقل، و بیش از ۳۰ سال تجربه در امور حج، با همکاری بعضی از متخصصین رشته‌های مربوطه، نوشتن این آیین‌نامه را شروع کرده‌ایم. امید است پس از پایان تدوین این آیین‌نامه‌ها، توسط مسئولین امر مورد استفاده قرار گرفته و جوامع بین‌المللی، عربستان را موظف به اجرای آن نمایند.
۷. آخرین پیشنهاد اینکه، بعثه‌های حج کشورهای اسلامی، قبل از موسم حج، حداقل یک یا دو بار در سال، نشست‌هایی برای نوع مشارکت در امور حج و همکاری و هماهنگی بین خود و انتقال تجارب کشورها به یکدیگر و بهره‌برداری از آنها در موسم حج برگزار نمایند.

به امید آن روز

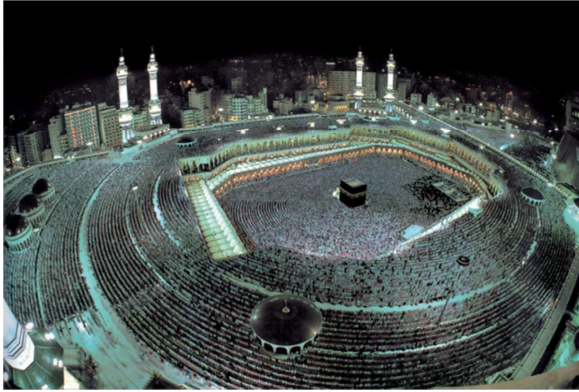
محمد حسن شجاعی فرد

فروردین ۱۳۹۵

تصاویر



تصویر ۱: لباس احرام



تصویر ۲: مسجد الحرام



تصویر ۳: مقام ابراهیم



تصویر ۴: صفا و مروه



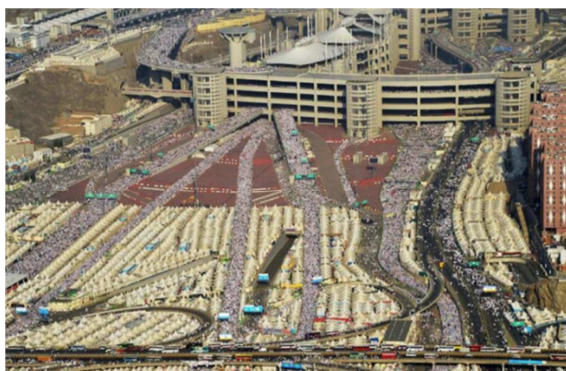
تصویر ۵: عرفات



تصویر ۶: مشعر



تصویر ۷: منا



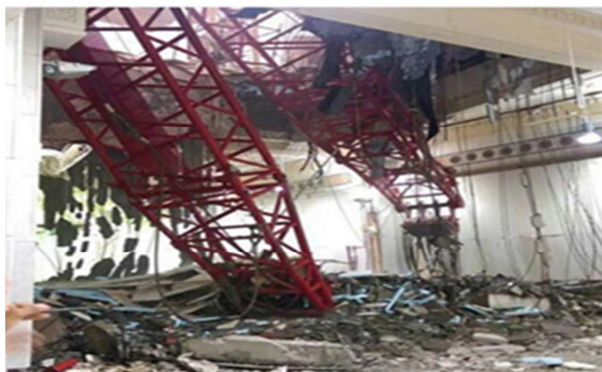
تصویر ۸: مسیرهای منا به جمرات



تصویر ۹: حلق یا تقصیر



تصویر ۱۰: رمی جمرات



تصویر ۱۱: افتادن جرثقیل



تصویر ۱۲: واژگونی جرثقیل مسجدالحرام



تصویر ۱۳: جنازه‌های خون‌آلود



تصویر ۱۴: نرده‌هایی که باعث کشتار شد



تصویر ۱۵: درب‌هایی که دیر باز شد. (درب خیمه‌ها)



تصویر ۱۶: جنازه‌های روی هم افتاده



تصویر ۱۷: جنازه‌های مرتب شده



تصویر ۱۸: امداد بی فایده - بهت جمعیت



تصویر ۱۹: جمع آوری جنازه‌ها



تصویر ۲۰: اکثریت سیاه پوست هستند یا نه؟



تصویر ۲۱: محل وقوع حادثه منا



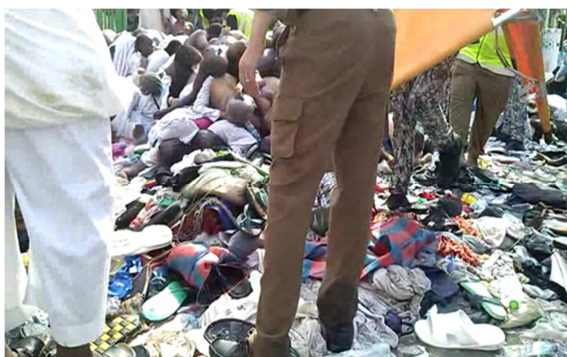
تصویر ۲۲: امدادی که آمدنش بی‌ارزش بود



تصویر ۲۳: باز شدن درب‌ها پس از ردیف شدن جنازه‌ها



تصویر ۲۴: ترکیبی از جنازه و زباله



تصویر ۲۵: راه رفتن روی اجساد حجاج



تصویر ۲۶: اکثریت حجاج سیاه پوست



تصویر ۲۷: فقط بزرگسالان درگیر حادثه نبودند.



تصویر ۲۸: تصاویر غمناک پشت نرده‌ها؛ چطور برخی از حجاج مسلمان با دیدن این تصاویر مساعدت نکردند.



تصویر ۲۹: انبوهی از اجساد